

در جستجوی راه نجات

حضور بخش خصوصی در عرصه اقتصاد صنعت نفت نمادی از باز شدن درهای اقتصاد ایران به سوی رویکردهای تازه است، اما سوال اینجاست که وزن و جایگاه بخش خصوصی در صنعتی که به دولتی بودن عادت کرده است کجاست؟ موضوع ایجاد نهاد تدوین مقررات یا رگولاتوری به عنوان ابزاری که می‌تواند پویایی حضور بخش خصوصی را در این فضای جدید تضمین کند موضوع پرونده این ماه «دنیای انرژی» است. در این پرونده علاوه بر تحلیلی پیرامون شرایط و دورنمای اقتصاد و نفت ایران، رویکرد شماری از قانونگذاران کشور درباره موضوع رگولاتوری در نفت را هم می‌خوانید



مجلس آماده
حمایت از بخش
خصوصی است



اعتماد به بخش
خصوصی تنها راه
توسعه ایران است



تاکتیک
دیپلمات‌ها برای
رونق اقتصاد ایران



JAHAN MOTOR KAVIR



شرکت جهان موتور کویر (تولید کننده هیدروکربن های سبک و سنگین)
انواع . روغن پایه . روغن موتور . روغن هیدرولیک . گریس . ضدیخ

آدرس: سمنان، گرمسار، ایوانکی، شهرک صنعتی جنت آباد، بلوار صنوبر نبش میدان نسترن نبش لاله ۳۱
تلفن: ۰۲۳-۳۴۵۷۲۱۱۲-۳
فکس: ۰۲۳-۳۴۵۷۲۱۱۴

Address: Laleh 31st Alley, corner of Nastaran Sq, Senobar Blvd, Jannatabad Industrial Estate
Eyvanekey, Garmsar, Semnan
Tele: 023-34572112-3
Fax: 023-34572114
Email: JahanMotor.Kavir@gmail.com

جدید!

باروغن موتور کراپ در لحظه رانندگی کن....!



Multi Grade Motor Oil **10W40** Api SL/CF



شرکت کراپ ایران

تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان توپچی، شماره ۲۲
تلفن: ۸۸۵۰۰۷۲۰ - ۸۸۵۲۳۸۰۰ - ۸۸۵۲۴۷۰۰ فاکس: ۸۸۷۲۸۲۶۶



مورد تایید شرکت های خودروسازی کشور

www.crop.ir info@crop.ir

- روغن ترمز
- روغن هیدرولیک
- ضدیخ/ضدجوش
- روغن فرمان
- انواع روغن موتور
- آب رادیاتور
- انواع روغن دنده
- مایع شیشه شوی

Faraz Motor Tehran Co.

Manufacturing

F&T

www.farazmotor.com

The manufacturer, FARAZ MOTOR TEHRAN, was established in 1998, by a group of experienced experts and chemical engineers with the aim of raising the quality and quantity of industrial oil, engine oil industry and also gaining a proper market share. Following its aim the company has been able to export and re-export substantial amount of its manufactured products. Our experienced experts are ready, willing and able to respond to your request and you with special lubricants or any other petroleum products used in production process, and also to cooperate with you in the process of export and re-export.

• شرکت تولیدی فراز موتور تهران با هدف ارتقاء کمی و کیفی صنعت روغن موتور و روغن صنعتی و بدست آوردن سهم مناسبی از بازار در سال ۱۳۷۷ توسط گروهی مجرب از کارشناسان و مهندسين شیمی تاسیس گردید و توانسته مقادیر قابل توجهی از فرآورده های تولیدی و غیرتولیدی خود را صادر یا ترانزیت نماید.

• کارشناسان مجرب شرکت تولیدی فراز موتور تهران آمادگی کامل دارند تا برای هر گونه نیاز ویژه به روانسازهای مخصوص و یا سایر فرآورده های نفتی در زمینه تولید، صادرات و ترانزیت با شما همکاری به عمل آورند.

Faraz Motor Tehran Co.



About twenty years experiences, alongside the well-equipped laboratory and production line, enable us to supply the best quality paraffin waxes and Foots oil, according to our customers' requirements.

www.kimiaparaffin.com



ISO 9001: 2008



ISO 14001: 2004



OHSAS
18001: 2007



ATTESTATION OF
COMPLIANCE

Kimia Paraffin Manufacturing & Trading Company
بیست سال تجربه تولید و صادرات پارافین جامد در خدمت صنایع



Center Office: No.23, 4TH Floor, Hakimazam Alley, North Shiraz St. Tehran - Iran
Postcode: 1991647612
Tel: +98 (21) 88047470 - 88047484 Fax: +98 (21) 88047498
Factory: No.1484, 6/1 St., Dorna Ave, Abbas Abad Industrial Zone - Tehran - Iran
Tel: +98 (21) 36423787
Email: info@kimiaparaffin.com



روغن موتور آلپ

محافظ موتور اتومبیل شما



محصولی از شرکت روان گستر
تولید کننده انواع روغن موتور و گریس



www.Alpmotoroil.org

آدرس: کیلومتر ۱۰ جاده گرمسار - تهران، شهرک صنعتی فجر، ۴۵ متری مرکزی،
شرکت روان گستر. تلفن: ۰۲۳-۳۴۵۵۳۳۲۴-۲۵ فکس: ۰۲۳-۳۴۵۵۳۳۲۶



oghab grease

پالایشگاه عقاب گریس

روغن موتور سحر

تولید کننده انواع روغن موتور، روغن دنده
گریس، روغن های صنعتی، هیدرولیک و روانکارها

SAHAR
motor oil

شرکت عقاب گریس در سال ۱۳۷۴ با هدف تامین انواع روانکار برای داخل و جذب
مشتریان خارجی در شهرک صنعتی فجر گرمسار تاسیس شد



Engine oil

Gear oil

Base oil

Hydraulic oil



تلفن کارخانه: ۰۲۳۳-۴۵۵۳۲۳۱-۲
فکس کارخانه: ۰۲۳۳-۴۵۵۳۴۸۲
تلفن دفتر مرکزی: ۰۲۱-۳۳۸۰۸۳۸۶
فکس دفتر مرکزی: ۰۲۱-۳۳۱۵۶۲۹۳
همراه: ۰۹۱۲-۱۲۲۴۱۷۶
۰۹۱۲-۱۱۵۳۰۸۴
oghabg@yahoo.com



کارگزاری مفید

پیشرفت مداوم



نگاه حرفه‌ای به معاملات بورس کالا و انرژی

فرآورده های نفتی، پتروشیمی، انرژی

• کارگزار برتر در چهار سال پیاپی

• کارگزار مؤسس بورس کالا

• کارگزار مؤسس بورس انرژی

• دارای شبکه گسترده کارگزاری

دفتر مرکزی شعبه بورس کالا Head Office in IME

تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از جهان کودک، پلاک ۵۱ No 51, Jahan Koodak Cross, Africa Main Str. Tehran - IRAN

تلفن: ۰۲۱-۸۷۲۲۲ / نمابر: ۰۲۱-۸۷۲۲۷ Tel: +9821- 87222 / Fax: +9821- 87227

www.mofidkala.com / info@emofid.com

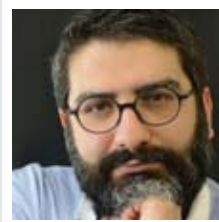


صاحب امتیاز: اتحادیه صادر کنندگان
فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی ایران
« مدیرمسئول: سید حمید حسینی
« سردبیر: رضا وثوقی
« مدیر هنری: امیر شریف

« همکاران این شماره:

آرزو فرشید، فروغ گشتاسبی، هادی
ابراهیمی، آوا مهر گانی، هانی تبریزی،
حناراد، اشکان سیدی، وانیالیپور،
سید محمد میرزا محمدزاده، مهسا
معیری - محسن داوری - جولیان ارادوان
گلاره دستوم - فروزان عبدالمالکی

چاپ: آئین چاپ تابان



یادداشت

رضا وثوقی

سر آغاز یک راه تازه

اقتصاد ایران پس از پشت سر نهادن تب و تاب های گوناگون طی بیست سال گذشته، همچنان در نوسان میان آرامش و چالش است، شاید خیلی از ما ایرانی ها گمان داشتیم که با امضای توافق تاریخی برجام، دست کم برای مدتی نسبتاً طولانی، اقتصاد کشورمان روی آرامش به خود ببیند اما خطاست اگر در عالم سیاست، چیزی را ثابت فرض کنیم، حالا و با خط و نشان کشیدن های مکرر کاخ سفید برای بزرگترین توافق قرن، هم برجام و هم اقتصاد ایران وارد مرحله ای تازه ای شده است، از مشخصه های این مرحله تازه، تندتر بودن ضربان تب دار اقتصاد ملی ایران و نیز احتمالاً تأثیرپذیری بیشتر از تصمیم های احساساتی و آنی است. بخش خصوصی ایران اما به عنوان بازیگر کلیدی دوران تازه، قطعاً در سرشت و سرنوشت آینده اقتصاد ایران نقشی چشمگیر خواهد داشت، تجربه ای یک دهه اخیر و فقدان اثربخشی تداوم حضور دولت در عرصه اقتصاد این واقعیت را بیشتر آشکار کرده است که برای در امان ماندن از تبعات فراز و فرود های سیاسی و بین المللی، بهتر است میدان کار، به دور از شعار به بخش خصوصی واگذار شود. پس یک مؤلفه ای دوران تازه اقتصاد ایران را نیز می توان پررنگ تر شدن حضور بخش خصوصی در ساختارها و روندها دانست، امید که چنان شود. با این مسیر تازه، یک رسانه ای تازه هم قدم شده است، نشریه دنیای انرژی پس از ۲۰ شماره انتشار و با تغییر رویه از فصلنامه به ماهنامه، همپا و همقدم تازه ای دوران جدید اقتصاد ایران است.

در این شماره می خوانید

مجلس آماده حمایت از بخش خصوصی است/ ۴۰



اعتماد به بخش خصوصی، بازی برد-برد در زمین نفت/ ۴۲

وداع روسیه و چین با دلارهای نفتی/ ۴۶



امریکا منزوی می شود؟/ ۵۰



مقدمه ای برای بزرگترین دادوستد انرژی در تاریخ جهان/ ۵۳



بازگشت غریبه ای محبوب/ ۵۶

اخبار/ ۵۹

سیر حقوقی و تاریخی قراردادهای نفتی ایران/ ۲۴



در جستجوی راه نجات/ ۲۸



رگولاتوری، نسخه ای برای درمان بیماری انحصارگرایی در نفت/ ۳۰



ژئوپلیتیک گاز طبیعی/ ۳۴



سهام خواهی خودروهای برقی از بازار نفت/ ۳۷

زمانه ی بیم و امید در اقتصاد ایران/ ۹

تاکتیک دیپلمات ها برای رونق اقتصاد ایران/ ۱۰



اعتماد به بخش خصوصی تنها راه توسعه ایران است/ ۱۴



آخرین فرصت ایران برای ورود به بازار جهانی/ ۱۸



کامیابی ها و ناکامی های صنعت CNG در ایران/ ۲۱



MAIL@OPEX.IR

WWW.OPEX.IR

تهران - خیابان دکتر پشته، خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

۰۲۱-۸۸۵۰۸۲۵۰

۰۲۱-۸۸۵۱۱۶۱۱



سرمقاله

سید حمید حسینی > مدیر مسئول

زمانه‌ی بیم وامید در اقتصاد ایران

اقتصاد ایران این روزها شرایط ویژه و بی سابقه‌ای را تجربه می‌کند، از یک سو با ابرچالش‌هایی نگران‌کننده از جمله بحران‌های آب، محیط زیست، رشد فزاینده بیکاری، احتمال ورشکستگی نظام بانکی، بحران صندوق‌های بازنشستگی و چندین چالش دیگر مواجه است و همزمان نشانه‌هایی از رونق و امیدواری در آن به چشم می‌خورد، در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار بعد از سالیان طولانی، کشور رشد اقتصادی واقعی دو رقمی را تجربه کرد، آمارهای برآمده از روندهای اقتصادی در شش ماهه نخست سال ۹۶ نیز حکایت از رشد ۷ درصدی اقتصاد ایران دارد، به همین تناسب در حوزه‌هایی همچون روابط اقتصادی خارجی، جذب سرمایه، تشکیل سرمایه ثابت و ایجاد اشتغال نیز آمارها از خبرهای خوب حکایت دارند، به همین دلیل اتمسفر اقتصاد ایران این روزها معجونی از بیم‌ها و امیدها است.

در همین شرایط، پژوهش درباره آینده اقتصاد ایران ضرورت بیشتری پیدا می‌کند، دو اقتصاد دان شهیر ایرانی در ماه‌های اخیر، به صورت جداگانه هشدارهایی درباره چشم انداز آینده اقتصاد ایران مطرح کرده‌اند.

در نخستین مورد، دکتر محسن رنایی اقتصاددان نهاد گرو مستقل در مقاله‌ای تأثیرگذار و خواندنی از ضرورت حرکت به سوی پارادایم شیفت در ایران سخن گفته و صریحاً می‌نویسد: اکنون ما در حوزه سیاست داخلی نیازمند یک پارادایم شیفت هستیم، او همچنین اشاره می‌کند که دولت روحانی، دولت شرایط استثنایی است، دولت‌گذار است، دولت پارادایم شیفت نیست. البته دولت روحانی، با به نتیجه رساندن برجام، در حوزه سیاست خارجی ما را به سمت یک پارادایم شیفت ناقص برد اما فشارهای رقبا نداشت که آن را به سرانجام برساند؛ اما دولت روحانی در حوزه سیاست داخلی حتی در مدیریت اقتصاد هم که مهم‌ترین مأموریت آن دولت است، برای خودش مأموریت پارادایم شیفت تعریف نکرده است. دولت روحانی در حوزه اقتصاد به تلاش برای «بهبود» بسنده کرد.

در دومین مورد هم دکتر مسعود نیلی طراح برنامه موفق توسعه سوم کشور و مشاور فعلی رئیس‌جمهور به زبانی دیگر از ضرورت تغییر پارادایم سخن گفته است، نیلی تصریح کرده است که «بدون تغییر پارادایم اقتصاد سیاسی نمی‌توانیم مشکلات را حل کنیم و باید بدانیم که پارادایم اقتصاد سیاسی فعلی که مبتنی بر اضمحلال منابع طبیعی است، به انتهای راه خویش رسیده است»

اگر هر کدام از این دو اقتصاددان را نماد فکری طیف‌هایی از اقتصاددان‌های کشور در نظر بگیریم؛ این موارد بر سرهم نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از اتاق فکر اقتصاد ایران «تغییر» را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد نجات کشور از دام ابرچالش‌های پیش رو گوشزد کرده‌اند.

به همین تناسب، در صنعت نفت که مهمترین و حیاتی‌ترین حوزه مولد اقتصاد ملی ایران است هم ضرورت تغییر کاملاً محسوس است، هرچند از زمان حصول توافق بزرگ هسته‌ای موسوم به برجام رخدادهای مثبت و امیدوارکننده‌ای را شاهد بوده‌ایم اما آنچه که از آن می‌توان در صنعت نفت با عنوان تحقق تغییر یاد کرد، خروج آرام دولت از بنگاه داری، سپردن روند توسعه به دست بخش خصوصی و ایجاد زمینه لازم برای تدوین مقررات و قوانین تسهیل‌کننده توسط نهاد تنظیم مقررات (رگولاتوری) است.

به تعبیری دیگر، پیدایش رگولاتوری در صنعت نفت می‌تواند نویددهنده پارادایم شیفت «در مهمترین عرصه تولید اقتصادی و گام نخست در اصلاح ساختار این بخش مولد از اقتصاد ایران لقب بگیرد، هر چند طی سالهای گذشته ایجاد رگولاتوری در صنعت نفت یک آرمان مطلوب و مطرح شده از سوی بخش خصوصی خطاب به دولت بود اما اکنون هم به دلیل تصریح قوانین بالادستی کشور و هم با توجه به ضرورت‌های انکارناپذیر تغییر پارادایم در مسیر اقتصاد ایران، ایجاد رگولاتوری نه یک آرمان که یک مطالبه‌ی قانونی است، اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی به عنوان بزرگترین تشکل صنفی و صادراتی کشور ضمن استقبال از پارادایم تغییر در مسیر اصلاح ساختار صنعت نفت از پیدایش یک نهاد مستقل و اصلاح‌گر برای تنظیم مقررات و قوانین استقبال کرده و معتقد است جدی‌تر شدن حضور بخش خصوصی در صحنه توسعه صنعت نفت، تنها راهبردی است که می‌تواند این صنعت را به سرانجام مطلوب برساند.

وزارت خارجه برای کمک به توسعه اقتصادی ایران پیشقدم شده است

تاکتیک دیپلمات‌ها برای رونق اقتصاد ایران

گزارش
آوا مهرگانی > دنیای انرژی





**در تشکیلات
جدید برای
کمک به رونق
اقتصادی،
خبره‌ترین
کارشناسان
وزارت
امور خارجه که
سابقه مدیریت
و سفارت
در کارنامه
خود دارند،
مسئولیت را به
عهده می‌گیرند**

دولت روحانی که در چهار سال نخست کار همه توان خود را صرف گره‌گشایی از پرونده هسته‌ای و توافق با شش قدرت جهانی صرف کرد؛ اکنون برای جامه عمل پوشاندن به وعده‌های ارائه شده در افکار عمومی، تنها یک راه دارد. حل مشکلات اقتصادی، امضای توافق موسوم به برجام بالغو تحریم‌های اقتصادی علیه ایران همراه شد و حالا علی‌رغم همه سنگ‌اندازی‌های دولت ترامپ گمان می‌رود که مسیر رشد و توسعه اقتصاد بیش از پیش هموار است.

در این شرایط اگر عزمی جزم در کار باشد و برنامه‌ای مدون، می‌توان امیدوار بود که حسن روحانی به یک موفقیت دیگر دست‌یابی. به نظر می‌رسد که آقای رئیس‌جمهور و همکارانش به این مهم

واقف‌اند. از همین رو شاهد بودیم که محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در آغاز کار دولت دوازدهم از ایجاد یک معاونت جدید در وزارت امور خارجه خبر داد. این تغییر ساختاری گام عملی دولت برای استفاده از ظرفیت‌های وزارت امور خارجه برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با دنیا است.

فریدون حق‌بین مدیرکل هماهنگی و راهبرد اقتصادی وزارت خارجه در گفت‌وگو با «دنیای انرژی» از چند و چون تغییرات مورد نظر ظریف می‌گوید. او با اشاره به اینکه هدف از این تغییر و تحول ایجاد یک تشکیلات متمرکزتر، منعطف‌تر و چابک‌تر است، گفت: «مقصود این است که در وزارت امور خارجه یک تشکیلات میز محور داشته باشیم».

وی توضیح داد: «از قدیم برای هر یک از کشورهایی که با آن رابطه داریم یک میز داریم. مثلاً میز انگلستان، روسیه، عراق، چین و ... داریم. در شیوه قبلی هر چند کشور در یک اداره قرار می‌گرفت به این ترتیب وزن کشورها در رسیدگی به امور اجرایی آن‌ها لحاظ نمی‌شد. مثلاً در حوزه کشورهای مشترک المنافع قریقیزستان، گرجستان، ترکمنستان را در کنار کشور بزرگ روسیه داریم. در شیوه قبلی به همه این کشورها به صورت یکسان پرداخته می‌شد یا اگر به روسیه پرداخته می‌شد، دیگر کشورها دیده نمی‌شدند. ضمن اینکه فاصله طولی در سلسله مراتب بین تصمیم‌گیرندگان یعنی شورای معاونین وزارت امور خارجه و کارشناسانی که در میزها کار می‌کردند، طولانی بود. یعنی بعد از کارشناس یک معاون اداره، بعد رئیس اداره، مدیرکل، معاون وزیر و نهایتاً وزیر امور خارجه قرار داشت. در ساختار تشکیلاتی جدید این فاصله طولی حذف خواهد شد».

به گفته او، در تشکیلات جدید هر میز خودش یک اداره و تشکیلات مستقل می‌شود. خبره‌ترین کارشناسان وزارت امور خارجه که سابقه مدیریت و سفارت در کارنامه خود دارند، مسئولیت آن را به عهده می‌گیرند. در تشکیلات جدید هر میز مستقیماً به وزیر وصل است.

مدیرکل راهبر اقتصادی وزارت امور خارجه معتقد است که حذف فاصله طولی در تشکیلات وزارت امور خارجه دست‌یابی به اهداف برنامه ریزی شده را ساده‌تر کرده و اجازه می‌دهد که این وزارتخانه به صورت متمرکز به توسعه روابط اقتصادی با کشورهای دیگر بپردازند.

او در مورد اینکه ایجاد معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه چطور به کمک فعالان اقتصادی می‌آید، گفت: «تشکیلات به نحوی تعریف می‌شود که مدیریت و تصمیم‌گیری روابط خارجی بر پایه دو رویکرد سیاسی و اقتصادی باشد. در این شیوه تمرکز تشکیلاتی ایجاد می‌شود و بسیاری از مباحث در دستور کار میزها و مدیران کل مربوطه قرار می‌گیرد. در تشکلات جدید هر اداره کل منطقه‌ای روی مسائل اقتصادی نیز به اندازه مباحث سیاسی متمرکز هستند. آن‌ها باید به معاون اقتصادی وزارت امور خارجه گزارش دهند و معاون اقتصادی نیز مسئول و مأمور انجام برنامه ریزی‌ها در حوزه اقتصاد خارجی است. وزارت خارجه یک دستگاه اقتصادی نیست. ما نه مزرعه‌گندم داریم نه خط تولید خودرو. کاری که ما می‌کنیم سامان دهی روابط خارجی با محور اقتصادی است».

حق‌بین با تأکید بر اینکه ایجاد ساختار در وزارت امور خارجه به موازی کاری با دستگاه اقتصادی موجود منجر نمی‌شود، گفت: «کار وزارت خارجه برحسب قانون در درجه اول پشتیبانی از روابط اقتصادی خارجی است. در درجه دوم تسهیل ارتباطات و در درجه سوم اشراف و نظارت بر روابط خارجی سایر دستگاه‌ها است. در این سه محور نیز مداخله هم عرض با هیچ دستگاهی صورت نخواهد گرفت».

وی در توضیح روش کار معاونت اقتصادی در سه محور مورد

اشاره، گفت: «برای اینکه یک واقعیت اقتصادی شکل بگیرد و به یک واقعیت بیرونی تبدیل شود، چند فرایند وجود دارد که دیپلماسی متولی انجام آن است. فرایند اول فضا سازی و آماده سازی محیط گفت‌وگو با کشور مورد نظر است. اگر فضای مناسب وجود نداشته باشد هرگز هیچ ارتباط اقتصادی بر اساس سودآوری شکل نمی‌گیرد. مثلاً شما می‌بینید که مدتی است روابط ما با برخی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با مشکلاتی مواجه است لذا فضا و محیط روابط اجازه رشد و توسعه روابط اقتصادی را نمی‌دهد. بنابراین گام اول فضا سازی است. این امر بسیار مهم و پیچیده اختصاصاً در حوزه فعالیت وزارت امور خارجه و سفارت خانه‌ها است. گام دوم در این فرایند فضا سازی میدانی و محیطی در کشورهای مورد نظر است.

مدیرکل راهبر اقتصادی وزارت امور خارجه از فرصت شناسی یا فرصت سازی به عنوان فرایند دوم در کار اقتصادی وزارت خارجه نام برد و افزود: «توسعه روابط و کلیه طرح‌های اقتصادی تا جایی که به بخش خارجی مربوط است بر شناسایی فرصت‌های جدید و معرفی آن به دستگاه‌های داخلی تمرکز دارد. به طور مثال در طرح‌های مربوط به آب و استفاده بهینه از آب که بحث بسیار پیچیده‌ای است؛ تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای در دنیا وجود دارد که در اختیار کشورهای خاصی است. کار سفارتخانه‌ها این است که فرصت‌ها مناسب برای دستیابی به این فناوری‌ها را ایجاد کنند و به دستگاه‌های فنی و تخصصی مربوطه ارتباط دهند. سفارت خانه‌ها وظیفه دارند با شناسایی و معرفی فرصت‌های مناسب زمینه توسعه {مثلاً} خودروسازی را از طریق سرمایه و فناوری خارجی فراهم آورند».

حق‌بین ایجاد ارتباط بین دستگاه‌ها و ساختار تخصصی کشور با دستگاه‌ها و ساختار تخصصی در کشور هدف را آخرین از مرحله از کار اقتصادی وزارت امور خارجه دانست و گفت: «توجه داشته باشید که تا این ارتباطات در بخش دولتی و خصوصی ایجاد نشده باشد، مذاکرات فنی برای امضای تفاهم‌نامه یا قرارداد آغاز نمی‌شود. بعد از ایجاد این ارتباطات است که کارشناسان، خبرگان و اهل فن در دستگاه‌های تخصصی تازه وارد کار می‌شوند».

وی در پاسخ به اینکه آیا با تغییر ساختار در وزارت امور خارجه، ضرورت وجود معاونت بین الملل در دستگاه‌های





بنابراین بحث مداخله مطرح نیست و حرف از روابط تکمیلی است. اتفاق افتاده که دستگاه‌های اقتصادی وارد مذاکره شده و تعهداتی می‌کنند که آن را اجرا نمی‌کنند. این اجرا نکردن‌ها به اعتبار ملی آسیب می‌زند.

مدیرکل راهبر اقتصاد در مورد اینکه گاهی فعالیت‌های اقتصادی بعد از انجام تعهدات و در مرحله دریافت پول با مشکل مواجه شده و از وزارت خارجه انتظار دارند که به آن‌ها کمک کنند، نیز گفت: «باید یاد بگیریم که به کارگیری ترکیبی از ابزارهای سیاسی و اقتصادی به صورت حرفه‌ای و با استاندارد بالا می‌تواند مشکلات ما در حوزه‌های مشخص که حوزه بانکی یکی از آن است، حل شود. چرا مشکلات اقتصادی در روابط خارجی ما پیش آمده و چرا تحریم پیدا شد؟ علت همه این‌ها آن بود که در یک دوره‌ای دیپلماسی کنار زده شد و نتیجه آن تحریم و خیلی از این مشکلات بود لذا اگر دیپلماسی کار خود را درست انجام ندهد و حاشیه نشین روابط اقتصادی باشد؛ اگر هر یک از دستگاه‌ها به صورت پراکنده و جزیره‌ای عمل کنند طبیعتاً مشکلات رو به افزایش می‌رود و دیگر نه می‌توان یک بشکه نفت فروخت،



گام نخست در این مسیر، فضا سازی آماده سازی محیط گفتمان با کشور مورد نظر است. اگر فضای مناسب وجود نداشته باشد هرگز هیچ ارتباط اقتصادی بر اساس سودآوری شکل نمی‌گیرد.

مثلاً پتروشیمی وارد مذاکره نمی‌شود و اهل فن باید این کار را انجام دهند اما سفارت خانه فضا را آماده، فرصت‌ها را معرفی و ارتباط را برقرار کرده است. نتیجه فرایند سوم یک توافق یا تفاهم است که می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. وظیفه پیگیری این توافقات تا مرحله اجراییز به عهده دستگاه دیپلماسی است. ما ۱۳۰ دفتر نمایندگی در دنیا داریم و به محض اینکه توافقی با دولتی انجام شود، اجرای آن را پیگیری خواهیم کرد. این پیگیری در واقع فرایند چهارمی است که وزارت خارجه در تشکیلات جدید برای خود تعریف کرده است.

حق بین همچنین گفت: «توسعه روابط اقتصادی در بستر روابط سیاسی مورد نظر ما است. باید طور مدیریت و برنامه ریزی کرد که ارزش افزوده اقتصادی از ظرفیت‌های سیاسی به دست آید و ارزش افزوده سیاسی از افزایش وزن روابط اقتصادی به دست آید. اعتبار ملی وقتی به دست می‌آید که روابط اقتصادی ما با بر اساس وزن روابط سیاسی موجود توسعه یابد. در برخی از کشورها روابط تنگاتنگ اقتصادی داریم و این قاعدتاً باید با ملاحظات سیاسی ما متناسب باشد. برعکس آن نیز صادق است. بنابراین اینکه یک وزارتخانه بدون توجه به نظام ارزشی جمهوری اسلامی ایران و اعتبار ملی کاری را انجام دهد یا به تعهداتی که کرده، پایبند نباشد؛ به روابط سیاسی آسیب می‌زند. مقام معظم رهبری سال گذشته در ابتدای هفته دولت به این اشاره کردند که مقاماتی برای توسعه اقتصادی وارد مذاکره می‌شوند در حالی که سفارتخانه اصلاً خبر ندارد. این موضوع بسیار آسیب رسان است. این شیوه به انتفاع کشور منتج نمی‌شود. موجب نمی‌شود که به پشتوانه روابط سیاسی قوی‌تر روابط اقتصادی خود را توسعه دهیم.

اقتصادی از میان می‌رود یا خیر؟ گفت: «ما توصیه می‌کنیم که این معاونت بین الملل در دستگاه‌های اقتصادی وجود داشته باشد زیرا در فرایند سوم به مذاکرات فنی با دستگاه‌های تخصصی می‌رسیم و این یعنی به آگاهی‌هایی نیاز داریم. ایجاد ارتباط به نوبه خود فنی تخصصی است که به اطلاع از حقوق و مقررات، تشریفات و پروتکل نیاز دارد. باید دانست که مذاکرات تخصصی چطور باید هدایت شود تا به هدف برسد. همه این‌ها به قابلیت‌های فنی دستگاه‌ها برمی‌گردد و در اختیار خودشان است. اگر از ما بپرسند که معاونت بین الملل در دستگاه‌ها بماند یا حذف شود؛ ما ضرورت وجود آن را نفی نمی‌کنیم اما توضیح می‌دهیم که سهم دستگاه‌های تخصصی و وزارت امور خارجه در پیشبرد تمام طرح‌های ملی در حوزه روابط اقتصادی خارجی چیست.»

وی افزود: «در فرایند سوم مسئولیت، صلاحیت، توانمندی و همه ویژگی‌های دستگاه‌های مربوطه شکل می‌گیرد. هیچ سفارت خانه‌ای برای رسیدن به توافق در حوزه بانکی مذاکره نمی‌کند، این کار را اهل فن انجام خواهند داد. هیچ سفارتخانه‌ای در حوزه معدن یا



نه می‌توان یک دلار جابه‌جا و یک کاننیر کالا صادر یا وارد کرد. تغییر تشکیلات در وزارت امور خارجه به این خاطر است که دیپلماسی به صورت متمرکز در خدمت توسعه روابط اقتصادی قرار گیرد. ایرانی‌ها خیلی جاها کار کرده و سرمایه‌گذاری کرده‌اند و متأسفانه بعد از مدتی همه سرمایه خود را از دست داده‌اند. این مشکلات به خاطر آن است که ملا حظات مورد نظر ما دیده نشده است. جمهوری اسلامی ایران با همه ظرفیت خود وارد نشده و دستگاه‌ها به صورت تک و تک و بعضاً افراد به صورت شخصی وارد عمل شده‌اند. اکنون به دنبال آن هستیم که فضاسازی مناسب انجام داده، فرصت‌های موجود را به داخل کشور معرفی کنیم. از اعتبار ملی برای ایجاد ارتباط و مذاکره استفاده و به توافقات اقتصادی برسیم. در نهایت نیز با پایبندی و اجرای تعهدات اعتبار ملی را افزایش دهیم. اهداف وزارت امور خارجه و سهم دستگاه‌ها مشخص است و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.»

آطور که حق‌بین می‌گوید مطالعات

مبنایی برای ایجاد تغییرات ساختاری و ایجاد معاونت اقتصادی انجام شده و منتظر اعلام نظر دستگاه‌های مربوطه هستند. وی در پاسخ به این پرسش که معاون اقتصادی مورد اشاره چه کسی خواهد بود، نیز گفت: «آقای ظریف نگاه خاصی به مدیریت روابط اقتصادی خارجی دارند و حتماً فردی را به کار می‌گیرند که در این حوزه توانمند باشد. حتماً به توانمندی افراد در مدیریت روابط اقتصادی خارجی نگاه می‌کنند و کسی را انتخاب می‌کنند که در پیوند اهداف سیاست خارجی و منافع اقتصادی و ملی موفقیت‌هایی داشته باشد. در وزارت امور خارجه افرادی را داریم که چندین دوره سفیر بوده‌اند و دستاوردهای بزرگ اقتصادی در کارنامه خود دارند. درست است که جمهوری اسلامی هنوز بسیار جوان است و ما در یک کشور کهن یک نظام جوان ایجاد کرده‌ایم اما در همین چند دهه رشد و توسعه وسیعی داشته‌ایم. میزان توسعه در بخش نفت و گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، کشاورزی و ... مصداق این توسعه است. این توسعه در شبکه‌ای از روابط ایجاد شده که یک سوی آن همیشه سرمایه و روابط خارجی بوده است. توسعه ملی بزرگ ما از طریق سرمایه‌گذاری‌های عظیمی به دست آمده که سفرای ما نقش عمده‌ای در آن داشته‌اند. همین افراد هر کدام می‌توانند یک معاون اقتصادی بسیار قوی در وزارت خارجه باشند.»

وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی اینکه دستگاه اقتصادی موجود چقدر آماده پذیرش و همکاری با ساختاری جدید وزارت امور خارجه هستند، اظهار کرد: «این امری است که به سنت‌های مدیریتی، روابط بین‌دستگاهی، تفکر هر یک وزرا،

فرهنگ غالب در حوزه مدیریت روابط اقتصادی خارجی و خیلی مسائل دیگر بستگی دارد. وزارت امور خارجه خودش را آماده می‌کند و تا جایی که به این وزارتخانه مربوط است با دیگر دستگاه‌ها همکاری می‌کند. ما در ستاد هماهنگی اقتصادی خارجی که دستگاه‌های اقتصادی نیز در سطح معاون وزیر در آن مشارکت دارند، همه تجربیات سال‌های اخیر را به علاوه طرح‌ها و دیدگاه‌ها ارائه کرده‌ایم. قطعاً کشور به میزانی که دستگاه‌های ذی ربط آمادگی داشته و در ستاد هماهنگی اقتصادی فعال باشند، منتفع خواهد شد. حتماً نتایج بزرگی به دست خواهد آمد.»

با توجه به گفته‌های مدیرکل هماهنگی و راهبرد اقتصادی وزارت امور خارجه و تأکید همه مقامات و کارشناسان در مورد ضرورت تمرکز بر اقتصاد، انتظار می‌رود که موفق‌ترین وزارتخانه دولت روحانی در چهار سال آینده پرچمدار توسعه اقتصادی شده و با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خود به کمک فعالان اقتصادی در دو بخش دولتی و خصوصی آید.





برای هر روز نامه
نگاری مصاحبه
خبری با فردی که

نیم قرن سابقه فعالیت صنعتی دارد یک تجربه ارزشمند است، به ویژه اینکه همه سابقه و تجربه این مرد در بخش غیردولتی ثبت شده باشد، او به تعبیری دایره المعارفی از روند توسعه صنعتی کشور است و اشراف و اطلاع تقریبی بحدی بر فراز و فرودهای اقتصاد ایران طی پنج دهه گذشته دارد، در بخش پایدانی صحبت‌مان وقتی که مصاحبه جنبه غیررسمی یافته بود از اینکه برخی کالاهای صادراتی ایرانی که روزگاری در بازارهای اروپا و آمریکا بی رقیب بود، اکنون به دلیل بازاریابی غلط به کالاهای درجه دو و پایین‌تر تبدیل شده است عمیقاً اظهار ناراحتی می‌کرد، عباسعلی اسلامی از تیرماه ۱۳۹۶ با رای اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی به عنوان رئیس هیات مدیره بزرگترین تشکل صنفی و صادراتی کشور انتخاب شده است، ماهنامه دنیای انرژی با او به گفت‌وگو نشست است که در ادامه می‌خوانید:

عباسعلی اسلامی رئیس اتحادیه اوپکس:

اعتماد به بخش خصوصی تنه‌اراه توسعه ایران است



آقای اسلامی، به عنوان اولین سؤال لطفاً بفرمایید جایگاه مطلوب و مؤثر بخش خصوصی در ساختار اقتصاد ایران کجاست؟

بنام خدا- طی یک دهه نخست بعد از انقلاب بخش خصوصی به صورت رسمی جایگاهی در اقتصاد ایران نداشت و تنها نقش آن محدود به حیطه تجارت خرده کالایی و تولید محدود کارگاهی بود، از زمان پایان جنگ تحمیلی، سیاست‌های اقتصادی ایران یک تغییر زیربنایی را تجربه کرد، صحبت از ضرورت حضور بخش خصوصی در توسعه و بازسازی کشور به میان آمد و نگاه‌ها به بخش خصوصی به صورت کلان تغییر کرد، از آن زمان تا امروز مجموعه‌ای از اسناد بالادستی در کشور تنظیم شده است، سیاست‌های کلی اداره کشور که من از



اتحادیه اوپکس در تلاش است که بین اعضا تفاهم حداکثری برقرار کرده و تعامل لازم میان دستگاه‌های قانون‌گذار و اعضا را ایجاد نماید، این رکن اصلی کار اتحادیه است

آنها به نام «سند حکمرانی ملی» تعبیر می‌کنم؛ در همه این اسناد به صورت واضح و صریح محوریت بخش خصوصی مورد تأکید قرار گرفته است، سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، سند سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و حتی برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور، همه این اسناد مهم بالادستی یک چشم‌انداز قابل دسترسی دارد و یکسری تکالیف بر عهده مجریان قرار داده است که در جزئیات به صورت مشخص روی توان و قابلیت بخش خصوصی تکیه شده است، اینجا یک اشاره‌ای را لازم می‌دانم داشته باشم درباره فرمان مهم رهبری معظم انقلاب درباره سیاست‌های کلی اصول ۴۳ و ۴۴ که اول خرداد ماه سال ۸۴ صادر شد، اعتقاد دارم این فرمان یک انقلاب در نظام تدوین سیاست‌های حکمرانی ایران محسوب می‌شود، خیلی از فعالان اقتصادی و حتی چهره‌های کارشناسی، تنها یک وجه از این ابلاغیه آنهم بند مربوط به خصوصی سازی را می‌نگرد اما واقعیت اینجاست که این ابلاغیه در حقیقت مهر تأییدی بر حضور جدی و بدون ترس بخش خصوصی در صحنه مدیریت اقتصادی است، به نظرم ما هنوز برای اینکه این اصل را در کشور اجرا کنیم باید تلاش کنیم.

اتفاقاً سؤال بعدی من هم درباره دلایل ناکامی در اجرای این سیاست‌ها است، ممکن است نظر تان را در این زمینه بفرمایید؟

من اسم این را ناکامی در اجرای سیاست‌ها نمی‌گذارم، بهتر است بگوییم اجرای بد و سلیقه‌ای توسط عوامل اجرایی باعث شده است تا به بخشی از اهداف نرسیم، شما توجه کنید مثلاً بند پنجم ماده پنجم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط نگاه‌های اقتصادی غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات تصریح می‌کند، این کلمات که قابل تفسیر نیست، روشن و صریح است، یعنی یک رویه و سازوکار باید از ایجاد انحصار جلوگیری کند، در همین بخش صادرات و تجارت فرآورده‌های نفتی سازوکاری که قادر است از ایجاد انحصار جلوگیری کند، تأسیس نهاد تنظیم مقررات است، خوب الان ۱۲ سال از ابلاغ این فرمان گذشته است، آیا مجریان امر امکان تأسیس نهاد رگولاتوری فراهم کرده‌اند؟ هر کسی متولی کار شده است یک دوره‌ای با یک سلیقه‌ای عمل کرده است، بدیهی است که در این میان انحصار به وجود می‌آید، سپس باندبازی ایجاد می‌شود و این مثل یک زنجیره تداوم می‌یابد که امکان رشد بخش خصوصی واقعی را از بین می‌برد، در واقع برای پاسخ به شما باید این را بگویم که مهمترین مانع در نرسیدن به برخی اهداف در سیاست‌های کلان، اجرای ناقص، اجرای سلیقه‌ای و موانع ناشی از فقدان «تصمیم» بوده است، تأکید می‌کنم یک زمانی هست که یک تصمیم‌بد اتخاذ می‌شود، فعال اقتصادی تکلیفش را می‌داند به هر حال، اما درد اصلی زمانی است که «بی تصمیمی» وجود دارد، این باعث می‌شود فعال اقتصادی به ویژه بخش خصوصی نوپا، دائماً در تردید باشد، تکلیف خود را نداند و بعد از مدتی به دلیل دلسردی و بلاتکلیفی عطا فعالیت را به لقایش می‌بخشد

آقای اسلامی حتماً می‌دانید که اساساً توسعه صادرات انرژی در چشم‌انداز ایران ۱۴۲۰ و در سایر اسناد بالادستی که اشاره کردید؛ با اتکا بر بخش خصوصی ترسیم شده است. شما به عنوان رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی فکر می‌کنید چقدر می‌شود به توان بخش خصوصی در تحقق این موضوع اعتماد کرد؟

اتحادیه اوپکس (صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی) بزرگ‌ترین تشکل صنفی صادراتی کشور است، اتحادیه هماهنگ‌کننده امور صادراتی اعضا است و خودش راسا صادرکننده و بازرگان نیست. مطابق اساس‌نامه‌ای که موظف به رعایت آن هستیم اتحادیه باید بین اعضا تفاهم حداکثری برقرار کند و نیز بکوشد که تعامل با دستگاه‌های قانون‌گذار با اعضا را ایجاد نماید، این رکن اصلی کار اتحادیه است، در طی دوران حیات این اتحادیه تلاش شده است که تا سر حد ممکن تعامل و هماهنگی با نهادهای دولتی را افزایش دهد.

یعنی رونق کار شما به عملکرد نهادهای دولتی وابسته است؟ اگر این طور باشد که با روح مستقل بخش خصوصی در تضاد است!

نه من منظورم از تعامل و هماهنگی این برداشت شما نبود، ببینید اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی، طیف وسیعی از محصولات و فرآورده‌ها را تولید یا صادر می‌کنند، برخی اعضا تولید کننده هستند و برخی هم صرفاً کار بازرگانی انجام می‌دهند، این مجموعه، گستره‌ای از محصولات و مشتقات نفتی، از محصولات روغنی و پارافینی گرفته تا قیر و محصولات پتروشیمی را شامل می‌شود، بدیهی است که در روند انجام کار صادرات با مجموعه‌ای از نهادهای حاکمیتی سرو کار دارند، ستاد مبارزه با قاچاق، سازمان استاندارد، گمرک، وزارت صنایع، سازمان توسعه تجارت، شرکت‌های ملی نفت، پالایش و پخش و پتروشیمی از زیرمجموعه‌های وزارت نفت، و همچنین تعداد زیادی از نهادها و سازمان‌ها به صورت موردی و مقطعی ممکن است در مسائل مرتبط با صادرات فرآورده‌های نفتی دخیل هستند، عمدتاً هم وظایفی را بر مبنای قوانین مصوب بر عهده دارند، تعامل اتحادیه اینجا و با این نهادها معنا می‌یابد، چون اتحادیه دفاع از منافع کل صنف را بر عهده دارد، به نمایندگی از اعضا با این نهادها گفت و گو می‌کند، مشکلات را منتقل می‌کند و سعی دارد موانع را تا سر حد ممکن از مسیر توسعه صادرات بر دارد.

اما بازگردیم به پاسخ سؤال قبلی، پرسیدید چقدر برای تحقق اهداف می‌شود به بخش خصوصی اعتماد کرد، من مایلم اینطور جواب بدهم که اصلاً به جایی غیر از بخش خصوصی برای تحقق توسعه ایران نمی‌شود



❏ فضای اقتصاد انرژی در حوزه های نفت، گاز، صنعت پتروشیمی، پالایش و پایین دست را با توجه به اوضاع و احوال کلی اقتصاد کشور چطور می بینید؟ با توجه به بازاری که در منطقه و جهان وجود دارد، پیش بینی می کنید که این فضا پر رونق تر شود؟

کشور ما در برهه ای از زمان قرار دارد که مساله روابط بین المللی به شدت بر سرشت و سرنوشت اقتصادمان تأثیر می گذارد، در واقع تعامل نظام اسلامی با جهان کلید معمای رونق یا رکود آینده این کشور است. هرچه تعامل نزدیکتر و گسترده تر شود مساله تجارت با جهان نیز گسترده تر خواهد شد. اما اگر اینطور نشود در وضعیت کنونی باقی می مانیم.

❏ یعنی نقطه کلیدی در رونق یا رکورد اقتصادی در آینده موضوع تعامل با اقتصاد دنیاست؟

بله، توجه داشته باشید که سیاست و بخش عمده ای از اقتصاد کشور ما دولتی است. بنابراین تا زمانی که دولت اصلی ترین بازیگر اقتصاد کشور است، اقتصاد بخش خصوصی نیز تابعی از کل است. وقتی آن بخش



دولت باید به میدان دار بودن بخش خصوصی ایمان داشته باشد، به تعبیری دولت باید بخش خصوصی را به عنوان عامل نجات ایران بشناسد

ایمان داشته باشد، اینکه صرفاً در برنامه و در آئین نامه نگاهی یا خیلی اوقات نیم نگاهی به بخش خصوصی داشته باشند که کار درست نمی شود، دولت باید به میدان دار بودن بخش خصوصی ایمان داشته باشد، دولت باید به بخش خصوصی به عنوان عامل نجات ایران بشناسد اعتماد به خود بخش خصوصی و سپردن روند تصمیم گیری و وضع مقررات صنفی به خود این بخش ها است، من از موضع اتحادیه به این سؤال جواب می دهم، شاید خیلی رؤیایی باشد که بگوییم اتحادیه یکباره به عنوان واضع مقررات و قوانین این حوزه مورد پذیرش قرار گیرد، اما قاعدتاً اتحادیه می تواند به عنوان بازوی مشورتی سیاست گذاران و تصمیم گیران اقتصاد کشور عمل کند.

❏ با دولتی ها که صحبت می کنیم، می گویند بخش خصوصی هنوز قابلیت لازم را ندارد و به قدر کافی رشد نکرده است. از طرف دیگر با بخش خصوصی که صحبت می کنیم، می گویند که نظرات و راهکارهای ما مورد قبول قرار نمی گیرد و اجازه نمی دهند که رشد کنیم، این پارادوکس را چگونه باید حل کرد؟

اجازه دهید یک سؤالی بیرسم، چرا مدیران دولتی وقتی دیگر کار نمی کنند، باز نشسته می شوند و یا به هر طریقی از سیستم دولتی جدا می شوند، وارد بخش خصوصی می شوند؟ اگر این بخش ظرفیت و قدرت کافی را ندارد و نمی تواند کار انجام دهد چرا مدیران باز نشسته یا برکنار شده دولتی وارد بخش خصوصی می شوند؟ چرا اینهمه اشتیاق دارند؟ اگر توانستید به این سؤال پاسخ دهید شود به جواب ادعای فقدان قابلیت بخش خصوصی هم می رسید!

اعتماد کرد، یعنی اگر قرار است ایران توسعه یابد تنها همین مردم ایران هستند که باید این مسئولیت را بر دوش بکشند، دولت برای سالیان متمادی، بنگاه داری، تصمیم سازی و اجرا را بر عهده داشته است و تجربه و درسی که از محوریت دولت در مفهوم توسعه ایران داریم هم مشخص و قابل مشاهده است، وقتی آن همه درس آموخته شده را کنار تکالیف قانونی و مصرح در اسناد حکمرانی ملی می گذاریم به این نتیجه می رسیم که اعتماد و تکیه بر بخش خصوصی برای توسعه ملی، برداشتن موانع از مسیر تحرک این بخش و نیز حمایت حاکمیتی از اعتلای بخش خصوصی تنها راه توسعه ایران است.

❏ بله بدیهی است که خود دولت هم به نتیجه تجربه اش از حضور در عرصه اقتصاد آگاه است، به همین دلیل از حضور بخش خصوصی در این فضا استقبال می کند، برای شروع چه انتظاراتی منطقی است؟

اولین گام پذیرش بدون قید و شرط « اصلت بخش خصوصی » است، دولت باید قبل از هر کاری به اصل بودن و محور بودن بخش خصوصی



ما از نظر
سوق الجیشی
در موقعیتی
قرار داریم
که تقریباً در
قاره آسیای
رقیب است، به
استناد دلایل
کارشناسی می
توانیم به سوآپ
به عنوان یک
منفعت محض
ملی " نگاه
کنیم، کوتاه
نظری ها باید
حذف شود

محدود باشد، بخش خصوصی نیز اجازه فعالیت ندارد، زمانی که سیاست خارجی کشور ما بر مدار دوستی با اقتصاد جهان باشد بدیهی است که بخش خصوصی می تواند پیشقراول این سیاست باشد، در همه جای جهان هم وقتی دولتها مینا را بر ارتقای سطح مبادلات می گذارند منظور اصلی ارتقای مبادلات بخش های خصوصی با هم است، البته به حمدلله در دولت جدید آقای روحانی بحث دیپلماسی در خدمت اقتصاد مطرح شده، حتی شنیده ام که قرار است در وزارت خارجه یک معاونت صرفاً برای تسهیل در روابط اقتصادی ایجاد شود، این خیلی می تواند مؤثر باشد.

کمبسیونی به نام سوآپ در اتحادیه داریم اما این فعالیت اقتصادی در کشور ما سالهاست با نوعی چالش مواجه شده است، فکر می کنید اتحادیه در کنار مجموعه قوانین و زیرساخت های دولتی در احیای سوآپ چقدر می تواند مؤثر باشد؟

مساله سوآپ را کسی باید پیگیری کند که به منافع ملی اهمیت می دهد. بدون تردید سوآپ به نفع مملکت است. ما از نظر سوق الجیشی در موقعیتی قرار داریم که تقریباً در قاره آسیای رقیب است، به استناد دلایل کارشناسی می توانیم به سوآپ به عنوان یک

منفعت محض ملی» نگاه کنیم، کوتاه نظری ها باید حذف شود. تقریباً هیچ کشوری در جهان موقعیت ایران را برای سوآپ ندارند. چه از نظر همسایگانی که نیاز دارند محصول خود را به دنیا عرضه کنند و چه از نظر مسیر ترانزیتی، به هر حال سوآپ را یک امر ملی می دانم که البته بهتر است با فعالیت بخش خصوصی هم همراه باشد.

آقای اسلامی با شروع به کار دولت دوم آقای روحانی، مجدداً آقای زنگنه با رأی بالا به عنوان وزیر نفت برگزیده شدند، انتخاب آقای زنگنه را زمینه ساز شتاب در توسعه می دانید؟

آقای زنگنه به نسبت سایر مسئولین وزیر خوبی بوده است و کار خود را بلند است. در این حوزه تجربه کافی دارد و توانسته است در مقابل موانع راهبردی سازی کند. به نظر من یکی از موفق ترین وزرای کابینه دولت یازدهم بوده و امیدواریم که در دولت دوازدهم هم همین قدر موفق باشد. با این حال تصور می کنم اگر فردگرایی عبور کرده و قانونمند شویم، یک وزیر در حد تحصیلات، تجربیات و فعالیت های خود می تواند در فرایند معمول اثرگذار باشد. این موضوع در مورد همه وزارتخانه و نهادها صدق می کند و باید از فردگرایی عبور کرد. بهترین مدیرها هم ممکن است یکروز نباشند، اما این نباید یک سازمان را از هم متلاشی کند، اما لازم است یک نکته ای را هم بگویم و اینکه مشخص است آقای زنگنه یک برنامه تحول گرا برای دوره جدید طراحی کرده است، میدان دادن به افراد جوان و خلاق، تاکید مکرر بر مساله ضرورت تربیت مدیران جوان و کارآمد، این ها مواردی است که خیلی می تواند برای آینده صنعت نفت ایران برکت در پی داشته باشد.

معمولاً از فعالان اقتصادی یک سؤال مشترک می پرسیم

درباره بازاریابی غلط بنگاه های ایرانی. فکر می کنم در کنار مسائل بانکی و بوروکراسی اداری و خیلی مشکلات دیگر، مساله بازاریابی غلط در شرکت های ایرانی فاجعه آفریده است. شما بعد از ۵۰ سال فعالیت فکر می کنید مارکتینگ چقدر اهمیت دارد و ما در ایران چقدر در این بخش عقب هستیم؟

خیلی زیاد. این ضعف فاحش و وحشتناکی است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بازار مناسب و بکری برای ایرانیان ایجاد شد اما مساله ضعف مارکتینگ و عدم نگاه بلندمدت در تولیدکنندگان و تجار ایرانی باعث شد که به مرور همه بازارها را از دست بدهیم.

تجارت خارجی ملزوماتی دارد که یکی از آن ها شناخت بازارهای هدف، تولید محصول متناسب برای آن بازارها و پایداری در شرایط نوسان بازارها است. شناسایی بازار هدف بسیار مهم است و صادرکنندگان باید توجه ویژه ای به آن داشته باشند. با چشم بسته نمی شود وارد یک بازار شد. البته اخلاق نیز در این حوزه اهمیت ویژه ای دارد. متأسفانه برخی تجار ما نگاه کوتاه مدتی به مسائل دارند و بازارهای چندصد میلیونی سال های آینده را از دست دادند و خیلی با عجله و بدون برنامه عمل کردند. به همین خاطر این بازارها از دست رفت و بازیابی مجدد آن کار بسیار سختی است.



در اوهایو ایجاد و در سال ۱۹۵۹ اولین محموله گاز طبیعی از طریق کشتی از لوئیزیانا (یکی از ایالت‌های جنوبی آمریکا) به انگلستان حمل شد. اما حتی این مسئله هم نتوانست به ایجاد یک بازار متشکل جهانی در صنعت گاز فشرده طبیعی منجر شود، عجیب اینجاست که پیدایش بازار گاز طبیعی فشرده نه با نام خاورمیانه و آمریکا که با نام قاره سیاه پیوند خورد، در سال ۱۹۶۴ یعنی ۵۳ سال پیش باره‌اندازی کارخانه آلان‌جی در الجزیره، کشور انگلستان به عنوان

برای صادرات آن هم به صورت آلان‌جی برنامه ریزی کرد. نخستین سیستم تبرید فشرده گاز در سال ۱۸۷۳ در مونیخ آلمان و توسط شرکت نامدار لینده ساخته شد، اولین کارخانه تولید آلان‌جی نیز در سال ۱۹۱۲ در ایالت ویرجینیای آمریکا احداث و در سال ۱۹۱۷ آغاز به کار کرد. با این حال هنوز تقاضای جهانی به حدی نرسیده بود که این صنعت وارد فاز توسعه واقعی خود شود، نخستین کارخانه‌های تولید آلان‌جی در ابعاد تجاری برای نخستین بار در سال ۱۹۴۱

سیاسی و بین‌المللی موجب در هم تنیدگی و وابستگی متقابل کشورهای نیازمند گاز به کشورمان خواهد شد و باعث می‌شود میزان اثرپذیری از عناد اقتصادی بین‌المللی علیه کشورمان کاهش پیدا کند. البته باید در نظر داشت که حرکت در مسیر توسعه صنعت آلان‌جی، مستلزم بهینه‌سازی مصرف انرژی و نظارت دقیق‌تر برای روند مصرف این انرژی در بخش خانگی و صنعتی است. زیراتزامانی که روند مصرف داخل بهینه نشود گازی نمی‌ماند که بتوان

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای دارنده ذخایر عظیم گاز طبیعی به میزان ۳۴ تریلیون مترمکعب که ۱۸ درصد ذخایر گاز جهان را تشکیل می‌دهد می‌تواند نقش مؤثری در بازار جهانی گاز ایفا کند، این روند البته با تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید گاز به ویژه در میدان‌های مشترک در کشورمان شکل گرفته است و راهبرد کلان مدیریتی جمهوری اسلامی این است که توسعه صادرات گاز طبیعی افزون بر توسعه پایدار ملی، به لحاظ

آخرین فرصت ایران برای ورود به بازار جهانی

LNG

مجله
فروغ گشتاسبی > دنیای انرژی

اولین واردکننده و الجزایر به عنوان اولین صادرکننده گاز طبیعی مایع جهان شناخته شد. اکنون و بعد از گذشت سال‌ها، با پیشرفت فناوری و دستیابی کشورها به فناوری‌های پیشرفته تبدیل گاز به مایع، شمار کارخانه‌های تولید آلان جی، کشتی‌های حمل، پایانه‌های صادراتی، پایانه‌های وارداتی و حجم حمل و نقل و سفرهای دریایی با هدف حمل این مایع ارزشمند از پیش بینی‌ها فراتر رفته است. در جهان حاضر، گاز طبیعی نقش

مهمی در سبد مصرفی انرژی و در میان سایر حامل‌ها دارد از این ضروری به نظر می‌رسد که کشورهای دارنده منابع عظیم گاز طبیعی ضمن ایجاد توازن و برنامه ریزی بر مبنای مصارف داخلی مورد نیاز و صادرات در خصوص توسعه صنعت آلان جی، تصمیم‌گیری کنند و در آمد خود را از صادرات این منبع به حداکثر ممکن برسانند. بر اساس پیش بینی‌های مراکز معتبر انرژی دنیا، گاز طبیعی تا سال ۲۰۴۰ پس از انرژی‌های تجدید پذیر به

عنوان سوختی پاک و ارزان بیشترین رشد تقاضا را در بین سایر منابع اولیه انرژی خواهد داشت. در واقع، پراکندگی منابع گاز طبیعی جهان و دور بودن ذخایر عمده از بازارهای مصرف، صادرات از طریق آلان جی را به عنوان یکی از روش‌های حمل گاز به بازارهای دور دست اقتصادی می‌کند به طوری که تا سال ۲۰۳۵ میلادی تجارت آلان جی از صادرات گاز با استفاده از خطوط لوله پیشی می‌گیرد. در کشورمان ایران نیز بر اساس پیش بینی‌های انجام شده و با

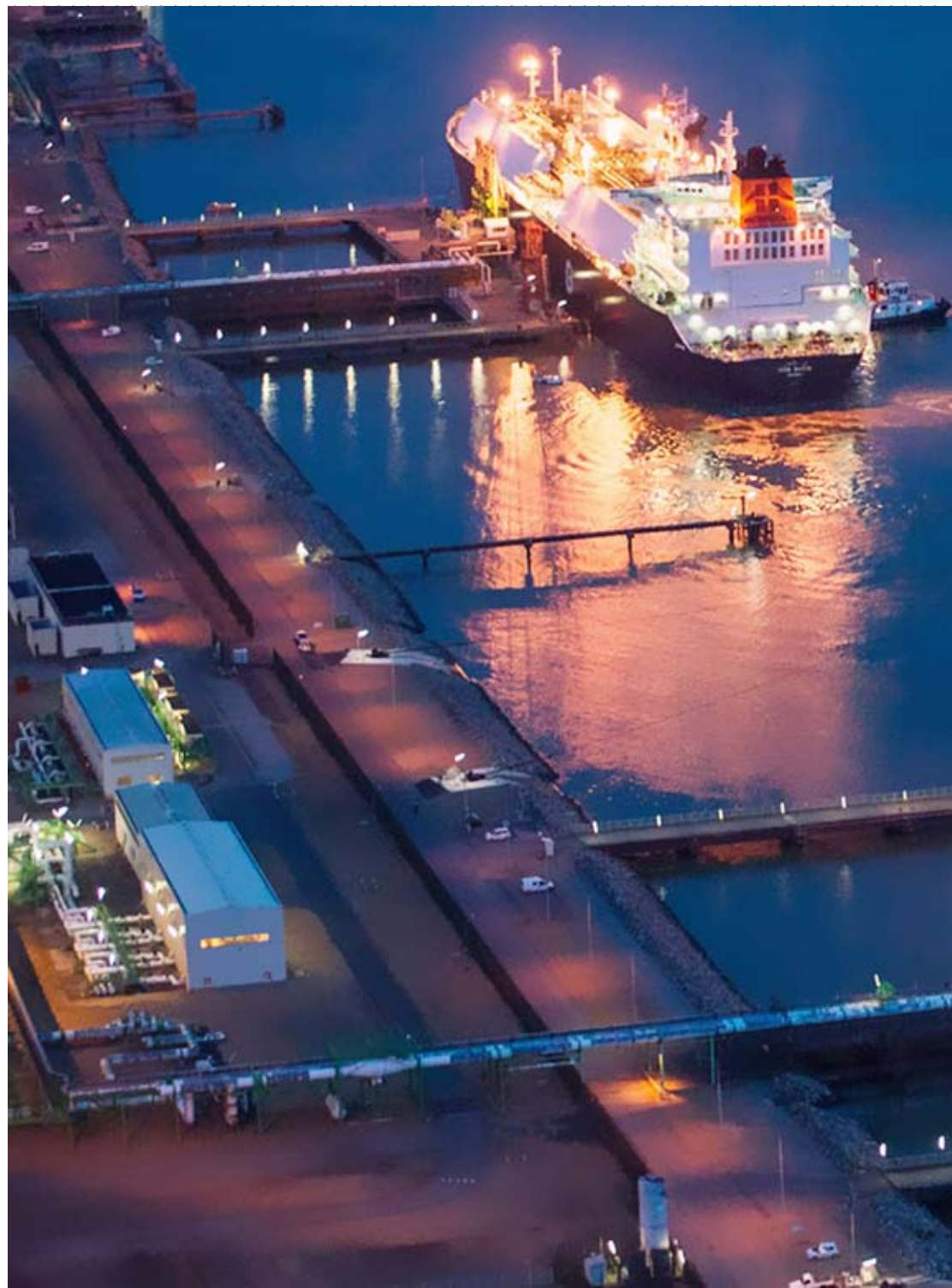
توسعه کامل فازهای پارس جنوبی در آینده‌ای نه چندان دور، ایران به عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین گذرگاه کشورهای جنوب آسیا و اروپا، می‌تواند ضمن تأمین مصرف داخلی و نیاز به تزریق در افزایش برداشت از میدان‌های نفتی، دارای مقادیر چشمگیری گاز برای صادرات باشد همان گونه که هم اکنون گاز حاصل از توسعه فازهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ پارس جنوبی برای اجرای پروژه‌های آلان جی در نظر گرفته شده است.

بازارهای بالقوه گاز ایران

ایران با قرار گرفتن در میان دو حوزه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر به عنوان پل ارتباطی این منطقه سرشار از ذخایر انرژی اهمیت ژئوپلیتیکی چشمگیری دارد. اتحادیه اروپا و ترکیه در غرب، هند و پاکستان در شرق، برخی از جمهوری‌های شوروی سابق در شمال و برخی کشورهای حاشیه جنوبی در خلیج فارس از بازارهای هدف آلان جی ایران به شمار می‌روند. هند به عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان به دلیل اجرای پروژه‌های تازه نیروگاهی، کارخانه‌های پتروشیمیایی و مصارف عمده صنعتی و پاکستان، با داشتن منابع بسیار اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی و نیز اتحادیه اروپا در ردیف بازارهای سودآور مورد نظر دولت ایران به شمار می‌رود. اتحادیه اروپا هم با کمبود تولید داخلی در برابر تقاضا رو به روست و ایران می‌تواند از این فرصت استفاده و جای خودش را در این بازار باز کند.

پسا برجام و رونق آلان جی

نگاهی به شرایط بین‌المللی نشان می‌دهد که پسا برجام فرصت مناسبی برای حضور قدرتمند ایران در بازارهای بین‌المللی گاز طبیعی است، زیرا توسعه روابط ایران و غرب در حوزه‌های اقتصادی در حال گسترش است و این مهم فرصتی استثنایی برای اثرگذاری ایران در بازارهای جهانی گاز طبیعی را فراهم خواهد کرد. همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های فنی، افزایش تقاضا و تعریف قراردادهای جدید نفتی در پسا برجام، سودآوری فعالیت در بازار آلان جی انکارناپذیر خواهد بود. کشورهای آسیای جنوب شرق از جمله ژاپن، کره جنوبی، تایوان و مصرف‌کنندگان اروپایی به ویژه





۲ (تمبک) در حال انجام است. این پروژه شامل دو فاز مطالعاتی و اجرایی است که فاز اجرایی آن شامل دو ردیف فرآیندی (Two-Train) است که هر ردیف شامل ۱ واحد شیرین سازی و ۱ واحد مایع سازی است. همچنین میزان گاز خوراک کارخانه تولید آلان جی مربوط به این پروژه، ۱۹۱۰ میلیون استاندارد فوت مکعب در روز برای هر دو ردیف فرآیندی است که از فازهای میدان گازی پارس جنوبی تأمین می‌شود.

**توسعه روابط
ایران و غرب
در حوزه های
اقتصادی در
حال گسترش
است و این
مهم فرصتی
استثنایی برای
اترگذاری ایران
در بازارهای
جهانی گاز
طبیعی را فراهم
خواهد کرد**



بیژن زنگنه در مورد ادامه اجرای پروژه‌های پارس و پرشین آلان جی معتقد است که ابتدا ببینیم با پروژه‌های همانند ایران آلان جی به چه شکل می‌توانیم به بازار ورود کنیم بعد در مورد آن دو پروژه دیگر تصمیم گیری خواهیم کرد. از جمله سناریوهایی که برای راه اندازی مجدد پروژه ایران آلان جی مد نظر است، این است که به طور همزمان کارخانه مایع سازی گاز طبیعی از سوی سرمایه گذار تأمین شود، یک شرکت پیمانکار کارهای اجرایی و ساخت را به اتمام برساند و یک شرکت سومی هم برداشت محموله‌های آلان جی را تضمین کند که تاکنون مذاکراتی نیز با برخی کشورهای اروپایی و توانمند آسیایی که بتواند با انجام سرمایه گذاری‌های مشترک سه بعد قضیه را پوشش دهند انجام شده است.

◀ تنها طرح ایران برای ورود به بازار آلان جی

در پروژه ایران آلان جی شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد یک کارخانه تولید LNG مشتمل بر دو ردیف فرآیندی موازی به ظرفیت سالیانه هر کدام حدود ۵/۴ میلیون تن آلان جی، ۲۶۳/۰ میلیون تن پروپان، ۱۹۴/۰ میلیون تن بوتان، ۲۱۳/۰ میلیون تن میعانات گازی و ۱۳۳/۰ میلیون تن گوگرد در سواحل جنوب غربی ایران واقع در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس احداث کند.

پروژه ایران آلان جی به منظور احداث کارخانه مایع سازی گاز طبیعی در منطقه تمبک واقع در ۵۰ کیلومتری شمال غربی عسلویه و ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی کنگان- پارس

بلژیک، فرانسه، یونان، ایتالیا، پرتغال و اسپانیا، اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان آلان جی در جهان هستند که در آینده نزدیک مصرف‌کنندگانی از آسیا، به‌ویژه کشورهای چین و هند در همسایگی ایران به این مجموعه اضافه خواهند شد که نشانگر شکل‌گیری بازاری مطلوب برای کشورهای تولیدکننده آلان جی در دنیا است.

گفتنی است، بحث آلان جی از همان دهه ۸۰ یعنی همزمان با دومین دوره وزارت زنگنه، مورد تأکید ویژه وی بوده است که در این رابطه می‌توان به سه پروژه پارس، پرشین و ایران آلان جی اشاره کرد که دو پروژه پارس و پرشین آلان جی از سال ۱۳۸۹ متوقف شده و طرف‌های خارجی فعال در این دو پروژه با آغاز تحریم‌ها، پروژه را ترک کردند این دو پروژه هم‌اکنون غیرفعال است اما نمی‌توان گفت که منتفی شده است. ولی پروژه ایران آلان جی با پیشرفت حدود ۵۰ درصد در جریان است که اقدامات لازم در خصوص تکمیل و راه‌اندازی آن در دست بررسی است.

کامیابی‌ها و ناکامی‌های صنعت CNG در ایران

از گاز طبیعی فشرده (CNG) باید به یکی از سرفصل‌های غیرقابل تغییر در راهبردهای سند چشم‌انداز ملی انرژی ایران تبدیل شده و این سوخت با مکانیزم‌های مختلف و مشوق‌های متنوع به جایگاه اول سوخت مصرفی شبکه حمل و نقل ایران تبدیل شود، کاهش دامنه تبعات مخرب استفاده از سوخت‌های بنزین و گازوییل بر زیست محیطی و نیز آزاد شدن حجم قابل توجهی از تولیدات صنعت پالایش نفت ایران برای صادرات و ارزآوری، مهمترین دلایل توجیه "بایدهای" ذکر شده است.

چون هند، چین، انگلیس و فرانسه با درک دورنمای نگران‌کننده تسلط سوخت‌های آلاینده، بحران‌های نفتی، سهولت دسترسی به گاز طبیعی، جلوگیری از آلودگی محیط زیست و همچنین دلایل اقتصادی از جمله ارزانی گاز طبیعی قوانینی تدوین شده است که در چند ساله آینده، استفاده از خودروهای بنزینی در کشورشان ممنوع و همچنین برای تحویل گاز طبیعی به مصرف کنندگان و دارندگان خودروهای سیان‌جی تخفیف ویژه‌ای لحاظ می‌شود. آنچه که مسلم است توسعه استفاده

هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش تدریجی قیمت فرآورده‌های نفتی، پیش‌بینی می‌شد طیف وسیعی از مردم به سمت استفاده از گاز سیان‌جی به عنوان اصلی‌ترین سوخت مصرفی خودروهایشان تمایل پیدا کنند اما هنوز هم به دلیل ارزانی نرخ بنزین در قیاس با نرخ‌های جهانی، مصرف کنندگان ایرانی از معایب آن چشم‌پوشی می‌کند و سیان‌جی عملاً به سوخت درجه دو شبکه حمل و نقل ایران بدل شده است؛ این موضوع را می‌توان علت‌العلل به انزوافتن صنعت سیان‌جی لقب داد اما در کشورهایی

صدای پای زمستان که می‌آید، نفس آسمان شهرهای بزرگ ایران از سیاهی سرب خودروهای بنزینی به شماره می‌افتد و تازه به یاد ضرورت‌های ملی استفاده از سوخت‌های پاک می‌افتیم، اما بهار که می‌شود روز از نو و روزی از نو. ایران با دارا بودن بیشترین ذخایر گازی جهان، قادر است تمام شبکه حمل و نقل داخلی خود را بر اساس استفاده از سوخت گاز بازسازی کند اما در این میان چالش‌های متعددی سد راه توسعه استفاده از خودروهای گازسوز قرار دارد، با اجرایی شدن قانون





سیان جی، کودکی که دیر رشد کرد سابقه استفاده از سیان جی در جهان به سال‌های اوج جنگ جهانی دوم باز می‌گردد، در آن زمان به دلیل کمبود منابع نفتی برای استفاده از خودروهای جنگی آلمان، این سوخت مورد توجه قرار گرفت اما پس از مدتی و با گذار جهان از کمبودهای ناشی از جنگ، پرونده سیان جی هم به بایگانی رفت! تا اینکه در سال ۱۹۷۴ تولید دوباره برای سیان جی رقم خورد، اما شناسنامه سوخت پاک در ایران به سال ۱۳۵۶ بر می‌گردد که حدود یک هزار دستگاه تاکسی پیکان در شهر شیراز به سیستم مصرف سوخت سیان جی مجهز و دو جایگاه سوخت‌گیری نیز در همین شهر احداث گردید، در سال ۱۳۵۷ نیز در شهر مشهد تعداد شش صد خودرو به این سوخت مجهز شد اما رخدادهای بعدی مانع از شکل‌گیری روند توسعه استفاده از سیان جی گردید.

در سال ۱۳۷۰ شرکت واحد اتوبوس رانی تعدادی از اتوبوس‌های خود را به این نوع سوخت مجهز کرد، در سال ۱۳۷۸ با آغاز برنامه تغییر الگوی مصرف سوخت کشور توسط دولت وقت، مشوق‌هایی برای استفاده از گاز طبیعی فشرده به عنوان مناسب‌ترین سوخت جایگزین بنزین، طراحی شد اما گاز طبیعی فشرده در عرصه محبوبیت میان مصرف‌کنندگان، همچنان در رقابت با بنزین بازنده بود. با تأسیس سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور در سال ۱۳۷۹ در مجموعه وزارت نفت، مطالعات مقدماتی طرح گازسوز نمودن خودروها در این سازمان انجام و به منظور تحقق سیاست ملی کاهش مصرف بنزین و کاهش آلاینده‌های هوا، طرح یادشده با انعقاد قراردادهایی با خودروسازان و بخش خصوصی برای تولید و تبدیل خودروهای گازسوز از یک طرف و هم چنین ایجاد زیرساخت‌های لازم و احداث جایگاه‌های CNG از طرف دیگر، وارد مرحله اجرایی گردید، با مروری به سرنوشت صنعت سیان جی در ایران می‌توان این بخش از ساختار انرژی کشور را به کودکی تشبیه کرد که با وجود ولادت در دهه ۵۰ شمسی اما بسیار دیر رشد کرد و با گذشت حدود ۴۰ سال هنوز به مراقبت‌های ویژه و حمایت بیش از پیش نیاز دارد.

با گذشت قریب به چهار دهه از انقلاب اسلامی، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ترویج استفاده از سیان جی در کشور صورت گرفته است که میدان دادن به بخش خصوصی برای حضور در حوزه توزیع این سوخت از جمله

مهم‌ترین آن‌هاست، با این حال نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که توسعه استفاده از سوخت سیان جی صرفاً با تدوین برنامه تولید یا توزیع آن میسر نخواهد شد و برای بهبود شرایط کشور در شاخص مصرف سیان جی باید صنعت خودروی کشور نیز نظام قانون‌گذاری ایران هم از همه ظرفیت‌های خود استفاده کنند، در این میان نقش صنعت خودرو به عنوان محرک اصلی ایجاد بازار در مصرف سوخت سیان جی غیر قابل انکار است، خودروسازان ایرانی اما هنوز خود را مکلف به قطع تولید خودروهای بنزین سوز نمی‌دانند و به همین دلیل با گذشت هر روز و هر ماه، بر شمار مصرف کنندگان خودروهای بنزینی کشور افزوده می‌شود.

هدف ۱۱ میلیونی!

اردشیر دادرس، رئیس انجمن صنفی CNG کشور بیان کرد: موضوع توسعه سیان جی در سند راهبردی انرژی ایران دیده شده است، با تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های گذشته در نهایت توانسته‌ایم تعداد خودروهای مصرف‌کننده سیان جی را به مرز ۴ میلیون خودرو برسانیم، حتی با همین عدد ناوگان حمل و نقل ایران، بالاترین تعداد خودروی مصرف‌کننده گاز فشرده طبیعی در جهان را داراست. وی با اشاره به وجود سه مؤلفه‌ای تأثیرگذار در توزیع گاز برای تحقق توسعه پایدار در صنعت گاز گفت: نخست آنکه که ضریب نفوذ گاز شهری ما در سطح کشور بالای ۹۵ درصد و در روستاها قریب به ۷۰ درصد و میانگین این دو حدود ۸۶ درصد می‌شود، این بدان معناست که توانسته‌ایم به بهره‌بری کافی در این راستا دست پیدا کنیم. دادرس ادامه داد: دومین مؤلفه تأثیرگذار، لوله‌گذاری و لوله‌کشی انشعاب گاز است. ما حدود دویست و شصت



کمتر شدن
تعداد
خودروهای
بنزینی در ایران
و حرکت به
سمت استفاده
اکثریت جامعه
از خودروهای
گازسوز،
موضوعی تحقق
یافتی است

هزار کیلومتر خطوط گازی و سی و چهار هزار انشعاب فشار قوی گازی داریم و با توجه به اینکه ایران جز پنج کشور اول در فهرست توزیع گاز به نسبت جمعیت هستیم، پس فراوانی گاز محسوس است.

ریس انجمن صنفی سیان جی آخرین پارامتر توسعه گاز را ناوگان حمل و نقل کشور اعلام کرده و می‌گوید: ۴ میلیون خودرویی که به عنوان اصلی‌ترین موجودی ناوگان حمل و نقل عمومی است، مهم‌ترین شاخص به حساب می‌آید که بیش از ۹۵ درصد تاکسی‌ها و ۷۵ درصد خودروهای حمل و نقل عمومی دوگانه سوز هستند. این سه عامل در مجموع نشان‌دهنده آن است که ما سرمایه‌گذاری پایه‌ای خوبی انجام داده‌ایم و کشوری همانند ایران با وجود این سه مؤلفه، پتانسیل تأمین سوخت گاز را دارد.

وی تغییر جایگاه ایران را در منابع گازی بسیار مهم اشاره کرد و گفت: ایران با کشف مخازن جدید توانست جایگاه نخست را به دست بیاورد و روسیه را در رتبه دوم فهرست دارندگان گاز جهان قرار دهد. اکنون ایران حدوداً ۱۱/۲ و روسیه ۱۱/۱ تریلیون فوت مکعب تولید گاز دارد و وجود چنین

بسیست تومان است که بر حسب هر لیتر ۷۰۰ تومان قیمت گذاری می شود و این در حالی است که قیمت فروش گاز در صنایع حدود ۱۲۵ تومان و خانگی ۹۰ تومان است، یعنی قیمت سیان جی حدود ۴۰۰ برابر نرخ مصرف خانگی و ۳۵۰ برابر نرخ گاز تجاری است، به گفته رئیس انجمن سیان جی ایران، گران فروخته شدن سیان جی بار سنگینی است که بر بخش ضعیف حمل و نقل تحمیل شده است. وی با تأکید بر ضرورت تغییر مکانیزم قیمت گذاری سیان جی گفت: ۳۰ الی ۳۵ درصد حجم سبد مصرف گاز کشور را سیان جی تشکیل می دهد و بقیه گاز تولیدی کشور مصارف خانگی و تجاری دارد، در این میان سهم سوخت پاک از مصرف کل گاز کشور، ۲۰ درصد درآمد شرکت ملی گاز را تشکیل می دهد، به نوعی می توان گفت که سوخت سیان جی به منبع درآمدی برای بخش گاز کشور تبدیل شده است چرا که با اختصاص ۳۵ درصد حجم گاز تولیدی به این بخش، ۲۰ درصد درآمد کل فروش گاز را تأمین می کند.

◀ سرمایه گذاران داخلی و جایگاه داران در آستانه ورشکستگی

ریس انجمن صنفی سیان جی گفت: امیدواریم که دولت تدبیر و امید به زودی قیمت سیان جی را کاهش دهد تا مردم راه استفاده از این سوخت ترغیب کند. وی افزود: کاهش نرخ سیان جی باعث کم شدن میزان آلودگی هوا، کاهش هزینه های مسافران و جابجایی و نیز توجیه اقتصادی مناسبی برای سرمایه گذاران در بخش خودروسازی محسوب می شود تا خودروهای مناسب سوخت پاک را تولید کنند. اردشیر دادرسی، نایب کارمزد جایگاه های سوخت (سیان جی و بنزین) را یکی از عوامل دفع سرمایه گذاری در این عرصه دانست و گفت: سرمایه گذاران داخلی و جایگاه داران در حال ورشکستگی هستند و ادامه این روند توجیه اقتصادی ندارد.

وی افزود: وقتی سرمایه گذار داخلی در چنین شرایطی به سر می برد چگونه انتظار داریم سرمایه گذار خارجی تمایلی به سرمایه گذاری داشته باشد؟

دادرسی خاطر نشان ساخت: حدود ۷۵ درصد جایگاه های سیان جی دولتی است و تنها سهم بخش خصوصی در این عرصه ۲۵ درصد است و این نشان دهنده آن است که سرمایه گذاری با مشکل رو به روست، این در صورتی است که ما همچنان با کمبود جایگاه توزیع سیان جی در کشور روبه رو هستیم.



خواهد افتاد، در واقع باید همه نهادها کمک کنند تا ناوگان سبک و سنگین به ظرفیت واقعی خود در مصرف سوخت پاک برسند.

دادرسی چشم انداز سال ۱۴۰۴ را بسیار روشن عنوان کرد و گفت: ما باید از ۴ میلیون خودروی گاز سوز به ۱۱ میلیون خودرو گاز سوز برسیم و این چیزی حدود ۳۰ درصد از سبد کلی مصرف کشور است؛ یعنی در ده سال آینده اگر حدود ۳۰ میلیون خودرو در کشور تردد کنند باید حدود ۱۱ میلیون خودرو دوگانه سوز و پایه گاز سوز داشته باشیم. وی با تأکید بر بهبود سازوکارهای فنی استفاده از گاز فشرده طبیعی نسبت به سال های گذشته برای جلوگیری از فرسودگی موتور خودروها گفت: استفاده جایگاه ها از درایورها برای کاهش آب و ناخالصی های گاز و نیز روغن های مخصوص سیان جی در خودرو باعث طول عمر موتور ماشین می گردد. رئیس انجمن صنفی سیان جی درباره شعاع توزیع سیان جی یادآور شد: شعاع توزیع سیان جی منطبق بر نرم افزار ریدر طراحی شده است و در آن فاصله استاندارد جایگاه های گاز طبیعی حدود ۱۳ کیلومتر است، این در صورتی است که در شهرهای بزرگ برخی کشورها فاصله هر جایگاه تقریباً ۲ تا ۳ کیلومتر است.

◀ سوخت گران، بار سنگین بر دوش شبکه حمل و نقل

دادرسی با اشاره به موضوع گرانی سیان جی در ایران گفت: در کشورهای دیگر جهان قیمت سیان جی معادل یک پنجم (یا بیست درصد) قیمت بنزین است و این در حالی است که در ایران نرخ فروش گاز فشرده برای مصارف حمل و نقل نسبت به قیمت تجاری و خانگی آن بسیار گران تر تمام می شود. وی ادامه داد: قیمت کنونی گاز برابر با چهارصد و



به گفته رئیس انجمن سیان جی ایران، گران فروخته شدن سیان جی بار سنگینی است که بر بخش ضعیف حمل و نقل تحمیل شده است.

منبعی در کشور موهبت بزرگی برای طراحی استراتژی دوپست سال آینده محسوب می شود.

دادرسی با تأکید بر اینکه افزایش تولید گاز تا سال آینده باید جایگاه بهتری برای سبد مصرفی حمل و نقل ایجاد کنیم گفت: امیدواریم تا سال آینده امید تولید ما به مرز بالای هزار میلیون مترمکعب گاز خواهد رسید، یعنی از میزان شصت و هفتاد میلیون مترمکعبی که امروزه به طور میانگین تولید می شود، حدود سیصد و سی میلیون مترمکعب تولید بیشتر خواهیم داشت. رئیس انجمن صنفی سیان جی با بیان اینکه کمتر شدن تعداد خودروهای بنزینی در ایران و حرکت به سمت استفاده اکثریت جامعه از خودروهای گاز سوز، موضوعی تحقق یافتی است گفت: ماه گذشته هم طرح جدیدی برای بهینه تر شدن مصرف سوخت در کشور تصویب شد.

وی در تشریح سازوکارهای بهینه شدن الگوی مصرف سوخت در کشور یادآور شد: الگوسازی و فرهنگ سازی با همکاری پنج وزارتخانه نفت، صنعت، معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، راه و شهرسازی و کشور که مرتبط به این موضوع هستند اتفاق

سیر حقوقی و تاریخی قراردادهای نفتی ایران

نویسنده
هانی تبریزی | دنیای انرژی



صنعت نفت ایران طی دوران نسبتاً طولانی حیاتش در حدود ۳۰ نوع قرارداد را تجربه کرده است، قراردادهایی که در رابطه با نفت ایران منعقد شده‌اند عمدتاً متأثر از شرایط جهانی و رویه‌ها و متدهای رایج همان عصر بوده‌اند، این ۳۰ دسته قرارداد عبارت‌اند از قراردادهای امتیازی (Concession Agreement)، قراردادهای مشارکت در تولید (Production Sharing Agreement) و قراردادهای خدمت (service contract) البته قراردادهای معروف دودمه اخیر یعنی «بیع متقابل (buy back)» نیز در شمار قراردادهای خدمت محسوب می‌شوند و متأسفانه هنوز بسیاری از نظر دهندگان به اشتباه از این نوع قراردادهای خدمت با عنوان یک عنوان مستقل یاد می‌کنند که نادرست و نیازمند تذکر و اصلاح است.

هرکدام از این سه نوع قرارداد البته بیش و پیش از آنکه ناشی از نوع نگاه حکومتی ایران به موضوع نفت و درآمدهای نفتی باشد متأثر از سبک رایج و غالب قراردادنویسی صنایع نفت در جهان در زمانه‌ی خود بوده‌اند، در میان تمام قراردادهای معروف نفتی ایران، هیچ‌یک از امضاکنندگان ایرانی آنها، تأثیری در ابداع و ترسیم ساختار این قراردادها نداشته‌اند، صدراعظم قاجار و به تبع او شاه وقت ایران (مظفرالدین شاه) قرارداد داری را به چشم فرصتی برای رفع بحران بودجه خزانه خالی دربار می‌دید و اصولاً گزینه دیگری در برابر این نوشته حقوقی نداشت، سی و دو سال بعد هم در زمان حکومت رضاشاه، سید حسن تقی‌زاده وزیر دارایی وقت ایران، هم خود اعتراف کرد که قرارداد ۱۳۱۲ را به امر و اشاره رضاشاه امضا کرده است و خود در تدوین آن نقشی نداشته است.

بعدها هم در زمان انعقاد قراردادهای معروف به کنسرسیون در سال ۱۳۳۳ و نیز قراردادهای تأسیس شرکت‌های مختلط نفت ایرانی- خارجی در محدوده آب‌های فلات قاره ایران با رژیم حقوقی مشارکت در تولید هم کم و بیش همین روال در جریان بود، این روال را حتی می‌توان درباره قراردادهای خدمت به روش بیع متقابل نیز صحیح دانست به این معنا که در دهه ۸۰ میلادی به دلیل شکل‌گیری مفاهیم نوینی در عرصه تجارت بین‌المللی انرژی و پیدایش و بالندگی صنعت پیمانکاری مستقل از شرکت‌های نفتی بزرگ جهان، اصولاً قراردادهای خدماتی به محبوب‌ترین روال همکاری‌های بین‌المللی تبدیل

شده بود و بر همین سیاق ایران نیز مشی همکاری با شرکت‌های نفتی به روش بیع متقابل را برگزید. به تعبیری دیگر بخش عمده ایرانیانی که قراردادهای معروف نفتی را در این صد و اندی سال امضا کردند تقریباً هیچ ابداع و اندیشه‌ای در حوزه قراردادی نداشتند تا سالیان دراز سیستمی هم برای تجزیه و تحلیل این قراردادها آن‌گونه که شایسته کشوری با این حجم ذخایر هیدروکربوری باشد وجود نداشت.

بررسی روح قانونی و آثار و تبعات هر یک از قراردادهای نفتی شاید تا حدی بتواند به شناخت دلایل و عوامل وضعیت فعلی دانش قراردادی نفت در ایران کمک کند، اولین امتیاز منتهی به کشف و تولید نفت در ایران یا همان امتیازنامه داری تابعی از شکل و سیاق سایر قراردادهای امتیازی آن عصر بود، قراردادهایی که در برخی کشورها با نام فرعی قراردادهای استعماری «نیز شناخته می‌شوند، داری نیز متن کپی شده‌ای از متون رایج قراردادهای امتیازی همان دوران بود، در این قراردادهای امتیازی نسل اول صاحب امتیاز حق انحصاری کشف و بهره برداری از ذخایر محدوده‌ای معین که معمولاً بسیار وسیع هم بود را در اختیار داشت، دارنده امتیاز مالک و صاحب نفت تولیدی و تمام مخزن دارای نفت، همچنین مالک تمامی تأسیسات و تجهیزات مجموعه بهره برداری و فرآورش بود.

شاید در ایران که سابقه‌ای طولانی در حوزه قراردادهای مالکیت به شیوه‌های اقطاع و عطیه دارد، بتوان قراردادهای امتیازی نسل اول را نوعی مدرن‌تر از همان نظام اقطاع و عطیه دانست، در این سبک از قراردادها، کشور واگذارنده قرارداد یا به تعبیری میزبان قرارداد، در ازای اعطای قرارداد در همان ابتدا مبلغی به عنوان حقوق اقطاع دریافت می‌کرد

که حتی در صورت عدم رسیدن به نفت و گاز هم این مبلغ مسترد نمی‌شد، حق الارض، بهره مالکانه و مالیاتی مختصر در ازای سود ناشی از عملیات بهره برداری هم در زمره سایر مبالغی بود که کشور میزبان از صاحب امتیاز قرارداد در خلال سال‌های اجرای آن دریافت می‌کرد.

در ایران، امتیازهای داری در سال ۱۲۸۰ و امتیاز نفت در سال ۱۳۱۲ به همان شیوه و سیاق قراردادهای امتیازی نسل اول منعقد شدند.

نسل دوم قراردادهای امتیازی که عمده‌تأ پس از جنگ دوم جهانی رواج یافت محصول توسعه نظام فکری جهان پس از جنگ و تشدید تمایل توده‌های مردم و دولتمردان کشورهای نفت‌خیز به استیقای بیشتر حقوقشان بود، این نسل قراردادها اگرچه با مقاومت ابرشرکت‌های نفتی آن عصر مواجه شد اما به مرور در چهارسوی جهان مورد پذیرش قرار گرفت، بحث بر سر ارتقای حقوق مالی کشور میزبان در ازای قراردادهای امتیازی درون‌ژوئلا، عراق و کویت در سالهای اولیه پس از جنگ دوم جهانی زمینه ساز پیدایش شیوه‌ای متفاوت از قراردادهای امتیازی نسل اول شد که



در نسل دوم قراردادهای امتیازی عمدتاً، وسعت منطقه امتیاز محدودتر می‌شد، شرکت‌های نفتی دارنده امتیاز موظف به استخدام و آموزش اتباع کشور میزبان بودند





اولین امتیاز منتهی به کشف و تولید نفت در ایران یا همان امتیاز نامه دارسی تابعی از شکل و سیاق سایر قراردادهای امتیازی آن عصر بود

صنعت نفت ایران رایج است که قراردادهای خدمت نامیده می‌شوند، این دسته از قراردادها البته بسیار متنوع و پراکنده است. این قراردادها معمولاً به ۳ دسته کلی تقسیم می‌شوند و شامل قراردادهای خدمات محض، قراردادهای ریسک خدمت و قراردادهای بیع متقابل می‌شوند.

در این عرصه بعضاً دیده شده است که سازوکارهایی در متون قراردادی به ویژه در حوزه قراردادهای خدمت محض و نیز قراردادهای ریسک خدمت، با ابتکار ایرانی‌ها تهیه و تدوین شده است اما این میزان نمی‌تواند برای کشوری با حجم بی نظیر ذخایر هیدروکربنی همچون ایران موجد افتخار باشد.

اقتصاد نفت و گاز ایران برای نیل به آرمان‌هایی که از سوی عقلا و متخصصان کشور برایش ترسیم شده ناگزیر از درپیش گرفتن سیاست‌هایی اصلاحی و پیشرفت گرا است، برای این کار پیش و بیش از هر چیز باید دانش حقوقی نفت و هنر قراردادی آن در ایران تقویت شود.

و از همه مهم‌تر اینکه در نسل دوم قراردادهای امتیازی موضوع امکان حک و اصلاح و تجدید نظر در مفاد قرارداد در نظر گرفته شده است، غالب این اصول در قرارداد امتیاز کنسرسیوم نفت ایران هم وجود دارد.

در این میان نکته‌ای باید به آن اشاره کرد وقوع رویداد ملی شدن نفت در ایران است، اگرچه بسیاری از ناظران اصل انعقاد قرارداد را ناشی از خلعدی سال ۱۳۳۰ و فقدان قرارداد جاری تولید می‌دانستند اما در این میان و صرفاً به دلیل ماهیت و روح قانون ملی شدن نفت ایران، یک شرکت با مالکیت صد درصد دولتی، با عنوان شرکت ملی نفت ایران تأسیس شد که می‌توانست حتی در خود قرارداد موسوم به کنسرسیوم صاحب درصدی از سهام شود و ماهیت قرارداد امتیازی را به شیوه‌ای غیر امتیازی و به تعبیری مشارکتی تغییر دهد، اما به دلیل رویکرد سیاسی حاکم در میان بلندپایگان سیاسی این اتفاق تا چند سال پس از آن رخ نداد.

در قرارداد کنسرسیوم که معتقد از نسل دوم قراردادهای نفتی بود وسعت منطقه امتیاز در قیاس با قرارداد ۱۳۱۲ به شدت کاهش یافته بود و فضاهای مستعدی از جمله مناطق فلات قاره آب‌های خلیج پارس، خارج از شمول این قرارداد بود، با اتکا به همین مزیت و نیز به علت تمایل ایران به اعمال حاکمیت شرکت ملی نفت ایران، اولین قرارداد مشارکت در تولید در منطقه خاورمیانه در سال ۱۳۳۶ میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ منعقد شد.

از سال‌های ۱۳۴۵ تا امروز گونه دیگری از قراردادها هم در

در نهایت با عقد قراردادهای تنصیف عواید در عراق و کویت در سال ۱۹۵۱ این شیوه از امتیازها رواج یافت، قرارداد کنسرسیوم نفت ایران که در سال ۱۹۵۴ میلادی منعقد شد بر اساس سیاق نسل دوم قراردادهای امتیازی است و همین دلیل بسیاری از فعالان سیاسی و کارشناسان حقوقی ایرانی با استناد به روح قانون ملی شدن نفت ایران، انعقاد یک قرارداد امتیازی در قالب کنسرسیوم را در شرایطی که ایران دارای یک شرکت ملی نفت است غیرقانونی می‌دانستند.

در نسل دوم قراردادهای امتیازی عمدتاً وسعت منطقه امتیاز محدودتر می‌شد، شرکت‌های نفتی دارنده امتیاز موظف به استخدام و آموزش اتباع کشور میزبان بودند و در مباحث مالی نیز به علت دقیق‌تر شدن روابط مالی میان اعطاکننده قرارداد و دارنده امتیاز ارقام بالاتری در ردیف‌های مالی حق الارض و مالیات نصیب کشور می‌شد، همچنین پرداخت‌های دیگری نیز تحت عناوینی از جمله پذیره (bonus) به کشور تعلق می‌گرفت

پرونده ماه

حضور بخش خصوصی در
عرصه اقتصاد صنعت نفت
نمادی از باز شدن درهای
اقتصاد ایران به سوی
رویکردهای تازه است، اما
سؤال اینجاست که وزن و
جایگاه بخش خصوصی در
صنعتی که به دولتی بودن
عادت کرده است کجاست؟
موضوع ایجاد نهاد تدوین
مقررات یا رگولاتوری به عنوان
ابزاری که می‌تواند پویایی
حضور بخش خصوصی را
در این فضای جدید تضمین
کند موضوع پرونده این ماه
"دنیای انرژی" است. در این
پرونده علاوه بر تحلیلی
پیرامون شرایط و دورنمای
اقتصاد و نفت ایران، رویکرد
شماری از قانونگذاران کشور
درباره موضوع رگولاتوری در
نفت را هم می‌خوانید



در دوازده سال سال اخیر؛ سه سند راهبردی ملی مهم بر ضرورت حضور بخش خصوصی در همه بخش‌های اقتصاد ایران از جمله در صنعت نفت تاکید کرده است، نخستین سند از لحاظ زمانی سند مهم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است، در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ تاکید شده است که بخش پایین‌دستی نفت به بخش خصوصی واگذار و توسعه آن با حمایت دولت توسط بخش خصوصی صورت گیرد تا دولت یعنی شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت، فارغ از دغدغه‌ی شرایط بخش پایین‌دستی، با تمرکز بر گروه‌های تخصصی خود در جذب فن‌آوری و سرمایه‌گذاری‌های جدید داخلی و خارجی بتواند برای رسیدن به اهداف افق ۱۴۰۴ که دومین سند راهبردی است، افزایش سقف تولید هیدروکربورهای مایع را تا سقف ۷ میلیون بشکه در روز محقق نمایند. بر این اساس چالش‌های اجرایی شدن اصل ۴۴ در صنعت نفت بدون مشارکت فعال و دلگرم بخش خصوصی امکان پذیر نخواهد بود، و تا زمانی که این هدف مهم محقق نگردد نمی‌توان به فراهم شدن بستر لازم برای آزاد شدن دست و پای دولت از زنجیر پایین دست و جهش در بالادست امید چندان داشت، چالش نیروی انسانی و عدم علاقمندی متخصصین باتجربه

بخش خصوصی در اقتصاد و نفت ایران به کدام سو می‌رود؟

در جستجوی راه نجات



**پیمانکاران
غیردولتی
زیادی در یک
دهه اخیر موفق
به اجرای پروژه
در صنعت نفت
شده اند و
امروز به هر حال
بخشی از
باز یگران حوزه
نظام پیمانکاری
صنعت نفت را
همین شرکت
های خصوصی
تشکیل می
دهند**

به کار در بخش خصوصی که این امر از فقدان ثبات در رویه فعالیت و شرکت داری اقتصاد خصوصی ایران ناشی شده است، روشن نبودن نرخ و تأمین نظر بخش خصوصی در حوزه قیمت گذاری حامل های انرژی پایه همچون گاز طبیعی و فرآورده های نفتی، ضعف در سازوکار نظام بانکی و تأمین سرمایه کشور برای تضمین تأمین مالی طرح هایی که بخش غیردولتی متمایل به حضور در آنهاست، محدودیت در توان سرمایه گذاری بخش خصوصی و وجود بازارهای موقتی سودآور اما غیرسازنده همچون بازارهای دلالی ارز و سکه و حتی معاملات خرد مسکن که باعث کوچ سرمایه موجود بخش خصوصی به این حوزه ها می شود همگی از جمله موانع مهمی است که باید از مسیر حرکت توسعه و پیشرفت نفت ایران برداشته شوند.

در همین حال هم باید از وجود نگاه و رویکرد مثبت نهاد دولت به همکاری با بخش خصوصی به عنوان یکی از مزیت های موجود یاد کرد، پیمانکاران غیردولتی زیادی در یک دهه اخیر موفق به اجرای پروژه در صنعت نفت شده اند و امروز به هر حال بخشی از باز یگران حوزه نظام پیمانکاری صنعت نفت را همین شرکت های خصوصی تشکیل می دهند.

در حال حاضر تقریباً همه خدماتی که

پیمانکاران خصوصی به کارفرمای دولتی صنعت نفت ارائه می دهند مستعد داشتن بازاری پررونق در مدت دست کم بیست و پنج سال آینده نیز هست، پس تداوم تقاضا برای خدمات بخش خصوصی در نفت ایران به عنوان مهمترین فاکتور سوگیری رفتارهای اقتصادی محرز است اما ادامه فعالیت بخش خصوصی در قواره پیمانکاران رده دوم و سوم هم به معنای ابتر شدن اهداف مهم توسعه این صنعت است.

رشد بخش خصوصی و بزرگ شدن اندازه حضورش در صنعت نفت ایران تنها از رهگذر پذیرش ریسک حضور در فعالیت های بالادستی، مشارکت با سایرین، ایجاد کنسرسیوم های صنعتی و خدماتی و حتی ادغام های حساب شده برای تشکیل شرکت های بزرگتر رخ خواهد داد، با چنین برنامه هایی می توان امیدوار بود که بخش خصوصی ماهرترین معمار آینده صنعت نفت ایران خواهد بود. با روی کار آمدن دولت یازدهم، تلاش ها برای موقعیت سازی در حوزه توسعه صنعت نفت تحرکی تازه یافت، ایران حدود ۵۰ پروژه نفت و گاز به ارزش ۱۸۵ میلیارد دلار مشخص کرده و امیدوار است که قراردادهای توسعه این پروژه ها را تا سال ۲۰۲۰ میلادی امضا کند، اما دیگر نمی توان برای تأمین سرمایه سایر طرح ها از جمله نوسازی تاسیسات فرسوده و نگهداشت تولید از میادین دارای افت فشار صبر کرد، سرمایه گذاری خارجی بی شک یک راهبرد مناسب برای تأمین مالی است اما در عین حال نباید از نگاه به «تجمیع سرمایه» داخلی نیز چشم پوشی کرد.

ایران اکنون و در نخستین گام های خود در تجربه کردن قراردادهای نفتی جدید، زمینه سازی برای شکل گیری شرکت های فعال در زنجیره اکتشاف تا تولید را انجام داده است هر چند هنوز اثرات پیدایش شرکت های ایرانی E&P بر ساختار توسعه صنعت نفت محسوس نبوده است اما می توان به آینده ای پرفروغ در کسب و کارهای نفتی ایران

در پرتو چنین رویکردی امیدوار بود و حتی فراتر از آن می توان این راهبرد را تصمیمی بزرگ برای معماری آینده اقتصاد نفت ایران لقب داد.

ایران در دهه ۸۰ با معرفی قراردادهای بیع متقابل تلاش کرد موجی نو در جذب سرمایه های خارجی به صنعت نفت ایجاد کند و در مجموع ۲۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی ظرف مدت ۱۱ سال جذب صنعت نفت شده است اما برنامه ریزی جدید برای جذب ۱۸۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی ظرف مدت ۴ سال آتی در صنعت نفت، ممکن است کمی بلندپروازانه تلقی شده و هر نوع کاهش در دستابی به هدف، ایران را با بحرانی در توسعه صنعت نفت خود مواجه کند.



دولت صرفاً نقش حاکم بازی را ایفا کند، بر چگونگی کار نظارت کرده و از پیدایش انحصار و لابی‌های مخرب در زیربخش‌های صنعت نفت ممانعت کند، با این وصف بخش خصوصی در حقیقت ناجی صنعت نفت در مسیر پرفراز و فرود توسعه آینده‌اش است، حال پرسش اینجاست که چالش‌های فراروی این‌بخش و راه‌حل‌های رفع آن چیست؟

بلای انحصار

نمی‌توان از این واقعیت فرار کرد که وجود انحصار در برخی بخش‌های معاملاتی و تصمیم‌گیری در صنعت نفت، فی‌نفسه مولد فساد و زمینه‌ساز حضور دلالان است، انحصار در برخی بخش‌ها باعث می‌شود تا فضای اطلاعات مرتبط با موضوع در اختیار شماری از افراد خاص قرار گیرد و همین موضوع باعث می‌شود تا شبکه‌های دلالی به طریقه‌های مختلف در نزدیکی به این افراد برقرار نمودن رانت استفاده از اطلاعات خاص یا ترغیب و تطمیع برای تغییر مسیر تصمیم‌سازی‌ها مصمم شوند، در حقیقت اگر فضای



وجود انحصار
در برخی بخش
های معاملاتی
و تصمیم‌گیری
در صنعت نفت،
فی‌نفسه مولد
فساد و زمینه
ساز حضور
دلالان است

از آن‌ها با کشورهای عراق، کویت، عربستان، قطر، امارات و عمان مشترک است، شتاب بخشی به طرح‌های تولید از میادین مشترک به فصل مشترک غالب برنامه‌های توسعه‌ای شرکت ملی نفت در سال‌های اخیر بدل گشته است به همین دلیل می‌توان احتمال داد که تقریباً اتفاقی شبیه توسعه نفت در میانه دهه هفتاد شمسی در کشورمان این‌بار در سال‌های پایانی قرن حاضر شمسی رخ دهد و برای چنین اتفاقی باید با در اختیار داشتن شرکت‌ها و مجموعه‌هایی توانمند آماده‌ی بهره‌برداری حداکثری برای کشور شد. اما همین پیش‌بینی‌ها نیز با مخاطرات و چالش‌هایی مواجه است، کاهش رشد اقتصاد جهانی، افول رشد اقتصادی در کشورهای دارای رشد اقتصادی نوظهور، اطمینان از افزایش عرضه با تکیه بر ذخایر مناطق تازه وارد به بازار نفت، تغییر الگوی مصرف و گرایش برخی کشورها به مصرف گونه‌های تجدیدپذیر انرژی، کاهش سرمایه‌گذاری در بازار نفت به علت ترس از زیان و افزایش حجم ذخیره‌های نفتی از جمله عواملی هستند که می‌تواند و این استعداد را دارد که رونق احتمالی بازار نفت و گاز در آینده را تحت تأثیر قرار دهد و از قطعیت آن بکاهد، به تعبیری دیگر نگرانی‌ها از تثبیت قیمت نفت در رقم‌های پایین همچنان وجود دارد و این در حالی است که ایران بایک دهه دوری از بازار همکاری‌های بین‌المللی امروز به شروعی دوباره می‌اندیشد. اقتصاددان‌ها سال‌هاست توصیه می‌کنند برای اینکه صنعت نفت در مسیر توسعه‌اش با نوعی تضمین عملیاتی روبرو شود باید روند توسعه به بخش خصوصی سپرده شود و

چشم‌انداز آینده اقتصاد جهان، نشانگر افزایش قابل توجه تقاضای انرژی و نقش مسلط نفت و گاز در افق آینده زندگی جامعه بشری است، بر اساس پیش‌بینی‌های حرفه‌ای، تقاضای نفت طی ۲۰ سال آینده، بیش از ۲ برابر ۲۰ سال گذشته افزایش می‌یابد و گاز طبیعی به عنوان سوخت منتخب قرن حاضر از بیشترین رشد در مجموعه اقلام سبد انرژی برخوردار خواهد شد.

کشورمان ایران نیز با دارا بودن بیش از ۱۵۱ میلیارد بشکه ذخایر نفتی قابل استحصال و ۳۳ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی، از نظر مجموع ذخایر هیدروکربوری جایگاه ممتازی را در بین دیگر کشورهای جهان به خود اختصاص داده است.

اثبات این حجم از ذخایر انرژی در کشورمان، باعث شده است تا اجرای الگوی مناسبی از توسعه و پیشرفت در طرح‌ها و پروژه‌های تولید نفت و گاز کشور به یک اولویت و ضرورت تبدیل شود.

در این میان به علت شرایط خاص میادین مشترک و از آنجا که برخی

رگولاتوری

نسخه‌ای برای درمان بیماری انحصارگرایی در نفت





**ظهور نهاد
تدوین و
تنظیم مقررات
در صنعت
نفت در گام
نخست، روند
بوروکراتیک
تنظیم مقررات
در این صنعت
را از میان برده
و زمینه ساز
روان شدن چرخ
های توسعه این
صنعت خواهد
شد**

انحصار در سطوح معاملاتی از میان
برود یکی از میدان‌های مهم جولان
شبکه‌های دلالی هم از میان می‌رود،
در مجموعه صنعت نفت، هر ساله
طرح‌ها و پروژه‌های بسیار بزرگی
طراحی می‌شوند که برخی از آن‌ها
در قامت مگا پروژه «هستند و خود،
ده‌ها زیر پروژه و طرح جانبی دارند،
برخی اوقات اعطای انحصارهایی
از این دست برای انجام یک مجموعه
پروژه به شرکت یا شرکت‌هایی خود
باعث پیدایش نوعی انحصار عملیاتی
میلیون دلاری و بعضاً میلیارد دلاری
می‌شود و به همین دلیل دلالان موقع
شناس با بهره‌برداری از فضای به وجود
آمده تلاش می‌کنند پلی میان فعالان
سطوح پایین‌تر پروژه‌ها بیابند.
انحصار در هر شکل و صورتی چه در
درون مجموعه‌های دولتی و چه در
قالب اشکالی مثل اعطای پروژه‌ها
می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری بازار
دلالی پرونق برای شبکه‌های فعال
در این بخش باشد، سازوکار صنعت
نفت ایران البته برای پایان دادن به این
انحصارها آماده است و بی تردید در
فضای جدید توسعه‌ای صنعت نفت

احتمالاً شاهد قطع اشکال مختلف دلالی در سایه انحصار
خواهیم بود.

ریل شفافیت مالی و قوانین کارآمد

اگر بخواهیم که صنعت نفت ایران از حضور دلالان خالی
شود باید قطار توسعه این صنعت را بر ریلی با دو بازوی
مهم سوار کرد، یک بازوی مؤثر در این قضیه، شفافیت مالی
معاملات و دادوستدها و بازوی دیگر نیز اصلاح برخی
قوانین و کارآمدسازی در حوزه قوانین مرتبط است.

در بخش شفافیت مالی معاملات تا حد زیادی با رواج
مکانیزاسیون و رفع حضور واسطه‌های احتمالی می‌توان
به کاهش اثر مخرب دلالی امیدوار بود اما در حوزه کارآمد
سازی قوانین قطعاً همدلی مجلس و دولت و حضور فعالانه
وزارت نفت به عنوان مجموعه بهره‌مند از کاهش سطح فساد
می‌تواند به نتایج مبارکی منتهی شود.

ایجاد و تقویت مؤسسات حقوقی حرفه‌ای، بالا بردن
زمینه‌های دانش حقوقی در میان پیمانکاران و نیز ایجاد رویه
مطلوب‌تری از نظام مناقصات و مزایده‌ها، الزام شرکت‌های
دولتی به رعایت قوانین شفافیت مالی، تعهد همه فعالان
این صنعت به رعایت فضای آزادانه انتشار اطلاعات و در زیر
بخش‌های پایین دستی، تلاش برای داد و ستد محصولات
و فرآورده‌ها در فضاهای شفاف همچون بورس می‌تواند
تا حد زیادی زمینه دلالی و فساد را در این صنعت کاهش
می‌دهد. صنعت نفت تأمین کننده اصلی درآمدهای ارزی
کشورمان است. این بخش از اقتصاد ملی ایران رتبه اول
درآمذزایی ارزی ایران را دارد و از سویی مسئولیت تأمین نیاز

بخش عمده‌ای از زیربنای توسعه‌ای
ایران آینده نیز بر دوش این صنعت
قرار دارد، در سال‌های اخیر با وجود
اینکه یکی از اهداف اساسی دولت‌ها،
کاهش وابستگی به درآمدهای نفت
و گاز بوده اما همچنان بیش از ۷۵
درصد کل اقتصاد ایران زیر سایه نفت
و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن
بوده است، بخش قابل توجهی از رویه
عملکردی این بخش بر مبنای قوانین و
مقررات بنیادین کشور همچون قانون
اساسی و اصول آن، قوانین موضوعه
همچون اساس نامه شرکت‌های ملی
زیرمجموعه وزارت نفت و یا در ذیل
بخش‌هایی از قوانین و مقررات سالانه
همچون قانون بودجه تنظیم می‌گردد،
بخش دیگری از سیستم تقنین در این
صنعت هم در سایه آیین‌نامه‌ها و
ابلاغیه‌های کلان دولتی از سوی هیات
دولت یا راسا از سوی وزارت نفت محقق
می‌شود. اما در پیرامون این صنعت و
در برخی بخش‌ها، طیف قابل توجهی
از کنشگران و فعالان اقتصادی هم
حضور دارند که بر اساس دلایل عقلی
و منطقی، در حقیقت بار اصلی توسعه
آتی این صنعت بر دوش همان‌هاست،





باید مسئولان و دست اندر کاران حوزه انرژی در اسرع وقت نسبت به ایجاد این نهاد اقدام کنند. از سوی دیگر در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در ماده ۱۳ به این وزارت نسبت به ایجاد نهاد تنظیم مقررات اجازه داده شده است.

از مشکلاتی که در حوزه انرژی با آن رو به رو هستیم را فقر نهاد رگولاتوری در این حوزه عنوان کرد. باید مسئولان و دست اندرکاران حوزه انرژی در اسرع وقت نسبت به ایجاد این نهاد اقدام کنند. از سوی دیگر در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در ماده ۱۳ به این وزارت نسبت به ایجاد نهاد تنظیم مقررات اجازه داده شده است. وی به مزایا و ضرورت‌های تشکیل این نهاد اشاره کرد و افزود: ایجاد نهاد تنظیم مقررات در گام اول این امکان را می‌دهد تا وزارت نفت و حتی وزارت نیرو با بررسی و رصد بازار، متناسب با وضعیت بازار در هر یک از بخش‌های حوزه انرژی از جمله نفت، گاز، پتروشیمی و نیرو اقدام به صدور پروانه فعالیت کند. چرا که یکی از مشکلات و معضلات در حوزه نیرو صدور پروانه‌های متعدد است که این موضوع خود باعث بروز بسیاری از مشکلات به ویژه در حوزه صنایع بالادستی در صنعت پتروشیمی شده است. بختیار ادامه داد: باید به این نکته توجه داشت اگر تعداد فعالان اقتصادی محدود شود و متناسب با

را نداشته باشد، سازماندهی و ظهور نهاد تدوین و تنظیم مقررات در صنعت نفت در گام نخست، روند بوروکراتیک تنظیم مقررات در این صنعت را از میان برده و زمینه ساز روان شدن چرخ‌های توسعه این صنعت خواهد شد. در شرایط فعلی در صنعت نفت، موضوعات و مباحث بسیار مهمی وجود دارد که برخی از آنها به چالش‌هایی برای توسعه آتی این بخش بدل شده است، در تمامی مواردی از این دست، نوعی انحصار طبیعی در سیستم دولتی وجود دارد و بخش خصوصی ناچار است خود را تابعی از تصمیم‌های متخذه در این فضا ببیند، مواردی همچون خوراک واحدهای پتروشیمی، نرخ‌گذاری گاز طبیعی برای واحدهای نیروگاهی، واحدهای پالایشگاهی، نظام توزیع مواد اولیه پایین دست پتروشیمی، سرمایه‌گذاری در طرح‌های نیروگاهی با مبدأ گازهای همراه نفت، تأسیس پتروپالایشگاه‌ها و نرخ‌گذاری فراورده‌های پالایشگاهی، توسعه نظام بانکرینگ و سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید این بخش همگی در فهرست مواردی است که با ایجاد نهاد رگولاتوری در صنعت نفت و تجمیع نظر ذینفعان در تصمیم‌گیری نهایی می‌تواند باعث شتاب بخشی به توسعه این صنعت شود.

رگولاتوری، نسخه شفای بیماری انحصار

علی بختیار عضو کمیسیون انرژی مجلس درباره ایجاد نهاد رگولاتوری برای تنظیم مقررات در حوزه انرژی در گفت‌وگو با ماهنامه دنیای انرژی گفت: به طور یقین می‌توان یکی

فعالان بخش خصوصی و ذینفعان نهایی همچون مصرف‌کنندگان فراورده‌های انرژی و فعالان اقتصاد بازار شامل همین گروه اخیر هستند که تدوین و تنظیم مقررات و قوانین در سطوح غیرکلان، بدون در نظر گرفتن «سطح تأثیر» روی این قشر عملاً به معنای نادیده انگاشتن وزن حضور آنهاست و در بلندمدت می‌تواند به روی گردانی فعالان از حضور مؤثر در مدار توسعه صنعت نفت باشد که البته چنین پیامدی برای ایران قرن آینده شمسی بسیار خطرناک خواهد بود. در همین شرایط، می‌دانیم که نظام کارکردی و رویه همکاری میان بخش خصوصی و دولتی در صنعت نفت به یک سیستم بوروکراتیک سنتی عادت کرده و علاوه بر اینکه شوق حضور در فعالان جدید ایجاد نمی‌کند ممکن است زمینه ساز شکل‌گیری فضای غیرشفاف و یامداره‌ای از رانت در صنعت گردد.

همه این عوامل، بر سرهم باعث خواهد شد تا چرخ‌های توسعه صنعت نفت برای توسعه پرشتاب توان و اراده لازم





**در حال حاضر
نیروگاه‌هایی
در کشور
فعالیت می‌کنند
که راندمان
آنها ۲۰ تا ۲۵
درصد برآورد
شده است این
خود در کنار
آسیب‌های
اقتصادی که
به کشور وارد
می‌کند، باعث
اتلاف انرژی
و بروز مسائل
و مشکلات
زیست محیطی
می‌شود**

نیاز بازار پروانه‌های فعالیت صادر شود به طور یقین شاهد رونق در بازارهای مختلف خواهیم بود. عضو کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: در گام دوم که نهاد تنظیم مقررات می‌تواند به حوزه انرژی کمک کند، سطح تکنولوژی در این حوزه است. در حال حاضر نیروگاه‌هایی در کشور فعالیت می‌کنند که راندمان آنها ۲۰ تا ۲۵ درصد برآورد شده است این خود در کنار آسیب‌های اقتصادی که به کشور وارد می‌کند، باعث اتلاف انرژی و بروز مسائل و مشکلات زیست محیطی می‌شود. به طور حتم باید سطح تکنولوژی و فناوری‌های پالایشگاه‌های پتروشیمی در حوزه بالا دستی و پایین دستی و حوزه نیروگاهی را ارتقاء دهیم که این از وظایف رگولاتوری است و فقر یک نهاد تنظیم مقررات در این بخش کاملاً احساس می‌شود. وی بحث تعرفه گذاری‌ها در حوزه نفت و نیرو را سوم گام در ایجاد نهاد تنظیم مقررات عنوان کرد و افزود: بحث تعرفه گذاری وظیفه دولت نیست و از وظایف نهاد رگولاتوری است که باید

انجام شود، همان گونه در حوزه‌ای سی‌تی به دلیل وجود یک نهاد تنظیم مقررات تعرفه گذاری صورت می‌گیرد. بختیار تاکید کرد: باید اعضای کمیسیون‌های نهاد تنظیم مقررات فرابخشی باشد اما دبیر خانه این نهاد که کار اجرایی و پیگیری مصوبات کمیسیون‌ها است باید در وزارت نفت مستقر بشد.

وی به تشکیل وزارت انرژی اشاره کرد و گفت: امیدواریم در آینده نزدیک شاهد تشکیل وزارت خانه انرژی باشیم تا متولی انرژی در کشور یک وزارتخانه باشد.

پایانی برای سلیقه‌ای عمل کردن سازمان‌ها

هدایت الله خادمی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس نیز در گفت و گو با ماهنامه دنیای انرژی گفت: در تمام دنیا نهادی برای تنظیم مقررات در بخش‌های مختلف از جمله در حوزه انرژی وجود دارد و در برنامه ششم توسعه نیز وزارت نفت مکلف شده است تا نهاد تنظیم مقررات را تشکیل دهد. وی افزود: ایجاد نهاد تنظیم مقررات در حوزه انرژی از سلیقه‌ای عمل کردن سازمان‌ها و شرکت‌ها جلوگیری خواهد شد و نظارت‌ها را در این حوزه بیشتر و دقیق‌تر خواهد کرد.

خادمی تصریح کرد: با تصویب نهاد رگولاتوری مستقل در دولت، تنظیم آیین‌نامه، چگونگی ارزیابی پروژه‌های بخش خصوصی در شورای اقتصاد جهت تضمین فاینانس و بازنگری در قیمت فرمول خوراک پتروشیمی پالایشگاهی به منظور رقابت پذیری و روند تسهیل فضای کسب و کار

در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی کشور را شاهد خواهیم بود. نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به اینکه این نهاد هم برای بخش دولتی و هم خصوصی مزایا خواهد داشت، گفت: تشکلهای خصوصی با ایجاد یک نهاد رگولاتوری این اطمینان را خواهند داشت که نظارت‌ها از سوی ناظرانی دقیق و بدون اعمال سلیقه انجام خواهد شد.

خادمی رگولاتوری را به عنوان نهاد مستقل و دارای اختیار دانست و گفت: این نهاد می‌تواند به حل مؤثر مشکلات کنونی بخش خصوصی کمک کند؛ مسئله‌ای که منشاء آن قانون گذاری و تصدی گری همزمان وزارت نفت در آن است و تاکنون موجب شده بخش خصوصی در مواجهه با این ساختار پیچیده دچار مشکل شود.

وی تاکید کرد: ترکیب اعضای نهاد رگولاتوری نیز باید به گونه‌ای تعیین شوند که با تغییر دولت‌ها و افراد، همچنان بی‌طرفانه و مستقل عمل کند و به دنبال تأمین منافع دولت نباشد.



ژئوپلیتیک گاز طبیعی

منبع: BakerInstitute

مترجم

محسن داوری > دنیای انرژی



اهمیت ژئوپلیتیک گاز طبیعی در سال‌های اخیر در حال افزایش بوده است. گاز از یک سوخت حاشیه‌ای مناطق مختلف و غیر مرتبط با یکدیگر به سوختی تبدیل شده که در مسیرهایی طولانی منتقل می‌شود تا در بخش‌های مختلف اقتصاد مصرف گردد. از سوی دیگر، گاز طبیعی با دارا بودن منافع زیست محیطی در بخش تولید برق با استقبال گسترده‌ای روبرو است. بدین ترتیب، مصرف جهانی گاز در سه دهه آینده، دو برابر خواهد شد و سهم این سوخت از تقاضای منابع اولیه انرژی از ۲۳ درصد کنونی به ۲۸ درصد در سال ۲۰۳۰ میلادی افزایش خواهد یافت.

در سایه این رویداد، گاز طبیعی از زغال سنگ پیشی خواهد گرفت و در رتبه دوم پرمصرف‌ترین سوخت‌های دنیا قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، گاز طبیعی در این دوره و در افق سال ۲۰۳۰ میلادی، بخش بزرگی از سهم نفت را در کشورهای صنعتی تصاحب خواهد کرد. مصرف گاز طبیعی تقریباً در همه نقاط دنیا افزایش خواهد یافت. در این میان، آمریکای شمالی و اروپا از رشد مطلق در مصرف گاز برخوردار هستند. اما در بازارهای جدید نظیر چین، جنوب آسیا و آمریکای لاتین، رشد مصرف گاز طبیعی چشمگیر خواهد بود.

افزایش مصرف گاز طبیعی در این مناطق، رشد واردات را به دلیل کمبود تولید به همراه خواهد آورد. سه کشور روسیه، ایران و قطر ۵۵ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی دنیا را در اختیار دارند. کاهش چشمگیر هزینه انتقال گاز طبیعی با خط لوله و آلان جی، راه را برای توسعه بازار این سوخت به ویژه در مسیرهای دور هموار کرده است.

افزایش اهمیت واردات گاز طبیعی در اقتصادهای مدرن، نگرش‌های جدیدی را در مورد امنیت انرژی پدید آورده است. در سایه روابط در حال توسعه میان تأمین کنندگان بزرگ گاز طبیعی و کشورهای کلیدی مصرف کننده نهایی آن، روابط ژئوپلیتیک نوینی شکل می‌گیرد که به روابط گسترده اقتصادی و امنیتی منجر می‌شود. مراکز امنیتی تمرکز خود را بر روی زیرساخت‌های انتقال گاز دوچندان کرده‌اند. مسئولان ارشد ایالات متحده از ضرورت امکان‌سنجی واردات گاز بیشتر برای تأمین نیازهای بخش‌های مختلف اقتصاد کشورشان سخن می‌گویند.

مراکز پژوهشی ایالات متحده در سال‌های اخیر، در مورد آثار ژئوپلیتیک گذار به مصرف گاز طبیعی در بازارهای





انرژی دنیا بررسی‌های مختلفی انجام داده‌اند. انتشاردها کتاب و گزارش مختلف و برپایی سمینارها و همایش‌های مختلف در این بخش، نشانگر اهمیت چشم‌انداز بازار گاز طبیعی و پیامدهای آن است. گاز طبیعی به یکی از مؤلفه‌های امنیت بین‌المللی و مسائل ژئوپلیتیکی دنیا در چارچوب روابط تولیدکننده و مصرف‌کننده تبدیل شده است.

بازار از هم‌گسسته گاز طبیعی در دهه‌های گذشته، بیش از همیشه به هم مرتبط شده و نزدیک شدن قیمت‌ها به هم نشان می‌دهد گاز در قالب آلان‌جی به یک کالای بین‌المللی تبدیل شده است. تولیدکنندگان و فروشندگان آلان‌جی به بازیگران کلیدی در امنیت انرژی دنیا تبدیل شده‌اند.

رشد پرشتاب گاز طبیعی در بازارهای انرژی، نشانگر ظهور بازیگری مهم و تاثیرگذار است که رقیبی قدرتمند و اقتصادی برای زغال سنگ و نفت خام است.

توسعه مصرف گاز طبیعی در دنیای امروز، نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز خواهد بود. نتایج پژوهش آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۳۰ میلادی در مجموع ۳/۱ تریلیون دلار و یا سالانه ۱۰۵ میلیارد دلار باید در جهت تأمین تقاضای دنیا به گاز طبیعی و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز در دو بخش تولید و انتقال آن هزینه شود.

❖ قراردادهای بلندمدت

سرمایه‌گذاران و عرضه‌کنندگان گاز طبیعی از دیرباز، محصول خود را بر اساس قراردادهای بلندمدت به فروش می‌رسانده‌اند. در این قراردادها، در صورت عدم تحویل گاز نیز بهای آن باید پرداخت گردد.

❖ ریسک‌های ترانزیت گاز

صادرکنندگان گاز طبیعی همواره در مورد ریسک توقف ترانزیت گاز و یا افزایش یکجانبه حق ترانزیت در کشورهای قرارگرفته در مسیر عبور خط لوله‌های انتقال گاز بیمناک هستند. کشورهای واردکننده گاز طبیعی نیز همواره در مورد امکان توقف جریان گاز طبیعی به دلایل سیاسی و اقتصادی بیمناک‌اند. در پاره‌ای از موارد، صدور گاز طبیعی با آلان‌جی و خط لوله، از شرایط رقابتی برخوردارند. با رقابتی شدن هزینه‌ها، خریداران گاز طبیعی می‌توانند سوخت مورد نیاز خود را با قیمت مناسب خریداری کنند.

❖ ظهور چین در بازار گاز طبیعی

دولت چین در سال‌های اخیر، ساخت پروژه بزرگ خط لوله شرقی-غربی انتقال گاز طبیعی و چند پروژه آلان‌جی را در دستور کار قرار داده است. هم‌اکنون رهبران پکن واردات گاز از روسیه، واردات آلان‌جی از کشورهای مختلف و جایگزینی زغال سنگ و طرح‌های دیگر واردات گاز را در دستور کار قرار داده‌اند.

امنیت انرژی از اولویت‌های سال‌های اخیر رهبران اژدهای



گاز طبیعی
به یکی از
مؤلفه‌های
امنیت بین
المللی و مسائل
ژئوپلیتیکی
دنیا در
چارچوب روابط
تولیدکننده و
مصرف‌کننده
تبدیل شده
است

❖ مدل سازی اقتصادی

زرد محسوب شده و متنوع کردن منابع واردات گاز، مهم‌ترین راهبرد آنها محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر، شاهد کاهش اختلاف قیمت گاز طبیعی در هاب‌های مختلف بوده‌ایم. همچنین با ظهور چین به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده انرژی دنیا، همه تولیدکنندگان گاز طبیعی خود را برای رقابت در این بازار بزرگ و در حال رشد آماده کرده‌اند. رشد اقتصادی، رشد جمعیت و نرخ سوخت‌های رقیب، سه عامل تأثیرگذار بر افزایش تقاضای گاز در کشورهای مختلف دنیا است.

اقتصاددانان، مدل‌های مختلفی را برای پیش‌بینی بازار گاز طبیعی در سال‌های آینده همراه با عوامل تأثیرگذار بر آن، طراحی کرده‌اند. بدین ترتیب اگر تاریخ قرن نوزدهم با زغال سنگ و قرن بیستم با نفت پیوند خورده است، قرن بیست و یکم را باید قرن گاز طبیعی دانست.

❖ لزوم ایجاد تقاضا

در بسیاری از موارد، پروژه‌های جدید صادراتی، حجم قابل توجهی از گاز را روانه بازار می‌کنند که به دلیل فقدان زیرساخت‌های مورد نیاز، بخشی از آن غیر قابل استفاده باقی می‌ماند. بدین ترتیب موضوع ایجاد ظرفیت تقاضا و جایگزینی گاز با سوخت‌های دیگر، باید مورد توجه قرار گیرد.

❖ تغییر در بازار

مطالعات انجام شده در بازار گاز طبیعی نشان می‌دهد آزادسازی تجاری و گذار از پروژه‌های دولتی به پروژه‌های بخش خصوصی، به توسعه سرمایه‌گذاری در طرح‌های بین‌المللی انتقال گاز منجر می‌شود. همچنین راه برای تغییر شاخص قیمت گذاری گاز طبیعی از مبنای قیمت نفت به قیمت جهانی گاز، هموار خواهد شد.

سهم خواهی خودروهای برقی از بازار نفت

در تابستان امسال، شرکت ولوو اعلام کرد تا سال ۲۰۱۹ میلادی، تولید خودروهای بنزینی و گازویی را پایان خواهد داد. بدین ترتیب در تولیدات این شرکت، مدل‌های جدیدی عرضه می‌شود که الکتریکی و یا هیبریدی-برقی خواهند بود. چندی بعد، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها نیز اعلام کردند تا سال ۲۰۴۰ میلادی، فروش خودروهای بنزینی و گازویی را ممنوع خواهند کرد. نکته قابل توجه اینکه در ژوئن سال جاری، ۴۲ درصد از خودروهای فروخته شده در بازار نروژ از پیشرانه برقی برخوردار بوده‌اند. در سال‌های اخیر، تقاضای نفت اروپا برای مصرف در شبکه پالایشی که محصولاتش در نهایت در بخش خودرو مصرف شود با کاهش روبه‌رو شده است. بسیاری از متخصصان انتظار دارند که در سال‌های فرارو این کاهش، سرعت بیشتری بگیرد. رشد تولید خودروهای برقی، مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری این شرایط بوده است. بدین ترتیب این پرسش پدید می‌آید که رشد تولید خودروهای برقی تا چه میزان بر تقاضای جهانی نفت تأثیر خواهد گذاشت؟ در دهه‌های گذشته، رشد تقاضای سالانه نفت دنیا ۲ تا ۳ درصد بوده است. هم‌اکنون روزانه ۹۶ میلیون بشکه نفت در دنیا مصرف می‌شود و به نظر می‌رسد زمان افول تقاضای نفت پس از عبور از دوره اوج، فرا رسیده است. کارشناسان انرژی از این موضوع با عنوان اوج تقاضای نفت یاد می‌کنند. در ادامه، ما زمان و چگونگی وقوع این رویداد را بررسی می‌کنیم.





یکپیش‌بینی هشداردهنده

آژانس بین‌المللی انرژی با بررسی ۲۹ کشور صنعتی واردکننده نفت خام به بررسی چشم انداز تقاضای این کشورها پرداخته است. براساس پیش‌بینی آژانس در سال ۲۰۳۰ میلادی، تعداد خودروهای برقی دنیا از مرز ۱۵۰ میلیون خودرو فراتر خواهد رفت. این عدد برابر با ۱۰ درصد خودروهای در حال حرکت در جاده‌های دنیا است. هم اکنون تعداد خودروهای برقی دنیا ۲ میلیون دستگاه است. در مقایسه با ۱/۲ میلیارد خودروی کنونی، سهم این خودروهای پاک تنها ۰/۲ درصد است.

آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی نموده این تغییر به کاهش ۲ میلیون بشکه‌ای مصرف نفت در روز منجر خواهد شد. در سال ۲۰۴۰ میلادی، در مجموع ۷۰ میلیون بشکه نفت در روز در بخش حمل و نقل مصرف می‌شود. مصرف کنونی روزانه نفت در این بخش ۵۴ میلیون بشکه بوده و شاهد رشد ۳۰ درصدی مصرف آن خواهیم بود.

اگر فروش خودروها با سرعتی بیش از پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی افزایش یابد، تحت آن بر بازار خودروها چگونه خواهد بود؟

پژوهش ما در انستیتوی مطالعات حمل و نقل دانشگاه دیویس کالیفرنیا نشان می‌دهد افزایش فروش خودروهای برقی می‌تواند به کاهش مصرف نفت و انتشار کمتر گازهای گلخانه‌ای منجر شود. در شرایط کنونی، با توجه به سلطه موتورهای درون سوز، جایگزینی آن با خودروهای برقی به چند دهه زمان نیاز دارد.

خودروها، کالایی بادوام بوده و معمولاً ۱۰ تا ۱۵ سال مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب برای خروج خودروهای کنونی باید تا دهه ۲۰۴۰ میلادی به انتظار بنشینیم.

نکته قابل توجه اینکه خودروهای برقی، تنها در بخش مصرف شخصی است. ۲۶ درصد نفت مصرف شده دنیا به این حوزه اختصاص دارد.

اگر سال ۲۰۴۰ میلادی را زمان اوج تقاضای نفت بدانیم، همچنان باید برای توسعه خودروهای برقی اقدامات مختلفی انجام گردد. هرچند خودروهای برقی یک انقلاب در صنعت حمل و نقل پدید آورده و می‌توانند به کاهش مصرف نفت منجر شوند.

با اجرایی شدن قانون فروش انحصاری خودروهای برقی در سال ۲۰۳۰ میلادی در اتحادیه اروپا و اقدام مشابه چینی‌ها در سال ۲۰۳۵ میلادی، زنگ خطر برای غول‌های نفتی به صدا درآمده است.

براساس پژوهش ما، مصرف جهانی نفت تا سال ۲۰۵۰ میلادی همچنان افزایش خواهد یافت. چراکه بسیاری از خودروها و کامیون‌های بنزینی و گازویی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، همچنان مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

لذا نیاز به سیاست‌گذاری دولت‌ها پیش از پیش در جهت پایدار نمودن شهرنشینی و کاهش تقاضای نفت خام ضروری است. هرچند با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ و خروج کشورش از پیمان آب و هوای پاریس، حامیان محیط زیست نگرانی خود را اعلام کرده‌اند.

با نگاهی به سناریوهای مختلف، ما تقاضای بازار نفت در آینده را در چند مدل نشان داده‌ایم. ما دریافتیم که در کنار توسعه ناوگان خودروهای برقی، بهبود کارایی مصرف سوخت نیز در چشم انداز آینده انرژی تأثیرگذار خواهد بود. تشویق دولت‌ها به مصرف گاز طبیعی و هیدروژن در خودروها نیز بر چشم انداز تقاضای سوخت تأثیرگذار



**خودروهای
برقی، تنها در
بخش مصرف
شخصی است
و همچنان ۲۶**

**درصد نفت
مصرف شده
دنیا به این حوزه
اختصاص دارد**

است. توسعه ناوگان خودروهای اینترنتی و هم‌سفری آنلاین، از دیگر عوامل مؤثر بر کاهش پیمایش خودروها در شهرها خواهد بود. توسعه خودروهای خودران برقی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مصرف نفت در سال‌های آینده خواهد بود.

به سوی شهرهای هوشمند و پایدار

سازمان ملل متحد در اوایل سپتامبر سال جاری، نخستین شورای بین‌المللی در حوزه شهرهای پایدار را تأسیس کرد. به نظر می‌رسد سرانجام مدیران این سازمان بین‌المللی به این واقعیت پی برده‌اند که با توسعه شهرنشینی، باید پایداری شهرها بیش از گذشته در دستور کار قرار گیرد. بدین ترتیب، راه برای توسعه پایدار، هوشمند و دوست دار محیط زیست و کمک به برنامه ریزی، مدیریت و زندگی در شهرها فراهم خواهد

شد. جمع آوری کمک‌های مالی برای پایدار نمودن شهرها از دیگر وظایف این شورا خواهد بود. در بیانیه منتشر شده این شورا، از دولت‌های دنیا خواسته شده تا تغییر ساختار اداره شهرها را در دستور کار خویش قرار دهند. ارائه برنامه‌های دولت‌ها و گزارش پیشرفت اقدامات انجام شده از دیگر موارد ذکر شده در این بیانیه است. تجربه موفق تشکیل شوراهای انرژی و آب در سازمان ملل متحد باعث شده تا در سایر بخش‌ها نیز شاهد انسجام بخشیده شدن به تلاش‌های جهانی باشیم. استقافان دوزاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد می‌گوید: دبیر کل سازمان ملل موضوع رشد پرشتاب شهرنشینی و رابطه آن با فقر، بی عدالتی، سلامت شهروندان، مهاجرت، تغییر اقلیم و فجایع طبیعی را در دستور کار قرار داده است. چراکه این موضوع از نگرانی‌های نوظهور سازمان ملل محسوب می‌شود.



**پراساسی پیش
بینی آژانس
در سال ۲۰۳۰
میلادی، تعداد
خودروهای
برقی دنیا از
مرز ۱۵۰ میلیون
خودرو فراتر
خواهد رفت**

یک شورای جدید در حوزه شهرنشینی

براساس این گزارش در سال آینده، شاهد تشکیل شورای شهرنشینی «به ریاست دبیر کل سازمان ملل متحد خواهیم بود. همه اعضای سازمان ملل متحد و دولت‌های محلی در این شورا حضور خواهند یافت. بدین ترتیب ضمانت اجرایی تصمیم‌های آن، افزایش خواهد یافت. امروزه، ضرورت‌های در پیش گرفتن سیاست‌های منسجم در حوزه شهرنشینی بیش از گذشته احساس می‌شود. همچنین باید زیرساخت‌های لازم برای پایدار شدن شهرها در حوزه‌های سلامت، انرژی، اوقات فراغت و کار ایجاد گردد. تبادل تجارب مدیران شهری و ایجاد زمینه لازم برای یادگیری از تجربه‌ها و الگوهای موفق، از دیگر دستاوردهای این شورا خواهد بود.

شکاف اطلاعاتی

کارشناسان معتقدند ارائه اطلاعات دقیق از وضعیت شاخص‌ها و شکاف‌های کنونی، می‌تواند سازمان ملل را از وضعیت دنیا و پیشرفت برنامه‌ها به ویژه در آفریقا آگاه کند. همچنین باید مقدمات تأمین منابع مالی و انرژی‌های پایدار برای مدیران شهرها فراهم شود. مدیران سازمان ملل معتقدند در سایه فقدان دسترسی به منابع انرژی، شاهد شکل‌گیری زاغه‌نشینی در بسیاری از کشورهای دنیا هستیم. آنان امیدوارند در ارفاق سال ۲۰۳۰ میلادی، شاهد دستاوردهایی چشمگیر و اثربخش در این حوزه باشیم. از سوی دیگر، ۲۵ موسسه و شورای زیرمجموعه سازمان ملل در اجرای این برنامه‌ها همکاری خواهند کرد. شهر تورنتو به عنوان هاب اطلاعاتی مرکزی این شورا برگزیده شده و در بوینس آیرس، کمبریج، دوبی، هاپیونگ، ژوهانسبورگ،

لس آنجلس، ماکاتی و مینا، دفاتر منطقه‌ای ایجاد می‌شود.

شهرها چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

در یک مطالعه دیگر، گروه ما در دانشگاه دیویس با همکاری انستیتوی سیاست‌های توسعه و حمل و نقل دریافتند که در سال ۲۰۴۰ میلادی، در مجموع ۶۰۰ میلیون خودرو به بازار عرضه خواهد شد. ممنوعیت تردد خودروها در مراکز شهرها و الزام شهروندان به استفاده از ناوگان عمومی، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تقاضای نفت خام خواهد بود. موسسه گلدمن ساچر اعلام نموده که سرعت گذار به سوی دنیای پاک، افزایش چشمگیری یافته است. کاهش نرخ رشد اقتصادی نیز بر کاهش مصرف نفت خام و خوراک واحدهای پتروشیمی تأثیرگذار بوده است. بدین ترتیب پیش‌بینی می‌شود زمان اوج تقاضای نفت در سال ۲۰۳۰ میلادی اتفاق افتد. هرچند پیش‌بینی آینده، دشوار است.

اصل این مقاله در www.theenergycollective.com منتشر و در گروه بین الملل ماهنامه دنیای انرژی ترجمه شده است.





عضو هیات رئیسه کمیته پتروشیمی مجلس در گفت و گوی اختصاصی با دنیای انرژی:

مجلس آماده حمایت از بخش خصوصی است



اگر به دنبال جذب سرمایه گذاری به ویژه سرمایه خارجی در بخش پتروشیمی هستیم باید دستورالعملی تغییر ناپذیر در این حوزه ابلاغ شود

گزارش
وائیا علیپور دنیای انرژی



صنعت نفت، موتور محرک اقتصاد ایران است، توسعه این بخش از ساختار اقتصادی ایران علاوه بر تولید شغل پایدار، در بخش های پایین دستی و بالادستی، تأثیری غیرقابل انکار بر نماگرهای رشد اقتصادی ایران دارد، از سویی دیگر، با وجود اینکه طی سالهای گذشته روندهای قانونی متعددی برای افزایش سهم و وزن بخش خصوصی در عرصه ارزش آفرینی این صنعت تدوین شده است اما همچنان با برخی مشکلات و چالش های جدی مواجه هستیم. حضور بخش غیردولتی در بالادست صنعت نفت و گاز کشور از لحاظ قانونی با محدودیت هایی مواجه بوده و هست البته تصویب مدل جدید قراردادهای نفتی و پیدایش طیفی از شرکت های ایرانی در قالب شرکت های E&P گامی مهم در ورود بخش غیردولتی به فضای تازه بالادست صنعت نفت محسوب می شود، اما بخش پایین دستی به دلیل جذابیت های بازدهی اقتصادی تا حدی برای بخش خصوصی مطلوب تر بوده است. در سال های گذشته قوانینی برای توسعه نقش بخش خصوصی در اقتصاد تصویب شده است، بخش های پایین دستی و خدماتی صنعت نفت مشمول واگذاری به بخش خصوصی شد که صنعت پتروشیمی کشور در رأس این واگذاری های قرار داشت، با این حال و با وجود تأکید بسیار برای حمایت از این بخش وجود مشکلات و موانع در مسیر توسعه و رونق اقتصادی عیان و آشکار است. سعید باستانی عضو هیات رئیسه کمیته پتروشیمی مجلس با تأکید بر تعامل مجلس و بخش خصوصی معتقد است: برای توسعه اقتصاد انرژی باید از بخش خصوصی حمایت شود و مجلس این آمادگی را دارد برای رفع مشکلات و تنگنای این بخش با دعوت از نمایندگان بخش خصوصی نظرات و پیشنهادهای آنان را دریافت و مورد بررسی قرار دهند تا راهکاری مناسب برای آن ارائه شود. او در حال حاضر یکی از مشکلات این بخش را قیمت نرخ خوراک برای پتروشیمی ها می داند و می گوید: دستورالعملی که ۸ ماه گذشته برای قیمت خوراک پتروشیمی ها تهیه شده است به طور یقین بهترین نیست و نبوده است و نیازمند بازنگری است. ماهنامه دنیای انرژی با سعید باستانی عضو هیات رئیسه کمیته پتروشیمی مجلس و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت و گویی را انجام داده است که در ادامه می خوانید:

همانگونه که مستحضر هستید سالهاست که بحث تهیه نرخ خوراک برای بخش خصوصی به یک مشکل تبدیل شده است هر چند دستورالعمل‌های متعددی برپا نرخ خوراک پتروشیمی‌ها تدوین شده است، چرا هنوز شاهد این هستیم که همچنان بخش خصوصی رضایت کامل را ندارد؟

در حال حاضر خوراکی که مورد استفاده پتروشیمی‌ها قرار می‌گیرد دو نوع گازی و مایع است. اینکه نرخ خوراک پتروشیمی به چه شکلی محاسبه شود موضوعی است که طی سال‌های گذشته بارها مورد اختلاف قرار گرفته است تا اینکه مجلس، دولت را مکلف کرده بود دستورالعملی براساس قیمت محصول نهایی و فوب خلیج فارس برای هر دو نوع خوراک به صورت جداگانه تهیه کند. با توجه به اینکه قیمت گذاری خوراک گازی که از سوی دولت تهیه شد، دچار مشکل بود و همچنین قیمت خوراک مایع نیز مورد انتقاد بخش خصوصی قرار گرفته بود. مجلس جلساتی را با مسئولان صنعت پتروشیمی، انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی و تولیدکنندگان بخش خصوصی برگزار کردیم که در پایان به نتیجه‌ای رسیدیم که شرایط برای تولیدکنندگان بهتر شد. و هشت ماه گذشته دستورالعملی درباره خوراک پتروشیمی شد و از آن زمان تا کنون بر مبنای آن کارها صورت می‌گیرد.

آقای باستانی آیا این دستورالعمل می‌تواند مشکلات بخش خصوصی در این صنعت را مرتفع کند؟

دستورالعملی که تدوین شده است بهترین نیست و نبوده است و به طور یقین نیازمند بازنگری است چرا که این دستورالعمل قبل از قراردادهایی است که در صنعت نفت به امضاء رسیده، بوده است.

ممکن است بیشتر توضیح دهید؟

یکی از مزیت‌های رقابتی ما صنایع پتروشیمی است. بر همین اساس باید دستورالعملی تهیه و تدوین شود که برای تولیدکننده بخش خصوصی مقرون به صرفه باشد. بدان معنا که اگر سرمایه گذاری قرار است هزینه بسیاری برای صنعت پتروشیمی انجام دهد، باید امکان سنجی (FS) اقتصادی که از موارد اصلی است را مشخص کند. برای مثال اگر سرمایه گذاری یک میلیارد دلار برای واحد

پتروشیمی هزینه می‌کند باید قیمت مواد اولیه که همان خوراک پتروشیمی‌ها است برای سرمایه گذار بخش خصوصی مقرون به صرفه باشد.

پس معتقدید باید دستورالعمل ثابتی تعیین شود؟

بله؛ طبیعتاً حالا که فضای کشور برای جذب سرمایه گذار خارجی باز شده است؛ باید دستورالعمل ثابتی در نظر گرفته شود تا از سردرگمی و بالطبع ایجاد بی‌رغبتی برای سرمایه گذاران بکاهد. اگر به دنبال جذب سرمایه گذاری به ویژه سرمایه خارجی در بخش پتروشیمی هستیم باید دستورالعملی تغییر ناپذیر در این حوزه ابلاغ شود.

آیا مجلس این آمادگی را دارد که با دستورالعملی که در حال حاضر ابلاغ شده و به گفته شما ۸ ماه است براساس آن کارها صورت می‌گیرد بازنگری کند؟

به نظر می‌رسد ضروری است که قیمت همه خوراکی‌ها، گازی و مایع یکپارچه باید شود، نمایندگان مجلس در کمیسیون‌های مربوطه و اعضای کمیته پتروشیمی مجلس این آمادگی را دارند با دعوت از بخش خصوصی در این صنعت اگر دستورالعمل فعلی نیاز به بازنگری و ویرایش داشته باشد، نظرات این بخش را عمل کند تا تولیدکنندگان بخش خصوصی در صنعت پتروشیمی متضرر نشوند. باید به این نکته تاکید کنم هیچ ابایی نداریم که به نفع سرمایه گذار کار کنیم چرا که معتقدیم باید این کار انجام شود و برای اینکه بتوانیم اقتصاد انرژی را همانند بسیاری از کشورهای دنیا توسعه دهیم چاره‌ای جز حمایت از بخش خصوصی نداریم. باید توجه داشت همواره مجلس در تعامل با بخش خصوصی بوده و هست.



ابایی نداریم که به نفع سرمایه گذار کار کنیم، معتقدیم باید این کار انجام شود و برای اینکه بتوانیم اقتصاد انرژی را توسعه دهیم چاره‌ای جز حمایت از بخش خصوصی نداریم

همانگونه که می‌دانید بخش خصوصی برای تهیه خوراک با مشکلات عدیده‌ای رو به رو هستند در این زمینه به نظر شما وجود نظام رگولاتوری برای صنعت پتروشیمی ضروری به نظر نمی‌رسد؟

شرکت ملی صنایع پتروشیمی (NPC) یک برند معتبر در سطح جهانی بود، اما در حال حاضر خصوصی سازی برخی پتروشیمی‌ها مشکلاتی ایجاد کرده و از سوی دیگر مدیریت نرخ خوراک پتروشیمی‌ها مورد بحث است، که باید خوراک را از منابع دقیقی به دست تولیدکنندگان برساند. رگولاتوری پتروشیمی‌ها در برنامه ششم توسعه مطرح شده است، دولت و مجتمع‌های پتروشیمی باید زمینه اجرای آن را فراهم کنند.

چرا که برای نظارت بر تولید و برنامه ریزی کلان در صنعت پتروشیمی باید از نظام رگولاتوری استفاده کرد، این نظام اجازه نمی‌دهد انحصار تولید مواد در دست گروه یا بخش خاصی قرار گیرد، یا اینکه از لحاظ تأمین خوراک انحصار به وجود آید.

کمیته پتروشیمی در حال بررسی جزء به جزء مسائل و مشکلات پتروشیمی‌ها است.



نمایندگان مجلس در گفت و گو با دنیای انرژی مطرح کردند:

اعتماد به بخش خصوصی، بازی برد-برد در زمین نفت

گزارش

اشکان سیدی



در طی بیست سال گذشته؛ اقتصاد جهان و ایران، رخدادهایی

بزرگ همچون شوک اقتصادی و تکانه های بزرگ در نرخ نفت را تجربه کرده اند، در همین مدت هم ارکان اصلی تصمیم گیری برای ایران فردا و متفکران برنامه ریز کشورمان همواره بر ضرورت خروج تدریجی دولت از رویکرد تصدی گری، اتمام بنگاه داری و سپردن امور به بخش خصوصی تاکید و آن را به عنوان یگانه راه حل پایدار مشکلات اقتصادی کشور گوشزد کرده اند.

آنچه که مسلم است در بخش نفت به دلیل پاره ای محدودیت های قانونی و نیز به علت پیوستگی زیاد این بخش به بیکره اقتصاد دولتی، نمی توان از آنچه تاکنون رخ داده است با رضایت یاد کرد، بخش خصوصی هنوز در صنعت نفت محدود به برخی حوزه های ساخت تجهیزات و قطعات و پاره ای فعالیت های بازرگانی و یا تولید در پایین دست صنعت است، اغلب این امور طی بیست سال گذشته هم توسط بخش خصوصی اما با حد و اندازه های کوچکتر انجام می شده است اما این بخش که انتظار می رفت حضورش در صنعت نفت به توسعه پرشتاب تمام اقتصاد کشور منتهی شود آن گونه که باید و شاید نتوانسته است در این صنعت به ایفای نقش بپردازد، سؤال اینجاست که چرا چنین اتفاقی افتاده است؟ آیا کشورمان هنوز در حوزه تقنین مقررات باید فعالیت های گسترده ای را انجام دهد و یا اینکه بخش خصوصی باید یک بازنگری تاریخی در نقش و فعالیت های خود ایفا کند؟

اسناد سرنوشت ساز برای توسعه ایران

در طی یک دهه گذشته اسناد مهمی در بالادست اقتصاد ایران، تدوین شده است، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سیاست‌های کلی سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و نیز سند بسیار مهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را باید ۳ سند حیاتی در زمینه شکل‌گیری روند آتی اقتصاد ایران نامید هر سه این اسناد طی کمتر از ۱۰ سال گذشته ابلاغ و در کالبد اقتصاد ما دمیده شده‌اند.

در همه این اسناد راهبردی، موضوع میدان دادن به بخش خصوصی برای حضور در توسعه کسب و کارها دیده می‌شود حتی در سند اقتصادی مقاومتی که جدیدترین راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران برای توسعه پرشتاب اقتصادی محسوب می‌شود موضوع حضور بخش خصوصی در حوزه‌هایی که تاکنون جزء انحصارهای دولت بوده است نیز مجاز دانسته و حتی بر آن‌ها تاکید شده است، اشاره به مواردی همچون مشارکت بخش خصوصی در فروش نفت و گاز در این سند را باید یک اتفاق مهم در تاریخ تحولات اقتصادی ایران وصف کرد چرا که این به معنای ایجاد شرایط برای



نواختن زنگ پایان انحصار دولت در مهمترین حوزه توسعه و پیشرفت ملی ایران است.

با این وصف می‌توان گفت که در بخش تدوین و تقنین مقررات در کشور، به صورت مکرر برای حضور بخش خصوصی مقررات ترغیب کننده ایجاد شده است پس مشکل را باید در جای دیگری جست؛ یکی از جمله موانع مهم در توسعه و رونق محیط کسب و کار بخش خصوصی در صنعت نفت کشورمان موضوع شیوه قیمت‌گذاری فرآورده‌ها و حامل‌های انرژی توسط دولت است که شاید یک نمونه بارز آن در اتفاقاتی یکی دو سال اخیر پیرامون موضوع پرحاشیه قیمت گذاری خوراک‌گازی پتروشیمی‌ها علنی شد، معضلات ساختاری در بخش مالکیت صنعت نفت که باعث بروز برخی ناهماهنگی‌ها در روند حضور و برنامه ریزی برای آینده از سوی بخش خصوصی شده است را هم باید به این مورد افزود.

این اتفاق زمانی رنگ یک معضل به خود می‌گیرد که شاهد حضور قوی سازمان‌های دولتی و شبه دولتی در فرایند خصوصی‌سازی شرکت‌های فعال در حوزه صنعت نفت هستیم؛ به تعبیری دیگر اگرچه از لحاظ قانونی به بخش خصوصی اجازه حضور و نشو و نما در این صنعت داده شده است اما همزمان پای بخش شبه دولتی یا آنچه از آن در اقتصاد ایران با عنوان خصولتی یاد می‌شود را نبسته‌ایم و به همین طریق این موجود جدید در اقتصاد ایران در بسیاری بخش‌های صنعت نفت عملاً امکان نشست بر صندلی دولت و ایفای نقشی مشابه دولت را پیدا کرده است.

به موازات، می‌دانیم که قوانین بازدارنده داخلی و مقرراتی که پای بخش خصوصی را برای تحرک در محیط کسب و کار صنعت نفت سست می‌کند همچون قانون کار و مقرراتی که با نیروی انسانی شرکت‌ها در ارتباط است هم یکی دیگر از موانع جدی توانمند شدن بخش خصوصی در صنعت نفت ایران است.

مقررات و آیین‌نامه‌های نظارتی و نحوه عملکرد دستگاه‌های نظارتی با بخش خصوصی به گونه‌ای که فعالان این بخش با پایی مردم وارد این صنعت می‌شوند و نیز ساختار نظام مالیاتی کشور را هم باید در شمار همین قوانین داخلی بازدارنده بخش خصوصی از گسترش کسب و کار در صنعت نفت وصف کرد.



حذف رانت خوران از صنعت نفت

احمد مرادی عضو کمیسیون انرژی مجلس در پاسخ به ماهنامه دنیای انرژی با اعلام آمادگی قوه مقننه برای تحقق کامل اصل ۴۴ قانون اساسی، گفت: براساس اصل ۴۴ قانون اساسی دولت موظف است خدمات لازم جهت ورود بخش خصوصی به بازار کسب و کار را ارائه کند.

وی ادامه داد: شعار واگذاری امور به بخش خصوصی و اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دولت‌ها داده می‌شود و در ظاهر تمایل به واگذاری برخی امور به بخش خصوصی وجود دارد اما متأسفانه افرادی در ساختارهای اجرایی هستند که اجازه انجام این کار را نمی‌دهند و مانع ورود بخش خصوصی در برخی صنایع از جمله صنعت نفت می‌شوند. وی با بیان اینکه کشور تا صادرات محصولات نهایی در صنعت نفت و پتروشیمی راه زیادی دارد، اظهار داشت: نمایندگان مجلس به طور شفاف در برنامه ششم توسعه برای استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و سرمایه گذاری تاکید کرده‌اند و باید از تمامی ظرفیت‌های صنعت نفت و پتروشیمی با استفاده از توان بخش خصوصی استفاده شود.

عضو کمیسیون انرژی مجلس، خاطر نشان ساخت: هنوز اصلی‌ترین کانون نگاه اقتصادی کشور به نفت است در صورتی که کشور قابلیت‌های خوبی در بخش‌های دیگر دارد که باید از آن بهره کافی برده شود.

مرادی با بیان اینکه کشور به جذب سرمایه نیاز دارد عنوان کرد: باید از سیاست انبساطی به جای سیاست انقباضی استفاده شود و برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد تا تسهیل کننده کارها باشد. قطعاً دید منفی به سرمایه گذار باید برداشته شود که در این راستا مجلس همه نوع همکاری را برای بهتر شدن اقتصاد و توسعه صنعتی کشور انجام می‌دهد. وی در پاسخ به این سؤال که چه راهکاری برای استفاده از توان بخش خصوصی در حوزه انرژی پیشنهاد می‌کنید؟ گفت: اصل ۴۴ قانون اساسی به صراحت بر لزوم واگذاری برخی امور به بخش خصوصی اشاره و تاکید داشته است و باید از سوی دولت‌ها اجرایی می‌شد اما متأسفانه این مهم صورت نگرفته است. در حال حاضر نیز دولت باید با مطالعه جامع و کارشناسی کارگروهی که در این زمینه تشکیل شده است را فعال کرده و زمینه اجرای کامل این قانون را فراهم کند.

مرادی در ادامه افزود: آنچه که در حوزه انرژی باید بدان توجه داشت این است که نفت به عنوان یک سرمایه ملی به طور کامل در انحصار دولت قرار دارد و این خوب نیست. اگر می‌خواهیم اقتصاد انرژی را همانند سایر کشورها توسعه دهیم باید بخش انرژی را از انحصار دولت خارج و به

بخش خصوصی واگذار کرده تا با تولید فرآورده‌های نفتی، بخشی از آن را در داخل و مازاد آن را صادر کنیم. عضو کمیسیون انرژی مجلس با ابراز امیدواری از نگاه دولت دوازدهم به حضور گسترده بخش خصوصی در عرضه صنعت نفت، گفت: راه خروج صنعت نفت از بین بست مشکلات و تنگناها و اجرای قراردادهای نفتی که در چند سال اخیر منعقد شده است اعتماد به بخش خصوصی و حمایت از این بخش است.

وی تاکید کرد: به طور یقین با حضور پیرنگ بخش خصوصی در حوزه انرژی جلوی بسیاری از رانت‌ها را که در این صنعت همواره به وجود آمده و شاهد آن بوده‌ایم و صدمات بسیاری به اقتصاد کشور وارد کرده است را خواهد گرفت و تاثیر بسیار مثبتی در توسعه اقتصاد انرژی کشور و منطقه خواهد داشت.



ضرورت میدان دادن به بخش خصوصی

حمیدرضا فولادگر رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس نیز در گفت و گو با دنیای انرژی گفت: اعتقاد دولت و مجلس بر حمایت از بخش خصوصی است و مجلس نیز امر نظارت بر اجرای قوانین حمایت کننده از بخش خصوصی را دنبال می‌کند.

وی با بیان اینکه یکی از تکالیف اصل ۴۴ قانون اساسی توانمندسازی بخش خصوصی است، افزود: یکی از بحث‌های که همواره وزارت نفت برای استفاده نکرده از بخش خصوصی در پروژه‌های نفتی بدان تاکید می‌کند نبود بخش خصوصی قوی و توانمند است که معتقد است نمی‌توان پروژه‌های بزرگ را به این بخش واگذار کرد و مجبور به جایگزینی سرمایه گذار خارجی است.



یکی از موانع مهم در توسعه و رونق محیط کسب و کار بخش خصوصی در صنعت نفت کشورمان موضوع شیوه قیمت گذاری فرآورده‌ها و حامل‌های انرژی توسط دولت است

فولادگر ادامه داد: حاکمیت که متشکل از دولت و مجلس است برای توانمند سازی بخش خصوصی باید از شرکت‌های بزرگ حمایت کرده و شرکت‌های کوچک نیز در یکدیگر ادغام شوند و یک شرکت بزرگ را تشکیل دهند و برندسازی کنند تا فضای کسب و کار بهبود یابد.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تاکید کرد: موضوع دیگر دیدگاه خود مسئولان وزارت نفت است که باید به بخش خصوصی میدان دهند تا در این صنعت حضور پررنگ‌تری داشته باشند. باید با اعتماد و حمایت از بخش خصوصی از ظرفیت این بخش در تولید محصولات و تجهیزات مورد نیاز داخل استفاده کرد.

رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس اظهار داشت: در پروژه‌های پیمانکاری نیز باید از توان بخش خصوصی استفاده شود. با توجه به اینکه سال‌هاست که کشور تجربه کارهای نفتی دارد و در این زمینه موفقیت‌هایی نیز داشته است، باید بیشتر به آنها میدان داده شود.

فولادگر با بیان اینکه تکالیف اصل ۴۴ قانون اساسی فقط درباره واگذاری‌ها نیست و مهم‌تر از این موضوع، ایجاد زمینه حضور بخش خصوصی واقعی در زمینه اقتصاد و کاهش تصدی‌گری دولت است، گفت: آنچه که روح این سیاست‌ها و قانون اصل ۴۴ است، کاهش تصدی‌گری دولت و تغییر آن از مداخله به نظارت، برنامه‌ریزی و هدایت و دیگری توانمندسازی بخش خصوصی و ایجاد زمینه حضور آن در اقتصاد کشور است.



بخش خصوصی رانت نمی‌خواهد، حمایت می‌خواهد

اسدالله قره‌خانی سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس نیز در گفت‌وگوی اختصاصی‌اش با ماهنامه دنیای



**راه خروج
صنعت نفت
از بن بست
مشکلات و
تنگناها و اجرای
قرار دادهای
نفتی که در
چند سال اخیر
منعقد شده
است اعتماد به
بخش خصوصی
و حمایت از این
بخش است**

انرژی با تاکید بر حمایت مجلس و دولت از بخش خصوصی، گفت: دولت‌ها نباید بخش خصوصی را رقیب خود بدانند چرا که در صورتی که بخش خصوصی در کنار بخش دولتی قرار گیرد به طور یقین انتقال دانش فنی و فناوری ممکن شده و هزینه‌ای که در ارتباط با تأمین نقدینگی برای واحدهای تولیدی ایجاد می‌شود، کاهش خواهد یافت.

وی با اشاره به حضور متخصصین در بخش خصوصی، افزود: بخش قابل توجهی از متخصصان حوزه نفت، گاز و پتروشیمی از سوی بخش خصوصی جذب شده که این خود نشان از توانمندی این بخش است؛ که در صورت حمایت‌های لازم به طور یقین در آینده می‌توان به توسعه اقتصاد انرژی در کشور امیدوار بود.

قره خانی با تاکید بر اینکه نمایندگان مجلس و به خصوص اعضای کمیسیون انرژی مدافع بخش خصوصی هستند، تصریح کرد: بخش خصوصی هیچ زمانی به دنبال ایجاد انحصار و رانت نبوده و نیست. اگر از این بخش به درستی حمایت شود شاهد یک انحصار مثبت آن هم از نوع کیفیت، رضایت مستری و رقابت سالم خواهیم بود.



دولت و وزارت نفت به توانمندی بخش خصوصی اعتماد کنند

علی اکبر کریمی رئیس فراکسیون توسعه صادرات مجلس نیز در گفت‌وگو با ماهنامه دنیای انرژی با تاکید اینکه مجلس خواهان کمک و حمایت از بخش خصوصی و تولید داخل بوده و در این راستا از هیچ کمکی فروگذار نخواهد کرد، گفت: واقعیت حاکم بر اقتصاد ایران و شرایط کنونی نشان می‌دهد که صادرات نسخه شفاف‌بخش برای وضعیت کنونی کشور است و این مهم می‌تواند با حمایت از بخش خصوصی انجام گیرد.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به اینکه متأسفانه رویکرد تعاملات تجاری کشور همواره بر مبنای واردات بوده است، افزود: با توجه به توانمندی بالایی که در بخش خصوصی وجود دارد این بخش با حضور در پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی می‌تواند نه تنها نیاز داخلی را تأمین کند بلکه زمینه صادرات محصولات تولیدی در حوزه فراورده‌های نفتی را فراهم کند.

وی ادامه داد: حضور بخش خصوصی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی می‌تواند در توسعه اقتصاد انرژی تأثیر بسزایی داشته و باید رویکرد حمایت از این بخش در دولت و مسئولان حوزه انرژی حاکم شود.

کریمی در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود اینکه اجازه حضور بخش خصوصی به حوزه انرژی داده شده است اما شاهد این هستیم که وزارت نفت و دولت از پتانسیل فعالان اقتصادی استفاده نمی‌کنند و حضور آن‌ها در این

صنعت کم‌رنگ است؟ گفت: فهرستی که وزارت نفت از شرکت‌های مجاز برای برگزاری مناقصات در اختیار دارد برخی از شرکت‌های خصوصی حضور دارد و با توجه به اینکه صنعت نفت، صنعتی استراتژیک محسوب می‌شود استانداردهای بسیار سخت و پیچیده‌ای بر آن حاکم است. وزارت نفت با حساسیت و دقت بیشتر شرکتی را در این لیست قرار می‌دهد. رئیس فراکسیون صادرات مجلس افزود: اما باید به این نکته تاکید کرد که بخش خصوصی توان این را دارد که بازوی توانمند دولت در دستیابی به جایگاه اول فناوری نفت و گاز در منطقه باشد. ظرفیت‌های پالایشی را به منظور ایجاد ارزش افزوده بیشتر از منابع هیدروکربوری افزایش و تولید مواد و کالاهای پتروشیمی را توسعه دهد، فقط باید کمی بیشتر به توانمندی این بخش از سوی دولت و وزارت نفت اعتماد شود.



سخن آخر

با تمام این تفاسیر باید به این نکته اشاره کرد که هرگاه در دوره‌ای شاهد رونق درآمدهای نفتی بودیم، در تصمیمات کلان اقتصادی بخش خصوصی نادیده گرفته شده اما در زمان بحران اقتصادی، چرخش به سوی بخش خصوصی ایجاد شد. مصادیق عینی نشان می‌دهد که دولت به بخش خصوصی چندان اعتماد ندارد. وقتی درآمدهای نفتی بالا است، بخش خصوصی جایگاهی ندارد اما وقتی درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، بخش خصوصی عزیز می‌شود. عدم اعتقاد واقعی به بخش خصوصی، ریشه همه مشکلات اقتصادی کشور بوده و هست. ایجاد اعتماد به بخش خصوصی واقعی به ویژه بخش‌های مولد شاید تنها راه حل خروج از وضعیت فعلی است چرا که دولت قادر نیست بدون کمک بخش خصوصی بر مشکلات فائق آید.



وداع روسیه و چین با دلارهای نفتی

نویسنده
ترجمه شده در گروه بین الملل
ویلیام آنگداهل | ماهنامه دنیای انرژی





سیستم پولی بین المللی برتون وودز که در سال ۱۹۴۴ میلادی وضع گردید، از عوامل تاثیرگذار بر صلح و توسعه جهانی بوده است؛ و اینک چین با پشتیبانی روسیه به عنوان دو کشور قرار گرفته در منطقه اوراسیا، گام‌های بلندی برای ایجاد یک جایگزین کلیدی برای سلطه دلار بر تجارت و تأمین مالی دنیا برداشته است.

مدیران وال استریت و رهبران واشنگتن از این اقدامات ناراحت هستند، اما آن‌ها نمی‌توانند کاری انجام دهند. کمی پیش از پایان جنگ جهانی دوم، دولت ایالات متحده با مشورت بانک‌های بین المللی وال استریت، یک سیستم مالی جدید ایجاد کرد که به اشتباه، استاندارد جدید طلا نامیده می‌شود. در واقع، این سیستم جدید یک استاندارد دلار بود که هر یک از اعضای صندوق بین المللی پول، ارزش واحد پول خود را براساس دلار تثبیت کرده‌اند. بدین ترتیب، ارزش دلار ایالات متحده در مقایسه با طلا و برابر یک سی و پنجم یک اونس طلا تثبیت شد. واشنگتن و وال استریت در شرایطی توانستند این کار را انجام دهند که فدرال رزرو پس از جنگ جهانی دوم، دارای ۷۵ درصد کل طلای دنیا بود. برتون وودز دلار را به ارز خزانه بانک‌های مرکزی کشورهای دنیا تبدیل کرد.

بعدها در دهه ۱۹۶۰ میلادی و پس از اوج گرفتن هزینه‌های جنگ ویتنام، ضعف‌های این سیستم مشخص شد. دولت‌های اروپای غربی و ژاپنی‌ها نیز برای بازسازی اقتصاد کشورهایشان به میلیاردها دلار نیاز داشتند. ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها با تولید کالاهای باکیفیت‌تر، به رهبران بازار فولاد و خودرو و بسیاری از کالاهای خانگی تبدیل شدند.

واشنگتن در آن سال‌ها ارزش دلار در برابر طلا را کاهش زیادی داد تا عدم توازن موجود در دنیای تجارت را جبران کند.

با این اقدام، درآمدهای صادراتی آمریکایی‌ها رشد چشمگیری کرد و عدم توازن به وجود آمده پایان یافت. همچنین این اقدام دستاوردهای بزرگی برای اقتصاد ایالات متحده به همراه آورد. اما بانک‌های وال استریت با ضررهای هنگفتی روبرو شدند. کمی بعد، دولت‌های جانشین و نیکسون دلارهای زیادی چاپ کردند و تورم را به دنیا صادر کردند.

اما با اقدام بانک‌های مرکزی چند کشور به ویژه آلمان و فرانسه برای تبدیل دلار به طلا براساس پیمان برتون وودز و قیمت ۳۵ دلاری هر

اونس طلا، نیکسون وادار شد تا این پیمان را لغو کند. از سال ۱۹۷۳ میلادی، دلار فاقد پشتوانه طلا بود و با آغاز بحران نفت در آن سال، شاهد رشد ۴۰۰ درصدی قیمت دلاری نفت بودیم. اتفاقی که هنری کیسینجر از آن با عنوان دلارهای نفتی یاد نمود. دنیا برای اقتصاد خود به نفت نیازمند است. فراموش نکنید که در سال ۱۹۷۵ میلادی، واشنگتن قراردادی با دولت‌های عربی امضا کرد که براساس آن اعضای عرب اوپک حتی یک بشکه نفت خود را با ارزی غیر از دلار به فروش نخواهند رساند. با این اقدام، ارزش دلار در برابر فرانک آلمان و ین ژاپن بسیار بالاتر رفت. بانک‌های وال استریت از دلارهای نفتی آکنده شد. بدین ترتیب کازینوی دلار رونق گرفت و بقیه دنیا در برابر این تصمیم وادار به تسلیم شد. این دلارهای نفتی، بعدها نقش مهمی در ایجاد بحران بدهی‌های کشورهای جهان سوم ایفا کرد. امروزه دلار به یک پدیده عجیب تبدیل شده که باور آن دشوار است. ایالات متحده نیز از سال ۱۹۷۱ میلادی تاکنون از یک کشور صنعتی پیشرو به یک کازینوی بدهکار بزرگ تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر، درآمد واقعی خانواده‌های آمریکایی کاهش یافته است؛ و آنان وادار به قرض گرفتن هستند. بدهی‌های دولت فدرال از مرز ۲۰ تریلیون دلار عبور کرده و به دلیل عدم امکان مدیریت آن، این عدد هولناک همچنان در حال افزایش است. تنها عامل حفظ دلار در برابر فروپاشی، ارتش ایالات متحده و حضور مؤسسات آمریکایی در سراسر جهان است. کشورهای دارای مازاد تجاری نظیر ژاپن، چین و روسیه با تبدیل درآمدهای مازاد خود به دلار، از عوامل پابرجایی اقتصاد محور آمریکا که بخش اعظم فعالیت‌های تولیدی خود را برون‌سپاری کرده، هستند. در سال‌های اخیر، آمریکا به یک چاپخانه بزرگ دلار تبدیل شده که پشتوانه‌ای جز هواپیماهای اف-۱۶ و تانک‌های آبرامز ندارد. در حقیقت، رهبران چین و روسیه و سایر خریداران اوراق قرضه دلاری، تأمین مالی جنگ‌های واشنگتن در برابر منافع آنها را با خرید بدهی‌های ایالات متحده بر عهده گرفته‌اند. هرچند آنها گزینه‌های اندکی دارند.

ظهور گزینه‌های جدید

رهبران مسکو و پکن در سال‌های اخیر در اندیشه ایجاد یک واحد جدید پولی بین المللی هستند که از پشتوانه طلا برخوردار بوده و هژمونی نا‌عادلانه دلار را در دنیای امروز پایان دهد. از سال‌ها پیش، بانک مرکزی دو کشور روسیه و چین، مقادیر زیادی طلا خریداری کرده‌اند. تا ماه‌های اخیر، هیچکس علت این اقدام را نمی‌دانست؛ اما با تحریم‌های اخیر واشنگتن، اندک اندک دلیل این راهبرد مسکو و پکن مشخص شده است. این دو کشور در کنار متحدان خود در بریکس (شامل هند، برزیل و آفریقای جنوبی) و کشورهای منطقه اوراسیا و سازمان همکاری‌های شانگهای، در حال تکمیل ایجاد یک گزینه جایگزین پولی به جای دلار هستند. این کشورها در کنار پاکستان از مجموع جمعیت ۳ میلیارد نفر برخوردارند که برابر با ۴۲ درصد جمعیت دنیا است. بدین ترتیب اتحاد برنامه ریزی شده و صلح جویانه اقتصادی و سیاسی آن‌ها می‌تواند نتایج چشمگیری به ارمغان آورد. اعضای ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای (شامل افغانستان، بلاروس، ایران و مغولستان) تقاضای عضویت دائم در این سازمان را ارائه کرده‌اند. با نگاهی به نقشه دنیا می‌توان ظرفیت چشمگیر این سازمان در حال توسعه را مشاهده کرد. دولت ترکیه به همراه سریلانکا، ارمنستان، آذربایجان، کامبوج و نپال، دولت‌های دیگری هستند که در حال بررسی منافع عضویت در این سازمان همکاری‌های منطقه‌ای هستند.



چینی‌ها در حال طراحی یک قرارداد آتی دادوستد نفت خام براساس یوان هستند که قابل تبدیل به طلا است. قلب تپنده اقتصاد دنیا از لندن و نیویورک در حال حرکت به سوی شهر جذاب شانگهای است

جاده ابریشمی با پشتوانه طلا

از سال پیش، مخزن‌های فکری و دولتمردان ایالات متحده با بدبینی به آینده سازمان همکاری‌های شانگهای و سازمان‌های مشابه نگاه می‌کردند. بر خلاف بریکس که فاقد انسجام و پیوستگی جغرافیایی میان اعضا است، سازمان شانگهای یک گروه سازمان یافته از دولت‌های منطقه اوراسیا است.

پس از اعلام خبر ایجاد راه ابریشم جدید توسط رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۱۳ میلادی و با عنوان یک جاده -یک کمربند-، تعداد اندکی در غرب این طرح بلندپروازانه را جدی گرفتند. اما پس از گذشت چهار سال، بسیاری از دولت‌ها با ابعاد مختلف این پروژه چند تریلیون دلاری سرزمین ازدهای زرد آشنا شده و به دنبال مشارکت در اجرای آن هستند.

دیپلماسی اقتصادی دولت چین در کنار روسیه و سایر دولت‌های منطقه اوراسیا به دنبال تحقق اجرای زیرساخت‌های مورد نیاز نظیر شبکه راه آهن پرسرعت، بزرگراه، بندر و شبکه انرژی در مسیر جاده ابریشم نوین است. با شرایط کنونی تا ۱۰ سال آینده این جاده راه اندازی خواهد



شد.

بدین ترتیب پیشی گرفتن اقتصاد کشورهای اوراسیا از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی درگیر رکود و بدهی‌های هنگفت، چندان دور از انتظار نیست.

این کشورها درصدد ایجاد یک سیستم تجارت بدون دلار هستند که در برابر تحریم‌های خزانه داری آمریکا و سیاست‌های محدودکننده مالی کاخ سفید در سایه وابستگی به دلار، مصون خواهد بود.

رئیس‌جمهور چین در ۵ سپتامبر سال جاری در نشست بریکس از همراهی کشورش با سیاست جدید روسیه در جهت مقابله با ساختار مالی و اقتصادی ناعادلانه دنیای امروز خبر داده است. آن‌ها معتقدند در این سیستم مالی، کشورهای در حال توسعه با موانع مختلفی برای توسعه روبرو هستند.

عصر اصلاحات در سیستم مالی دنیا آغاز گردیده و رهبران سلطه جوی بانک‌های مرکزی چند کشور غربی باید با انحصار یک جانبه کنونی خود وداع گویند. دنیا در مسیر دستیابی به اقتصادی آزاد حرکت خود را آغاز کرده است.



**امپریالیسم دلار
در آستانه مرگی
در دناک قرار
گرفته، هر چند
دولتمردان
ترامپ تلاش
می کنند این
فاجعه را نادیده
بگیرند، اما
جایگزین‌های
دلار، رویکردی
صلح طلبانه و
سازنده دارند**

❏ یوان‌های نفتی در راه است

در گزارش نشریه نیکی ایشین رویو ژاپن اعلام گردیده چینی‌ها در حال طراحی یک قرارداد آتی دادوستد نفت خام براساس یوان هستند که قابل تبدیل به طلا است. این راهبرد در کنار اتفاقات دو سال اخیر نشان می‌دهد قلب تپنده اقتصاد دنیا از لندن و نیویورک در حال حرکت به سوی شهر جذاب شانگهای است.

چین بزرگترین واردکننده نفت دنیا بوده و همچنان بازپرداخت بخش اعظم بهای نفت وارداتی با دلار انجام می‌گردد. در صورت استقبال از قراردادهای آتی نفتی یوان، تجارت نفت در آسیا و اقیانوسیه براساس این ارز انجام خواهد شد. این شرایط جدید، زنگ خطری برای دو شاخص نفتی تحت سلطه وال استریت یعنی شاخص‌های برنت و وست تگزاس اینترمدییت خواهد بود. این شاخص‌ها تاکنون منافع مالی هنگفت و درعین حال پنهانی را برای وال استریت به ارمغان آورده‌اند.

دادوستد آتی نفت با ارز یوان در شانگهای، منافع روس‌ها را نیز تأمین خواهد کرد.

امکان تبدیل ارز به طلا نیز بر جذابیت‌های این شاخص افزوده است. لذا این شاخص را باید عامل تغییر دهنده توازن ژئوپلیتیک قدرت از دنیای آتلانتیک به اوراسیا به شمار آورد.

در آوریل سال ۲۰۱۶ میلادی، چین به مرکز مبادله طلای فیزیکی در دنیا تبدیل شد. چینی‌ها بزرگترین تولیدکننده طلا در دنیا بوده و تولید طلایی بسیار بیشتر از روسیه و آفریقای جنوبی به عنوان دو عضو بریکس دارند.

خزانه عظیم طلای چین در منطقه آزاد تجاری کیانهای و در نزدیکی شنژن و شمال هنگ کنگ قرار دارد. ساخت مرکز

مبادله و تجارت طلا نیز در این منطقه پایان یافته است. استفاده از تجارب هنگ کنگ در تجارت طلا نیز در دستور کار یکن قرار دارد.

اقدام چین در ایجاد سامانه خرید آتی نفت با یوان دارای پشتوانه طلا، تغییری بزرگ برای اعضای کلیدی اوپک محسوب می‌شود. تجربه رویارویی قطر با عربستان و هم‌پیمانانش پس از سفر ترامپ به ریاض نشان داد استفاده از دلار گران، ریسک‌های ژئوپلیتیکی دارا است.

چندی پیش، شرکت روسنفت روسیه اعلام کرد شرکت چینی سی‌ای اف سی، ۱۴ درصد سهام این شرکت را از قطری‌ها خریداری کرده است. این اقدام را نیز باید در چارچوب راهبردهای جدید تجاری رهبران پکن ارزیابی کرد.

امپریالیسم دلار در آستانه مرگی در دناک قرار گرفته، هر چند دولتمردان ترامپ تلاش می‌کنند این فاجعه را نادیده بگیرند. جایگزین‌های دلار، رویکردی صلح طلبانه و سازنده دارند. امکان حضور آمریکایی‌ها نیز در این بازار فراهم شده است. هر چند در آینده نزدیک، شاهد اتفاقات جذاب‌تری در این بازار کلیدی خواهیم بود.

دنیای انرژی پیامدهای خروج آمریکا از توافقنامه پاریس را بررسی می کند

آمریکا منزوی می شود؟

دونالد ترامپ برخلاف آن شاخ و شانه کشیدن های اول کار، صراحتاً از برجام خارج نشد و هر بار برای اعمال فشارهای بیشتر، توپ را در زمین کنگره انداخته است. او امداد مورد توافق اقلیمی پاریس با قاطعیت بیشتری عمل کرد. او همچنان با برجام که به تعبیر او یک «فاجعه» است مدارا می کند اما از توافق پاریس خارج شد زیرا آن را «معامله بد» می داند. او به یک معامله خوب نیاز دارد تا اشتغال بیشتری ایجاد کرده و رأی اکثرال «کمر بند زنگ زده» (منطقه ای که از نیویورک آغاز می شود و از غرب تا پنسیلوانیا، ویرجینیای غربی، اوهایو، ایندیانا و میشیگان ادامه پیدا می کند و در جنوب و اسکونسین به پایان می رسد) را پاس بدارد.

انتقال مراکز صنعتی و کارخانجات به سمت غرب، افزایش اتوماسیون در کارخانجات، سقوط صنعت فولاد و استیل آمریکا، پیمان های تجارت آزاد همچون نفتا (پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی) و به طور کلی افزایش بیکاری در آمریکا موجب شد که این منطقه از میانه قرن بیستم رونق اقتصادی و تجاری خود را از دست بدهد. از همین روساکنان شمال شرق آمریکا وعده وعیدهای ترامپ در راستای افزایش اشتغال و بهبود اوضاع اقتصادی را باور کرده و به او رأی دادند. حالا نوبت آقای رئیس جمهور است که پای حرف های خود ایستاده و همه تلاشش را برای افزایش اشتغال انجام دهد حتی اگر دنیا او را قاتل محیط زیست بداند.

توافقتنامه پاریس چیست؟

«توافقتنامه اقلیمی پاریس» در جریان بیست و یکمین کنفرانس تغییراتی اقلیمی سازمان ملل در فرانسه به امضای ۱۹۵ کشور دنیا قرار گرفت. قراردادی در چارچوب پیمان نامه سازمان ملل در زمینه تغییرات اقلیمی (UNFCCC) که قرار است از سال ۲۰۲۰ به حل مسائل مرتبط با تعدیل، تأمین بودجه و سازگاری با بحران انتشار گازهای گلخانه‌ای بپردازد. در بند دوم توافقنامه پاریس که از چهارم نوامبر ۲۰۱۶ اجرایی شده، هدف توافق کنندگان تشریح شده است. بر این اساس، ارتقا اجرای چارچوب سازمان ملل در زمینه تغییرات اقلیمی از طریق حفظ افزایش میانگین دمای جهانی



برخی افراد مانند ترامپ فکر می‌کنند برایشان آلودگی خاک یا مصرف آب نسل‌های آینده اهمیتی ندارد. آن‌ها همان کسانی هستند که با تخریب و فروش جنگل‌ها سیل‌ها را روانه بابل، گرگان و جاهایی کردند که هرگز سیل نمی‌آمد

پایین‌تر از دو درجه سانتیگراد بالای میانگین دوران پیش صنعتی و تلاش برای جلوگیری از افزایش ۱/۵ درجه‌ای دما نسبت به دوران پیش‌صنعتی به منظور کاهش خطرات و عوارض ناشی از تغییرات اقلیمی، افزایش توانایی سازگاری با عوارض شدید تغییرات اقلیمی و ایجاد مقاومت اقلیمی، شرایطی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به شیوه‌ای که روند تولید غذا دچار نقصان نشود، و منطبق‌سازی جریان اقتصادی با سازگاری در مسیر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و توسعه مقاومت اقلیمی از جمله اهداف توافقنامه پاریس است. گفتنی است، این توافقنامه به عنوان انگیزه و نیروی محرک برای حذف سرمایه‌گذاری در حوزه سوخت‌های فسیلی و اولین پیمان جامع اقلیمی در جهان به شمار می‌رود. هر کشوری که توافقنامه را به رسمیت شناخته است، درجه‌ای از مشارکت ملی را برای خود تعیین می‌کند که در بند سوم پیمان به آن اشاره شده است. این بند از کشورها خواسته تا بلندپرواز باشند، در طول زمان روند پیشرفت خود را ارائه دهند و دیدگاه خود را دستیابی به هدف پیمان قرار دهند. میزان مشارکت باید هر پنج سال یکبار به دبیران UNFCCC گزارش شود تا به ثبت برسند.

میزان مشارکت هر کشور توسط همان کشور تعیین می‌شود با این همه این مشارکت مانند یک قانون بین‌المللی الزام‌آور نیست زیرا از ویژگی‌های لازم برای ایجاد عوامل الزام‌آور برخوردار نیست. علاوه بر این هیچ مکانیزمی برای وادار کردن یک کشور برای تعیین اهداف در مشارکت ملی آنها در زمانی تعیین شده وجود ندارد و هیچ اجباری نیز برای اجرای اهداف تعیین شده در نظر گرفته نشده است. تنها یک برنامه تشویقی-تنبیهی در این پیمان گنجانده شده است. به همین خاطر این نگرانی وجود دارد که با عدم پایبندی یک کشور به پیمان، دیگر کشورها نیز از ادامه راه دلسرد شده و توافقنامه اقلیمی پاریس به تدریج دچار فروپاشی شود.

ما هم راه آمریکا را برویم؟

خروج آمریکا از توافق برجام، زمزمه‌هایی در داخل کشور برای خروج از این توافقنامه به راه انداخته و برخی تصور می‌کنند که اگر آمریکا به فکر منافع اقتصادی خود است و از قضا توافقنامه پاریس را مانع می‌بیند، پس ما چرا از منافع اقتصادی خود چشم‌پوشی کرده‌به این توافق پایبند بمانیم؟ البته کارشناسان معتقد هستند که تصمیم آمریکا صحیح نیست و در صورت پافشاری بر آن منزوی خواهد لذا هیچ نگرانی از بابت تداوم توافق پاریس وجود ندارد. فریدون مجلسی تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل یکی از این افراد است که در گفت‌وگو با «دنیای انرژی» گفت: «تصمیم ترامپ برای خروج از توافقنامه پاریس به درازا نخواهد کشید چون این توافقنامه بر مبنای تصمیم‌های یکی دو روزه تدوین نشده است».

او با تأکید بر اینکه در دنیای امروز ذغال سنگ توان رقابت با سوخت‌های دیگر به خصوص انرژی‌های تجدید پذیر را ندارد، افزود: «ترامپ آدم عمیقی نیست. کتاب دیده اما نخوانده است. او کاسبی است که به فکر بیشترین منافع اقتصادی است. قول داده بود که ایجاد اشتغال کند. شهرهایی مثل دیترویت (ایالت میشیگان) که به معادن ذغال سنگ نزدیک هستند بعد از تعطیلی معادن، صدمه دیده و کارگران بیکار شدند. حالا ترامپ می‌خواهد آن‌ها را دوباره به معدن بفرستد تا مشغول به کار شوند و در ازای آن سوخت آلوده کننده‌ای به دست آورد. این درحالی است که اکنون سوخت‌های ارزان‌تری در اختیار است و استخراج معادن ذغال سنگ دیگر سودآوری اقتصادی

چندانی ندارد».

اهداف زیست محیطی توافق پاریس موضوع بسیار مهمی است که به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت. مجلسی نیز بر همین اساس استخراج ذغال سنگ و رقابت‌های اقتصادی را یک مساله درجه سوم دانست و تأکید کرد که زبان‌های مستقیم و غیرمستقیم زیست محیطی ناشی از

کربن اهمیت بیشتری دارد. او احتمال الگو قرار گرفتن این رفتار ترامپ را رد کرد و گفت: «این رویکرد ترامپ هم‌اکنون آمریکا را در یک انزوا قرار داده است. شاهدهیم که اتحادیه اروپا بزرگترین متحد آمریکا است، به او اعتراض می‌کند. حتی حزب کارگر انگلستان که به خانم تاچر برای تعطیل کردن معادن ذغال سنگ انگلستان و بیکار شدن کارگران معترض بود نیز اکنون اقدام آمریکا برای خروج از این توافق را نمی‌پذیرد. همه این‌ها نشان می‌دهد که توافقنامه مذکور علمی و بررسی شده است و نمی‌توان با نگاه کاسبکارانه با آن برخورد کرد».

مجلسی در مخالفت‌ها با پایبندی ایران به توافق پاریس را نیز ناشی از روحیه کاسب‌کاری دانست و گفت: «افرادی که این حرف‌ها را می‌زنند همان‌هایی هستند که قالباً در حوزه‌های دیگر در سمت راست افراطی قرار دارد. این‌ها اگرچه از نظر ثروت آفرینی و دلالی استعداد خاص اما مبانی پژوهشی و علمی ضعیفی دارند و تنها به سود خود می‌اندیشند. این‌ها مانند ترامپ فکر می‌کنند و نمی‌دانند کربن و تأثیرات زیست محیطی آن چیست. نمی‌دانند سولفور چیست و چه آثاری دارد. برایشان آلودگی خاک یا مصرف آب نسل‌های آینده اهمیتی ندارد. آن‌ها همان کسانی هستند که با تخریب و فروش جنگل‌ها سیل‌ها را روانه بابل، گرگان و جاهایی کردند که هرگز سیل نمی‌آمد».

خروج از پیمان پاریس تصمیم فردی ترامپ نیست

انرژی‌های تجدید پذیر همچون انرژی خورشیدی و بادی در جهان رواج یافته و بسیاری از دولت‌ها استفاده از آن را در الویت قرار داده‌اند اما هنوز هم نمی‌توان گفت که استفاده از این نوع انرژی‌ها در همه دنیا به صرفه است و برخی کشورها همچون آمریکا به هیچ وجه حاضر نیست از منابع طبیعی عظیم خود صرف نظر کرده و سوخت فسیلی را کنار بگذارند. امیرعلی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا خروج آمریکا



حمایت شود. با این رویکرد ما چطور می‌توانیم همچون آمریکا بر پایه منافع خودمان عمل کرده و به مسائل دیگر بی‌توجه باشیم. در ضرورت تمرکز بر منافع ملی شکی نیست ولی همه ما روی یک کره خاکی زندگی می‌کنیم که در گام نخست باید به فکر منافع آن باشیم. آمریکا به عنوان کشوری که بیشترین آلاینده‌ها را تولید می‌کند باید از حامیان توافق پاریس باشد و دولت قبل نیز در این کشور بر همین اساس رفتار معقولانه‌تری داشت. او با تأکید بر اینکه هر روز شاید اضمحلال شرایط آب و هوایی دنیا، آب شدن یخ‌ها و گرم شدن زمین هستیم، گفت: «ما در ایران نباید حرف از خروج از توافق بنیم زیرا به این توافق نیاز داریم. محیط زیست ما تحت تأثیر آلاینده‌ها روبه نابودی می‌رود و تا کنون نیز سیاست‌های صحیحی در این عرصه نداشته‌ایم. الویت نخست در کشور ما باید حفظ محیط زیست باشد و بعد از آن به فکر منافع اقتصادی باشیم».



جریان قدرتمندی در جهان با اینگونه توافق‌ها مخالف است یا این استدلال که چنین توافقاتی نمی‌تواند در روند جلوگیری از کاهش گرمای زمین مؤثر باشد. به اعتقاد این گروه افزایش دمای زمین خارج از کنترل بشر است

اصرار داشته باشند اما می‌دانیم که ایرانی‌ها هیچان زده‌تر تصمیم می‌گیرند. به همین خاطر وقتی آمریکا به خاطر منافع اقتصادی خود از چنین پیمانی جدا می‌شود، مخالفان داخلی نیز به تکاپو می‌افتد که چرا ما نباید به فکر منافع خود باشیم. برای مثال علیرضا بازارگان عضو هیات علمی گروه محیط زیست دانشکده عمران دانشگاه خواجه نصیر خطاب به مسئولان دولتی گفته بود «با توجه به شرایط موجود و خروج آمریکا از این توافق نامه آیا صلاح است ما زیر بار چنین تعهدات سنگینی برویم و به اقتصاد کشور خود ضربه وارد کنیم؟ در حالیکه کشور آمریکا که بیشترین میزان تولید گازهای گلخانه‌ای را دارد از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کرده است». ابوالفضل ظهروند کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل که از دیگر مخالفان حضور ایران در معاهده پاریس است نیز گفته بود: «توافق نامه پاریس مانند سند ۲۰۳۰ ما را به سمتی می‌برد که غربی‌ها اراده کرده‌اند ... توافق پاریس مانند NPT است که ما به تکالیف ملزم می‌شویم اما از مزیت‌های آن بهره‌مند نمی‌شویم». گفتنی است گروه دیگر از کارشناسان داخلی با جدیت از حضور در توافقنامه پاریس دفاع می‌کنند و معتقد هستند که علاوه بر منافع ملی باید منافع کره زمین را در نظر داشت. محمد حقانی رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران پیش‌تر در گفت‌وگویی با هفته نامه «سرزمین انرژی» گفته است: «راهربد اصلی و کلی در جمهوری اسلامی ایران این است که علاوه بر منافع ملی از منافع مستضعفان جهان نیز

از توافق نامه پاریس را ناشی از تصمیم فردی دونالد ترامپ نمی‌دانند و معتقد است که جریان محافظه کار در این کشور مخالف پایبندی به این پیمان است. او در گفت‌وگو با «دنیای انرژی» در مورد استدلال مخالفان پایبندی به توافق پاریس گفت: «این تفکر مختص به آمریکا نیست و به طور کلی جریان قدرتمندی در جهان با اینگونه توافق‌ها مخالف است با این استدلال که چنین توافقاتی نمی‌تواند در روند جلوگیری از کاهش گرمای زمین مؤثر باشد. به اعتقاد این گروه افزایش دمای زمین بیشتر تحت تأثیر مسایلی مثل سیر تکامل زمین، مسائل جوی و به طور کلی موضوعات خارج از کنترل بشر است. برخی از مخالفان نیز بر این باورند که حتی اگر انسان در موضوع ممانعت از افزایش گرمای زمین مؤثر باشد، این توافقات خیلی ثمربخش نیست و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن بیش از آن منافع زیست محیطی آن است لذا ارزش ندارد که برای کاهش چند دهم از دمای زمین طی سالیان این همه هزینه کرد».

این تحلیل‌گر مسائل آمریکا در مورد دلایل ترامپ برای اتخاذ چنین تصمیمی گفت: «ترامپ فارغ از مسائل علمی نگاه اقتصادی دارد. او می‌داند که در صورت باقی ماندن در این پیمان باید صدها میلیارد برای رشد اقتصادی هزینه کند و این در حالی است که کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم موجب از بین رفتن فرصت‌های شغلی می‌شود زیرا اولین اقدام کارخانه‌ها بعد از افزایش هزینه‌ها تعدیل نیرو است لذا باقی ماندن در این پیمان در میان مدت موجب افزایش بیکاری خواهد شد». او همچنین گفت: «امریکا در خروج از توافقنامه پاریس تنها است و اروپا و دیگران از او تبعیت نمی‌کنند. احتمالاً دلیلش این است که آمریکا به واسطه وسعت خود به اندازه اروپایی‌ها تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار نمی‌گیرد. اگر در یک ایالت خشکسالی باشد در یک ایالت دیگر پربابی است اما خشکسالی می‌تواند کشور کوچکی مثل بلژیک را نابود کند لذا اروپایی‌ها اصرار بیشتر در پایبندی به این توافقنامه دارند و مثل ایالات متحده به منافع اقتصادی که ممکن است از دست برود، توجه نمی‌کنند».

موافقان و مخالفان پایبندی به توافق پاریس شاید اروپایی‌ها با توجه به نیاز زیست محیطی خود از ترامپ پیروی نکرده و بر اجرای توافقنامه پاریس



دنیای انرژی زوایای تأثیر سازمان همکاری‌های شانگهای را بررسی می‌کند

مقدمه‌ای برای بزرگترین دادوستد انرژی در تاریخ جهان

مجله
آرژو فرسید

دنیای انرژی





اعضا به اعضای دائم بدل شوند. از قضا این سه متقاضی نیز مثل چین و روسیه ظرفیت همکاری اقتصادی در حوزه انرژی را دارند. ایران دارای منابع گسترده نفت و گاز است و هند و پاکستان نیازمند واردات هستند.

«يك اتحاديه سرمايه داري جديد»

سازمان همکاری‌های شانگهای که بیشترین ذخایر نفت و گاز دنیا را در اختیار دارد، مسیر تبدیل شدن به يك اتحاديه جديد سرمايه داري را در پيش می‌گیرد و این قابلیت را دارد تا در دهه‌های آینده به یکی از بزرگترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شود. عضویت ایران در این مسیر نقش مهمی دارد زیرا با داشتن رتبه سوم ذخایر نفت و رتبه دوم گاز جهان در کنار روسیه، از این سازمان یک ابرقدرت در حوزه انرژی می‌سازد. با این حال اعضای دائم این سازمان طی هشت سال گذشته عضویت دائم ایران را نپذیرفته‌اند. دلیل اصلی آنها این بود که اعضای دائم نباید تحت تحریم باشند. با به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، فضا برای پذیرش کشورمان در این سازمان بین‌المللی فراهم‌تر شد، اما هنوز محقق نشده است. موضوع عضویت ایران در اجلاس سال قبل در تاشکند بررسی شد اما به نتیجه نرسید زیرا چینی‌ها با عضویت ایران مخالفت کردند. آن‌طور که خبرگزاری رویترز گزارش داده بود دلیل مخالفت چین عدم تمایل آن‌ها به افزایش جنبه «ضد غربی» این سازمان بود.

«چشم‌بادمی‌ها مانع عضویت ایران!»

چینی‌ها تنها مخالفان عضویت دائم ایران در شانگهای نیستند و برخی از کارشناسان داخلی نیز علی‌رغم اشراف به مزیت‌های اقتصادی این سازمان برای ایران، بر این باورند که بهتر است با عضویت در اجلاس مذکور خود را مقابل غرب قرار ندهیم. بهرام امیراحمدیان کارشناس مسائل آسیای میانه و قفقاز از جمله کسانی است که این‌طور فکر می‌کنند. او در گفت‌وگو با «دنیای انرژی» اهمیت ژئواکونومیک سازمان همکاری‌های شانگهای را توضیح داد و گفت: «در حال حاضر روسیه و بعد از آن، ازبکستان و قزاقستان تولیدکنندگان انرژی و دیگر اعضای این سازمان مثل چین مصرف‌کننده هستند. هند نیز به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی، در صورت عضویت دائم در سازمان شانگهای به گروه دوم خواهد پیوست؛ بنابراین در منطقه شانگهای تولیدکنندگان بزرگ و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی وجود دارند. بزرگ‌ترین مصرف‌کننده چین است که روزانه حدود ۷ میلیون بشکه انرژی دریافت می‌کند. اگرچه ازبکستان توان تأمین انرژی چندانی ندارد اما قزاقستان و روسیه در سوی دیگر قرار دارند. می‌دانیم که روسیه یک قرارداد فروش گاز بلندمدت با چین به ارزش حدود ۴۰۰ میلیارد دلار بسته است». او در مورد اهمیت پیوستن ایران به اعضای دائم سازمان همکاری‌های شانگهای نیز گفت: «در شرایط کنونی ایران پتانسیلی دارد که دیگر اعضای شانگهای از آن برخوردار نیستند. ایران می‌تواند ارتباط شانگهای را با جنوب فراهم کند. در این منطقه روسیه، آسیای مرکزی و چین برای آمدن به سمت جنوب با دشواری‌هایی مواجه هستند. چین کریدور CPEC را تعریف کرده است (کریدور اقتصادی چین و پاکستان) تا از این راه به دریای عرب برسد. ممکن است این کریدور به خاطر ناامنی‌های موجود با مشکل مواجه شود و سرمایه‌گذاری ۶ میلیارد دلاری چین که ساخت بندر گوادر

تلاش ایران برای عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای سال‌ها است که ادامه دارد و هنوز محقق نشده است. این همان سازمانی است که گمان می‌رفت يك ناتوي شرقي باشد اما در عمل به سازمانی برای تقویت همکاری‌های اقتصادی در آسیانه میانه تبدیل شد. این سازمان از سال ۲۰۰۱ تاکنون بستر همکاری‌های چندجانبه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی میان چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان بوده است و در صورت پذیرش هند، پاکستان و ایران به عنوان اعضای دائم، زمینه ساز اجرای یکی از بزرگترین پروژه‌های داد و ستد انرژی در تاریخ جهان خواهد شد.

سازمان مذکور در سال‌های اخیر علی‌رغم اهداف امنیتی اولیه یک چرخش اقتصادی داشته و اعضای آن به توسعه همکاری‌های اقتصادی به ویژه در حوزه انرژی تمایل نشان داده‌اند. چین و روسیه به عنوان دو بال اصلی این سازمان در حوزه انرژی مکمل یکدیگر هستند. روسیه از بزرگترین صادرکنندگان گاز دنیا و چین از جمله بزرگترین واردکنندگان انرژی است. اگرچه روسیه از سال‌های قبل از فروپاشی شوروی به دنبال خودنمایی در برابر غرب و آمریکا بوده و چین به دلایل استراتژیک نگران محاصره توسط آمریکا است اما هر دو کشور بیشترین منفعت را از همکاری‌های اقتصادی در این سازمان می‌برند. چین با عضویت در شانگهای علاوه بر تضمین تأمین انرژی خود، بازار بزرگی برای صادرات کالا و سرمایه یافته و روسیه شرکای خوبی برای همکاری‌های اقتصادی دارد.

با تغییر و تحولات سال‌های اخیر در فضای ژئوپلیتیک اوراسیا و مناطق پیرامونی آن سازمان همکاری‌های شانگهای بیش از پیش مهم شده است. تحولاتی همچون امنیتی شدن فضای بین‌المللی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان، حضور مستقیم ناتو و ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی، گسترش فعالیت گروه‌های افراطی و تروریستی در افغانستان و پاکستان و مسائل مربوط به انتقال و امنیت انرژی، موجب توجه روزافزون جامعه جهانی به اهداف و برنامه‌های بازیگران سازمان همکاری شانگهای شده است. از همین رو ایران، پاکستان و هند که عضو ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای هستند، تلاش می‌کنند تا با جلب نظر موافق دیگر



افزوده شدن هند و پاکستان به عنوان دو مصرف‌کننده بزرگ انرژی به سازمان شانگهای ایران را امیدوار می‌کند که پروژه خط لوله صلح اجرایی شده و ایران نقش قابل توجهی در تأمین انرژی اعضای این سازمان ایفا کند

رانیز شامل می‌شود، به خطر افتد. ایران به سبب امنیتی که از آن برخوردار است، می‌تواند آسیای مرکزی و روسیه را به دریای آزاد وصل کند. روسیه نیز با هندوستان کریدور مرکزی شمال - جنوب را تعریف کرده است. سال ۲۰۰۰ ایران، هند و روسیه توافق کردند که سالی ۲۰ میلیون تن کالا از این مسیر ترانزیت کنند اما تاکنون یک میلیون تن یا حتی صد هزار تن کالا نیز ترانزیت نشده است؛ بنابراین ایران فی‌نفسه از نظر ژئواکونومیک می‌تواند به منطقه شانگهای کمک کند. راه آهن ایران به راه آهن سراسری روسیه و چین وصل شده است. سال گذشته قطار جاده ابریشم دوازده روزه از شانگهای به تهران رسید. به این ترتیب ایران می‌تواند در سازمان همکاری‌های شانگهای نقش کلیدی داشته باشد و به این سازمان کمک کند.



شانگهای باشیم. آن‌ها باید به دنبال ما بیایند و منت بکشند چون مزیتی برای ما ندارد».

او در پاسخ به این سؤال که چرا این اتفاق نمی‌افتد و اتفاقاً چین با عضویت ایران مخالفت می‌کند، گفت: «چین کشوری ایدئولوژیکی نیست و منافع اقتصادی‌اش را دنبال می‌کند. وقتی در داخل نیروهای ما همسو نباشند و سیاست خارجی منسجمی نداشته باشیم آن‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران ترغیب نمی‌شوند. ما باید شرایط را در داخل ایران فراهم‌تر و از دولت حمایت کنیم. سرمایه‌داران در جامعه جهانی به خاطر تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های احتمالی به خاطر برنامه موشکی ایران به سمت ما نمی‌آیند. به نظر من اگر در داخل فضای سیاسی را خوب مدیریت کنیم، موقعیت‌های خوبی برای جذب سرمایه فراهم می‌شود».

به گفته امیر احمدیان «تاکید ایران برای عضویت در شانگهای اصلاً درست نیست» بلکه «باید قدر خودمان را بدانیم. زیرساخت‌ها موجود است و باید از آن استفاده کرد. شبکه راه‌های ریلی و زمینی، هوایی، امنیت ایران، بنادر جنوبی کشور همه باید به خوبی مورد استفاده قرار گیرند. به خاطر مقررات دست و پاگیر گمرک، ستاد مبارزه با مواد مخدر، قاچاق و ... است که بنادر ایران به خوبی بنادر جنوب خلیج فارس کار نمی‌کنند. اگر این‌ها را درست کنیم، ایران می‌تواند به جایگاه خود دست یابد».

سازمان همکاری‌های شانگهای به خاطر برخورداری از قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت زیاد، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح قابل توجه و حق و تو در شورایی امنیت ظرفیت اقتصادی، سیاسی و نظامی بالایی دارد و ایران تلاش می‌کند تا به عضو دائم آن تبدیل شود. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که ایران از ظرفیت‌های این سازمان در جهت مناسبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی منتفع می‌شود. بر این اساس، عضویت ایران در سازمان می‌تواند منافع و دستاوردهایی در این حوزه‌ها برای ایران دربرداشته و باعث ارتقای نقش ایران شود. افزوده شدن هند و پاکستان به عنوان دو مصرف‌کننده بزرگ انرژی ایران را امیدوار می‌کند که پروژه خط لوله صلح اجرایی شده و ایران نقش قابل توجهی در تأمین انرژی اعضای این سازمان ایفا کند.

نقش کلیدی ایران

نقش کلیدی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای همان دلیلی است که به اعتقاد کارشناسان ایرانی باید موجب پذیرش ایران در این سازمان شود. امیراحمدیان اما معتقد است که ما نیازی به عضویت دائم در این پیمان نداریم و می‌توانیم منافع خود را از طریق ارتباط مستقیم با هر یک از اعضا به دست آوریم. او با بیان اینکه «عضویت در سازمان شانگهای برای ایران خیلی ضرورت ندارد» گفت: «ایران با همه کشورهای این سازمان ارتباط دارد. ایرانی که در جنوب ۲۰۴۰ کیلومتر خط ساحلی دارد چرا باید به شانگهای بپیوندد؟ آن‌ها خودشان راه آهن سراسری دارند. چین و اروپا از طریق روسیه به هم وصل شده‌اند و با هم کار می‌کنند پس اگر ایران نباشد نیز اشکالی برایشان پیش نمی‌آید. در این



**عضویت ایران
با داشتن رتبه
سوم ذخایر
نفت و رتبه دوم
گاز جهان در
کنار روسیه،
از سازمان
همکاری‌های
شانگهای یک
ابرقدرت در
حوزه انرژی
می‌سازد**

شرایط ما باید از توانایی‌های خود سخن بگوییم مثلاً چین می‌تواند در کریدور راه آهن شرق ایران از چابهار به زاهدان و مشهد سرمایه‌گذاری کند. این را در موازات CPEC قرار دهد و اگر بند گوادر نامن شد از بندر چابهار استفاده کند». این استاد جغرافیای سیاسی در ادامه به موقعیت و توان ایران در حوزه انرژی پرداخت و گفت: «بر اساس گزارش سالانه بی‌بی‌سی ایران با توجه به اکتشافات اخیر در پارس جنوبی مقام اول گاز جهان است. چین نیز اگر آینده خودش را می‌خواهد باید روی ایران سرمایه‌گذاری کند زیرا روسیه شریک قابل اعتمادی برای آن‌ها نیست. در حالی که ایران رقیب چین نیست، بیش از بیست و پنج درصد کل تجارت ما با چین است پس شریک خوبی است؛ بنابراین آن‌ها باید به دنبال استفاده از بنادر ما باشند. ظرفیت بنادر ما در جنوب بیش از ۲۰ میلیون تن است. راه‌های امن و راه آهن خوبی داریم. اگر راه آهن قزوین به رشت و آستارا متصل شود، از یک سمت دیگر (در سال ۱۳۹۳ از طریق راه آهن اینکه برون به راه آهن ترکمنستان و قزاقستان و بعد هم راه آهن سراسری روسیه وصل شدیم) به کریدور شمال جنوب نیز وصل می‌شویم. همه این زمینه‌ها در ایران برای همکاری آماده است اما نباید اصلاً به دنبال عضویت در سازمان

مدیران بورس می گویند تا پایان سال نفت خام روی تابلوهای معاملاتی می رود

بازگشت غریبه‌ی محبوب



آفتاب داغ ظهر تابستان تهران، همه را از نفس انداخته بود، اما در گوشه‌ای از شهر قرار بود اتفاقی مهم در تاریخ تجارت ایران ثبت شود، قرار بود برای نخستین بار در تاریخ صد ساله صنعت نفت، طلای سیاه ایرانی در بورس عرضه شود، ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ همه یاران احمدی نژاد در ساختمان آن روز بورس کالای ایران در خیابان طالقانی، صد متر آن سوتر از ساختمان قدیمی وزارت نفت گرد هم جمع شده بودند تا شاهد این رویداد باشند، محمد رضا رحیمی معاون وقت اول احمدی نژاد، علی آبادی یار دیرین رئیس جمهور وقت و سرپرست آن روزهای وزارت نفت، شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد و احمد قلعه بانی مدیر عامل شرکت ملی نفت، صالح آبادی و هاشمیان مدیران سازمان بورس و بورس کالا هم با یک بغل اوراق از این سو به آن سوی سالن می‌رفتند تا مقدمات کار را فراهم کنند، زنگ رینگ برای فروش ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام سنگین ایران به صدا درآمد، ویدئو کنفرانس مستقیم به تالار بورس نفت کیش متصل بود تا خریداران احتمالاً خارجی هم بتوانند در این معامله شرکت کنند، خریدار یک دلار زیر قیمت می‌خواست، حتی علی آبادی تا مرز راضی شدن پیش رفته بود که معامله جوش بخورد اما مقاومت مدیران امور بین الملل شرکت ملی نفت ایران و گوشزد کردن اینکه رضایت به معامله زیر قیمت بازار جهانی، عواقب بدی در پی دارد باعث شد که بعد از دو ساعت تکرار عرضه معامله روی تابلو متوقف شود، این سرآغاز یکی از مهمترین سرفصل‌های ناکامی در تجارت نفت ایران است.

با شکست عرضه نفت خام، مسئولان وقت سازمان بورس و اوراق بهادار به فکر ایجاد بستر جدیدی برای عرضه نفت خام در بورس انرژی افتادند. تلاش‌ها برای ورود نفت و سایر حامل‌های انرژی به بازار سرمایه و تعیین قیمت این محصولات در بورس، اوایل سال ۱۳۹۰ شکل دیگری یافت و با تصمیم شورای عالی بورس و اوراق بهادار در خرداد سال ۱۳۹۰، بورس انرژی به عنوان چهارمین بورس کشور برای عرضه محصولات و مشتقات نفتی، برق، گاز طبیعی، زغال‌سنگ و سایر حامل‌های انرژی شکل گرفت.

در مقدم ساختار جدید بازهم شانس عرضه نفت خام محک زده شد و این بار موفق از آب درآمد. نخستین محموله نفت خام روز ۱۷ فروردین سال ۹۳ در رینگ داخلی بورس انرژی با موفقیت عرضه شد اما در نهایت این معاملات



به دلیل فقدان سازوکار تجاری مورد پذیرش دو طرف (خریداران بین المللی از یک سو و امور بین الملل شرکت ملی نفت به عنوان فروشنده) ادامه نیافت، اکنون و پس از گذشت قریب به پنج سال از آغاز اولین فعالیت‌های مرتبط با بورس نفت، هنوز نفت خام به صورت یک آیتم ثابت در تابلوهای بورس وجود ندارد و به همین دلیل بورسی‌ها به آمدن نفت خام روی تابلو به مثابه بازگشت یک غریبه می‌نگرند، غریبه‌ای که برای اقتصاد تجاری ایران بسیار محبوب و دوست داشتنی است و ماندنش می‌تواند برکت‌های زیادی به همراه داشته باشد. با این حال این اتفاق زمینه شکل‌گیری مجموعه‌ای از تابلوهای عرضه فراورده‌های نفتی شد، فراورده‌های اصلی که شرکت ملی نفت عرضه می‌کند، از جمله نفت کوره، گازوئیل و میعانات گازی. عرضه‌های این محصولات در بورس انرژی تداوم یافت.

بهتر است نفتی‌ها در قیمت بازنگری کنند

با این حال از همان ابتدا انتظار می‌فت شرکت ملی نفت در زمینه قیمت پایه فروش این فراورده‌ها بازنگری جامعی داشته باشد، تا عرضه این محصولات منجر به معامله در تابلوی معاملات شود و به تبع آن خریداران خارجی بطور مستقیم در بورس جذب شوند.

حالا و بعد از تجربه‌های مختلف در حوزه تجارت فراورده‌های نفتی، مدیرعامل بورس انرژی با تأکید بر لزوم بازنگری در قیمت پایه فراورده‌های نفتی برای موفقیت در انجام معاملات می‌گوید: با تلاش جمعی دستگاه‌ها برای عرضه نفت خام در بورس انرژی شاهد اولین عرضه نفت خام صادراتی طی سال جاری خواهیم بود.

مدیرعامل بورس انرژی ایران گفت: تا پایان شهریور ماه امسال جمع ارزش معاملات بازار فیزیکی بورس انرژی به مبلغ ۱۶ هزار و ۲۲۵ میلیارد ریال رسید که نسبت به دوره مشابه سال قبل رشد ۱۲۲ درصدی را نشان می‌دهد.

سید علی حسینی با بیان اینکه رینگ بین الملل فراورده‌های هیدروکربوری بورس انرژی در نیمه اول امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل رشد ۷۳ درصدی در ارزش معاملات را تجربه کرده، افزود: در بازار فیزیکی این بورس نیز بیشترین رشد به رینگ داخلی فراورده‌های هیدروکربوری بورس انرژی تعلق دارد که رشد ۱۶۰ درصدی ارزش معاملات را نسبت به

دوره مشابه سال قبل نشان می‌دهد. به گفته وی دلیل رشد حجم و ارزش معاملات فراورده‌های هیدروکربوری در رینگ بین‌الملل و داخلی بورس انرژی استفاده بهینه شرکت‌های پالایشی و تولید کنندگان غیر دولتی از ظرفیت بورس برای استفاده از مزایای رقابت در این بازار است.

حسینی افزود: این رقابت باعث شده فراورده‌ها و محصولات عرضه شده در بورس انرژی با قیمت‌های تعادلی معامله شود، در عین حال مبنای نرخ آزاد ارز در معاملات بین‌المللی بورس انرژی باعث شده تا منافع بیشتری برای عرضه کنندگان در این بازار وجود داشته باشد. همچنین با افزایش حجم عرضه محصولات، خریداران نیز که مصرف کنندگان واقعی بازار هستند، در جریان معاملات بورس انرژی به منافع خود از جمله دسترسی آسان و به موقع به خوراک و مواد اولیه دست می‌یابند. حسینی با مرجع دانستن قیمت محصولات و فراورده‌های نفتی بورس انرژی در منطقه غرب آسیا، گفت: در سطح منطقه بورس انرژی ایران تنها بازاری است که طیف وسیعی از فراورده‌های پالایشی در آن عرضه می‌شوند و از این رو می‌توان از آن به عنوان مرجع قیمتی فراورده‌های ویژه پالایشی در بازارهای منطقه یاد کرد. این مقام مسئول در ادامه با اشاره به معاملات برق طی ۶ ماه نخست امسال، عنوان کرد: بازار برق بورس انرژی ایران با ثبت ارزش یک هزار و ۶۰۳ میلیارد ریال در نیمه اول امسال، شاهد رشد ۱۰ درصدی در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته بود. همچنین در بخش معاملات سلف موازی استاندارد با سررسید یک سال و بیشتر، با معامله بیش از یک میلیون و ۸۷۴ هزار قرارداد به ارزش چهار هزار و ۴۹۴ میلیارد ریال در شش ماهه نخست سال، معاملات ثانویه این اوراق با رشد ۶۹ درصد از نظر ارزش معاملات و ۲۶۷ درصد از نظر تعداد قراردادها نسبت به شش ماهه نخست سال ۹۵ همراه بود. وی با ابراز امیدواری نسبت به ثبت رکوردهای جدید در بازار برق بورس انرژی هم‌زمان با تداوم روند تأمین منابع مالی شرکت‌های توزیع برق به جزییات تلاش‌ها برای عرضه نفت خام در این بورس اشاره کرد و افزود: فرآیند تفاهم با شرکت ملی نفت برای عرضه نفت خام به طور جدی از اوایل مرداد تا به امروز دنبال شده و خوشبختانه بر روی بسیاری از موارد تفاهم وجود دارد. در این زمینه نیاز بود تا شرکت سپرده‌گذاری مرکزی از طریق بانک‌های عامل که فعالیت‌های ارزی انجام می‌دهند نسبت به انجام تسویه ارزی اعلام آمادگی نماید که هم اکنون این امر انجام شده است. از طرفی بخش زیادی از تعیین مفاد اطلاعاتی عرضه یا شرایط فروش با شرکت ملی نفت انجام شده است. به باور وی با توجه به اینکه عرضه نفت خام تابع قوانین و



در سطح منطقه
بورس انرژی
ایران تنها
بازاری است که
طیف وسیعی
از فراورده‌های
پالایشی در
آن عرضه
می‌شوند و از
این رو می‌توان
از آن به عنوان
مرجع قیمتی
فراورده‌های
ویژه پالایشی
در بازارهای
منطقه یاد کرد



مقررات زیادی است در سطوح بالای تصمیم‌گیری نیاز به هماهنگی‌هایی وجود دارد که خوشبختانه با برگزاری دو جلسه هماهنگی، تفاهمات خوبی در این زمینه حاصل شده است. مدیرعامل بورس انرژی با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته از سوی رئیس سازمان بورس به منظور پیگیری و حل مسائل باقیمانده بر سر عرضه نفت خام، ابراز امیدواری کرد: حداکثر تا پایان سال ۹۶ عرضه نفت خام در رینگ صادراتی بورس انرژی امکان پذیر می‌شود.

حسینی در عین حال از موافقت نهایی سازمان بورس برای راه اندازی صندوق پروژه برق خبر داد و گفت: انتظار می‌رود در مهر ماه واحدهای سرمایه‌گذاری این صندوق پذیره نویسی شود.

وی افزود: خوشبختانه مدل تأسیس صندوق‌های پروژه انرژی نهایی شده و علاوه بر صندوق پروژه مپنا، تقاضاهایی نیز برای تأسیس صندوق پروژه پتروشیمی وجود دارد که با کمک شرکت‌های تأمین سرمایه آنها را دنبال خواهیم کرد. وی از پذیرش فراورده‌های جدید نفتی در بورس انرژی نیز سخن گفت و افزود: دو محصول پالایشگاهی شامل آیزوفید پالایش نفت تهران و نفت کوره پالایش نفت کرمانشاه در مهر ماه به مرحله عرضه خواهند رسید. چند هیدروکربور سبک مربوط به شرکت‌های پایین دستی پالایشی نیز برای عرضه در بورس انرژی مورد موافقت قرار گرفته‌اند که عرضه آنها به زودی آغاز خواهد شد. این مقام مسئول ادامه داد: فراورده‌های اصلی که شرکت ملی نفت عرضه می‌کند، مثل نفت کوره، گازوئیل و میعانات گازی، عرضه‌های آنها در بورس انرژی تداوم خواهد یافت، منتهی انتظار می‌رود شرکت ملی نفت در زمینه قیمت پایه فروش این فراورده‌ها بازنگری جامعی داشته باشد، تا عرضه این محصولات منجر به معامله در تابلوی معاملات شود و به تبع آن خریداران خارجی بطور مستقیم در بورس جذب شوند. حسینی افزود: در مورد تأمین مالی واحدهای اقتصادی از طریق بورس انرژی، فروش گواهی‌های سرمایه‌گذاری صندوق پروژه یکی از ابزارهایی است که امسال به ثمر نشسته است. همچنین برای انتشار اوراق سلف موازی استاندارد تا سقف هزار میلیارد تومان برنامه ریزی شده که با تقاضایی که از سمت ناشران وجود دارد، برای شرکت‌های تولیدکننده برق و فعالان نفتی منتشر خواهد شد.

اخبار



شروع پاییز برای صنعت نفت ایران بسیار پر خیر بود، از همان اوایل مهرماه زمزمه تحولی با رویکرد جوانگرایی در برخی سمت‌های مدیریتی کلان صنعت نفت شنیده شد که تا امروز مهمترین خروجی آن، نشستن یک جوان بر کرسی مدیریت شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران است، بعید نیست در شماره آینده دنیای انرژی، اسامی جوان دیگری نیز به این فهرست افزوده شده باشند.



مدیرعامل جدید شرکت ملی پالایش و پخش تاکید کرد:

رقابت دولت با بخش خصوصی در صنعت پالایش نفت ممنوع است

روز ۱۹ مهرماه با حکم بیژن زنگنه وزیر نفت، علیرضا صادق آبادی به عنوان مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران منصوب شد، او سه روز بعد و در آئین تودیع عباس کاظمی مدیرعامل پیشین این شرکت گفت: تکمیل هر سه فاز پالایشگاه ستاره خلیج فارس و بهره برداری از آن می‌تواند بار امنیتی و روانی تأمین بنزین را در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران کاهش دهد. صادق آبادی به فراهم کردن فضای کسب و کار برای بخش خصوصی به عنوان مورد مهم بعدی اشاره کرد و گفت: صنعت پالایش کشور به منابع مالی ارزی با نرخ بهره پایین و بازپرداخت طولانی نیاز دارد که این موضوع می‌تواند از طریق فاینانس خارجی تأمین شود. مدیرعامل جدید شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی تاکید کرد: در هیچ کجا بخش دولتی نباید با بخش خصوصی رقابت کند و همچنین تصدی گری دولت نیز باید در صنعت پالایش کاهش یابد. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اشاره به این‌که اجرای طرح عرضه سوخت از طریق شرکت‌های صاحب صلاحیت (برندینگ) می‌تواند یکی از راه‌های کاهش این تصدی گری باشد، افزود: توزیع سوخت از طریق شرکت‌های صاحب صلاحیت زمانی تأثیرگذار خواهد بود که پالایشگاه‌ها هم درگیر آن شوند. معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی درباره چالش‌های پیش روی این صنعت نیز گفت: تا سال ۲۰۲۰ میلادی نفت کوره باید با ضوابط و کیفیت خاصی فروخته شود که این مهم با انجام برخی راهکارها، طولانی مدت خواهد شد.



رایزن بازرگانی ایران در عراق:

صادرات گاز ایران به عراق تا ۳ برابر قابل افزایش است

رایزن بازرگانی ایران در عراق به موضوع حل مشکل صادرات گاز ایران به این کشور خبر داد و گفت: این ظرفیت تا سه برابر هم قابل افزایش بوده و توان فنی و تجهیزاتی لازم برای تحقق این مهم فراهم است. ناصر بهزاد افزود: رشد قابل ملاحظه صادرات ایران به عراق در ماه‌های گذشته به طور عمده مربوط به تغییر مستمر ترکیب کالاهای صادراتی به این کشور بوده است. وی با اشاره به حل مشکل صادرات گاز ایران به عراق برای نخستین بار گفت: این ظرفیت تا سه برابر هم قابل افزایش بوده و توان فنی و تجهیزاتی لازم برای تحقق این مهم فراهم است. همچنین مجتبی خسرو تاج، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران با اشاره به بازار بزرگ کشور عراق، تصریح کرد: عراق یکی از مهمترین بازارهای صادراتی کشور است، به طوری که جمهوری اسلامی ایران در ۶ ماه نخست امسال با سه میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلار صادرات، به دومین مقصد صادراتی این کشور تبدیل شد. خسرو تاج عنوان کرد: این موضوع در حالی به دست آمده که سهم دیگر کشورها در صادرات به این کشور در این مدت کاهش داشته است، همچنین برای بازار عراق نیازمند حضور تیمی ۱۰ نفره از سوی سازمان توسعه تجارت و استفاده از توانمندی نیروهای بومی و ایجاد شعبه‌ای از اتاق بازرگانی در این کشور هستیم. مجتبی خسرو تاج که در جمع رایزنان بازرگانی ایران سخن می‌گفت افزود: در ۲ سال گذشته برای خروج سازمان توسعه تجارت از شکل سنتی آن تلاش‌هایی در قالب تفتیک مقوله‌های سیاست‌گذاری و حکمرانی و تبدیل شدن به یک نهاد توصیه‌ای و ترویجی انجام شد.



معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی خبر داد:

تولد کنسرسیوم صادرات متانول ایران

معاون وزیر نفت از آغاز فاز نخست یکپارچه سازی بازرگانی شرکت‌های پتروشیمی ایران با ایجاد کنسرسیوم یا اتحادیه‌های مشترک برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات مشابه خبر داد. مرضیه شاهدایی افزود: یکپارچه سازی بازرگانی پتروشیمی‌ها به دلیل خصوصی بودن بیشتر شرکت‌ها، تفاوت اهداف و محصولات مختلف در کوتاه مدت میسر نیست و زمانبر است. شاهدایی با اشاره به این‌که متمرکز کردن بازرگانی پتروشیمی‌ها نیاز به فرهنگ سازی و ایجاد زیرساخت‌های لازم دارد، تصریح کرد: در فاز نخست یکپارچه سازی بازرگانی پتروشیمی‌ها مقرر شد تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات مشابه، کنسرسیوم‌هایی را به منظور جلوگیری از مواجهه با مشکلات صادراتی و بازرگانی خارجی محصولات پتروشیمی ایران در آینده تشکیل دهند. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی افزود: این کنسرسیوم‌ها سیاست‌گذار میزان فروش و قیمت محصولات تولیدی در بازار خواهند بود که سبب حفظ و افزایش سودآوری شرکت‌ها نیز می‌شود. وی با اشاره به برگزاری نخستین همایش تولیدکنندگان متانول ایران با هدف یکپارچه سازی بازرگانی شرکت‌ها، گفت: ایران یکی از تولیدکنندگان بزرگ متانول در جهان با ظرفیت ۵,۵ میلیون تن در سال است که تا سال آینده ۵,۵ میلیون تن دیگر به این ظرفیت افزوده خواهد شد؛ براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، ظرفیت تولید متانول کشور تا سال ۲۰۲۰ به ۱۷ میلیون تن خواهد رسید. معاون وزیر نفت ادامه داد: در نخستین همایش تولیدکنندگان متانول ایران، مسائل بازرگانی، شرایط روز، بازار پیش رو و تهدیدها و فرصت‌های این صنعت بررسی و سیاست‌گذاری‌های ایجاد کنسرسیوم صنعت متانول در کشور انجام شد. به گفته شاهدایی، یکپارچه سازی بازرگانی پتروشیمی همچنین نقشی بسزا در توسعه، پیشرفت و انتقال فناوری و دانش فنی و کاهش هزینه‌های صادراتی و حمل نقل دارد.





ثبات و پایداری در بازار جهانی پتروشیمی تا سال ۲۰۲۰

شرکت لوته کمیکال کره جنوبی پیش بینی کرد که بازار جهانی پتروشیمی تا سال ۲۰۲۰ تغییر چندانی را شاهد نباشد. شرکت لوته کمیکال کره جنوبی به تازگی پیش بینی کرد که به لطف قیمت‌های پایین نفت خام، بازار جهانی پتروشیمی تا سال ۲۰۲۰ میلادی از ثبات و پایداری (STABLE TO FIRM) مطلوبی برخوردار خواهد بود. اما مدیر ارشد اجرایی این شرکت در نظر دارد تا با حرکت به سوی متنوع ساختن خوراک مورد استفاده، هزینه‌های جاری را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. کیم گوی هیون، مدیر عامل لوته کمیکال عنوان کرد: ما به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ پتروشیمی کره جنوبی ظرف سال‌های اخیر از پایین بودن قیمت‌های نفت خام و در نتیجه خوراک مشتق از آن یعنی نفتا بهره‌فراوانی برده‌ایم. این موضوع در مقایسه با سطح عرضه و تقاضای محصولات پتروشیمی، تأثیر به مراتب مهمتری بر عملکرد مالی شرکت داشته است. کیم در نخستین مصاحبه خود پس انتصاب به سمت مدیر عاملی لوته کمیکال در ماه مارس اظهار داشت: انتظار می‌رود با ثابت ماندن بهای نفت خام حول قیمت ۶۰ دلار در هر بشکه، بازار جهانی پتروشیمی تا سال ۲۰۲۰ ثبات و پایداری چشمگیری را تجربه کند. این تولیدکننده پتروشیمی برنامه دارد تا با توسعه مجتمع پئوسو (YEOSU) در کره جنوبی و احداث یک واحد کراکر اتان جدید با همکاری شرکت اکسیال (AXIAL) در لوئیزیانا ایالات متحده، تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی ظرفیت جهانی تولید اتیلن خود را تا سقف ۴۰ درصد افزایش دهد و این رقم را به چهار میلیون ۵۰۰ هزار تن در سال برساند. مجتمع در نظر گرفته شده برای احداث در لوئیزیانا به این شرکت کمک خواهد کرد تا خوراک مورد استفاده خود را که در حال حاضر عمدتاً نفتا است؛ متنوع سازد. مدیر عامل لوته کمیکال معتقد است که سودآوری تولیدکنندگان پتروشیمی متمرکز بر خوراک نفتا ظرف سال‌های آتی تا حدودی متأثر می‌شود.



تفاهم ایران و ایتالیا برای جمع‌آوری گازهای مشعل

تعدادی از شرکت‌های زیر مجموعه شرکت ملی نفت ایران با هدف جمع‌آوری گازهای ارسالی به مشعل (FLARE) برای تولید برق و نوسازی تجهیزات نفت و گاز با شرکت آنسالدو ایتالیا تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. تفاهم‌نامه همکاری میان شرکت آنسالدو ایتالیا و شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت نفت و گاز پارس، شرکت نفت مناطق مرکزی و شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت با هدف جمع‌آوری گازهای ارسالی به مشعل (FLARE) برای تولید برق و نوسازی تجهیزات نفت و گاز امروز (چهارشنبه، ۲۶ مهرماه) امضا شد. یکی از اهداف امضای این تفاهم‌نامه، جمع‌آوری گازهای ارسالی به مشعل در فاز ۱۲ میدان گازی پارس جنوبی برای تولید برق و نوسازی تجهیزات نفت و گاز است. بر این اساس، شرکت آنسالدو ایتالیا با استفاده از فناوری تبدیل گازهای ارسالی به مشعل (فلر) به برق، در دو مرحله همکاری خود را ادامه خواهد داد که در مرحله نخست ۶۰۰ مگاوات و در مرحله دوم نزدیک به یک هزار مگاوات تولید برق صورت می‌پذیرد، همچنین سبب افزایش راندمان تجهیزات و بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌شود. در همین رابطه مدیر امور فنی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران پیش بینی کرد با اجرای طرح‌های توسعه‌ای، ظرفیت تولید روزانه نفت در این شرکت از حدود ۲۰۰ هزار بشکه کنونی به ۳۰۰ هزار بشکه، ظرفیت تولید روزانه گاز از ۳۰۰ میلیون مترمکعب کنونی به ۴۰۰ میلیون مترمکعب و ظرفیت تولید میعانات گازی از ۸۰ هزار بشکه کنونی به ۱۱۰ هزار بشکه در روز برسد. احمد رجبی درباره گازهای همراه نفت گفت: هم اکنون در تاسیسات شرکت نفت مناطق مرکزی روزانه حدود ۱۵۰ میلیون فوت مکعب گازهای همراه سوزانده می‌شود که برای جمع‌آوری آنها برنامه‌ریزی لازم انجام شده و قرار است با شرکت ایتالیایی آنسالدو انرژی مشورت و سپس پروژه‌ها را تعریف کنیم.



پروژه خط انتقال گاز ششم سراسری به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسد

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز از راه‌اندازی خط لوله ششم سراسری در آینده‌ای نزدیک خبر داد و گفت: طول خط انتقال گاز ششم سراسری از اهواز تا دهگلان ۶۰۰ کیلومتر است که در مسیر خود به تقاطع رودخانه پرباب کارون می‌رسد.

حسن منتظر تربتی درباره ویژگی‌های پلی که برای عبور خط از رودخانه احداث شده است، گفت: برای این منظور، ترانشه‌ای به طول ۲۲۰ و ارتفاع ۸۰ متر ایجاد شده که حجم ترانشه برداشته شده به یک میلیون متر مکعب می‌رسد و هم اکنون نیز تجهیزات و ماشین‌آلات در مرحله لوله‌گذاری هستند. مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز تصریح کرد: در ابتدا قرار بود مسیر خط لوله به صورت HDD از بستر کارون عبور کند که به دلیل سنگی بودن بستر کارون این برنامه میسر نشد و تصمیم گرفتیم خط را به صورت هوایی از روی پل عبور دهیم که این اقدام با وجود حجم عظیم آب در کارون عملیاتی شد، به گونه‌ای که دو خط لوله ۵۶ اینچ (خطوط ششم و در آینده نهم) از روی عرشه عبور می‌کنند که این دستاورد در دنیا کم‌نظیر است. ترتیبی از لوله‌گذاری روی عرشه در آینده نزدیک خبر داد و گفت: تا یک کیلومتر ۱۰۷ خط ششم آماده‌سازی شده و آماده تزریق گاز است و پیش‌بینی می‌شود ۹۵ کیلومتر باقیمانده نیز با پایان مسیر سازی و پیشرفت خیره‌کننده در زمینه‌های حفاری کانال، جوشکاری و لوله‌گذاری ظرف ۲ ماه آینده به بهره‌برداری برسد.

جزئیات راه اندازی بزرگترین طرح تولید ABS صنعت پتروشیمی ایران

طرح ABS پتروشیمی جم با ظرفیت تولید سالانه حدود ۲۰۰ هزار تن ABS و ۶۰ هزار تن رابر به عنوان بزرگترین طرح تولید ABS صنعت پتروشیمی ایران تا سال آینده در مدار بهره برداری قرار می‌گیرد. مهندس سید حسین میرافضلی درباره آخرین وضعیت راه اندازی طرح ABS پتروشیمی جم، گفت: هم اکنون عملیات ساختمان و نصب این پروژه در حال انجام است و تا ۶ الی ۷ ماه آینده عملیات اجرایی پروژه ABS پتروشیمی جم به پایان می‌رسد. مدیرعامل شرکت پتروشیمی جم با اعلام اینکه هم اکنون تجهیزات این پروژه خریداری شده اما پیش بینی می‌شود با تکمیل مراحل ساختمان، نصب و راه اندازی، تولید تجاری ABS از اوایل سال آینده آغاز شود، تصریح کرد: در مجموع بر اساس برنامه زمان بندی پیش بینی می‌شود تا پایان امسال با نصب و عملیات راه اندازی آن آغاز شود. وی با تأکید بر اینکه همواره مراحل تست و راه اندازی طرح‌های پتروشیمی زمان بر است، تأکید کرد: در شرایط فعلی اجرای این طرح حدود ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. میرافضلی در خصوص حجم سرمایه گذاری انجام شده در این طرح پتروشیمیایی هم توضیح داد: برای طراحی، ساخت، نصب و راه اندازی این پروژه حدود ۱۸۰ میلیون یورو در بخش ارزش و حدود ۲۰۰ میلیارد تومان در بخش ریالی سرمایه گذاری انجام شده است. به گزارش نیپنا، پیش بینی می‌شود با بهره برداری از این طرح به طور متوسط سالانه حدود ۲۰۰ هزار تن ABS و ۶۰ هزار تن رابر به ظرفیت تولید محصولات پلیمری صنعت پتروشیمی ایران افزوده شود.



مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس جنوبی:

فازهای پارس جنوبی تا یک سال و نیم آینده تکمیل می‌شود

مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با بیان اینکه ۸۵ درصد از پروژه‌های پارس جنوبی به سرانجام رسیده‌اند، گفت: ۱۵ درصد باقیمانده ظرف یک سال و نیم آینده پایان می‌یابد و رسیدگی به مسائل زیست محیطی و نوسازی تجهیزات در دستور کار قرار می‌گیرد. محمد مشکین فام گفت: توانسته‌ایم پس از ۱۵ سال تلاش و صرف ۷۰ میلیارد دلار هزینه، مأموریت توسعه پارس جنوبی را با موفقیت به انتها برسانیم تا جایی که اکنون بیش از ۸۵ درصد راه را طی کرده‌ایم و ظرف یک سال و نیم آینده، به جز فاز ۱۱، تمام فازهای پارس جنوبی به اتمام می‌رسند. وی افزود: ما در مجموع ۴۱۳ حلقه چاه تولیدی، ۴۰ سکوی دریایی، حدود سه هزار و ۵۰۰ کیلومتر خط لوله دریایی و ۱۳ پالایشگاه که هشت مورد در عسلویه و پنج مورد در منطقه تنبک هستند داریم که پیش بینی می‌شود پس از تکمیل طرح، روزانه نزدیک به ۷۳۰ میلیون متر مکعب گاز، یک میلیون بشکه میعانات گازی، ۱۰ میلیون تن آل پی جی (LPG)، ۱۰ میلیون تن اتان و پنج هزار تن گوگرد از حوزه پارس جنوبی تولید کنیم. مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با بیان این که تاکنون همه توجه‌ها بر توسعه پالایشگاه‌های پارس جنوبی بوده، گفت: با سبک‌تر شدن کار در حوزه پارس جنوبی از این پس موضوع‌هایی از قبیل بازیافت گازهای مشعل، کاهش آلاینده پساب‌های صنعتی و مواردی از این دست در دستور کار قرار می‌گیرند.



کارجویان ایرانی به ۴ کشور جهان اعزام می‌شوند

مدیرکل دفتر هدایت نیرو و کاریابی‌ها درباره اعزام نیروی کار به خارج از کشور گفت: در کشورهای استرالیا، عمان، ترکیه و تاجیکستان دفاتر اعزام نیرو به خارج از کشور را راه‌اندازی کردیم. محمد اکبرنیا، مدیرکل دفتر هدایت نیرو و کاریابی‌ها با اشاره به برگزاری نمایشگاه کار از سوی استان‌ها گفت: قصد داریم در راستای این نمایشگاه ارتباطی را بین کارجویان، کارفرمایان و کاریابی‌ها با مشارکت اداره کل کاریابی‌ها برقرار کنیم. وی راجع به اعزام نیروی کار به خارج از کشور گفت: با همکاری وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در کشورهای که احتمال اعزام نیروی کار به آنجا وجود دارد هماهنگی‌های لازم صورت گرفت. اکبرنیا بیان کرد: خوشبختانه هماهنگی‌هایی صورت گرفته است و موفق شدیم ۴ دفتر کاریابی در کشورهای استرالیا، عمان، ترکیه و تاجیکستان راه‌اندازی کنیم و از این طریق بتوانیم نیرو به آن کشورها اعزام کنیم. مدیرکل دفتر هدایت نیرو و کاریابی‌ها اضافه کرد: این دفاتر اعزام نیروی کار را تسهیل می‌بخشند، کنار این موضوع برنامه حمایت از شاغلین ایرانی نیز طراحی شده است که این دفاتر بتوانند با همکاری وزارت امور خارجه از شاغلین در این کشورها حمایت‌های حقوقی و اجتماعی داشته باشد.





۸۰۰ میلیون یورو برای تکمیل LNG خارگ

قرارداد تکمیل طرح NGL خارگ، شیرین سازی و تفکیک گازهای همراه مناطق خارگ و بهرگان و فروش محصولات سنگین تر از اتان، روز ۱۶ مهرماه بین شرکت نفت فلات قاره ایران و شرکت صنایع فراساحل (صف) با حضور مدیران دو شرکت امضا شد. این قرارداد نخستین قرارداد جذب سرمایه در شرکت نفت فلات قاره ایران و همچنین صنعت نفت ایران و در قالب قراردادهای مشارکت عمومی خصوصی (PPP) است که به میزان ۸۰۰ میلیون یورو با مشارکت تامین کنندگان مالی ایرانی و بدون استفاده از سرمایه گذاران خارجی به امضا رسیده است.

بر اساس این قرارداد، شرکت ایرانی با تأمین مالی طرح، به مدت ۳ سال اقدام به تکمیل طرح NGL خارگ کرده و پس از آن علاوه بر پرداخت ماهیانه اجاره تاسیسات و خرید گاز به عنوان خوراک از شرکت ملی نفت ایران، گازهای سبک را نیز به شرکت ملی نفت تحویل خواهد داد. با بهره برداری از طرح NGL خارگ، خوراک روزانه مجتمع حداکثر برابر ۳۰۰ میلیون فوت مکعب خواهد بود که شرکت ایرانی به منظور باز یافت سرمایه خود تا سال ۱۴۳۰ محصولات سنگین تر از اتان را در مدت بهره برداری برداشت خواهد کرد. اجرای این قرارداد مزایای فراوانی نصیب کشور و صنعت نفت خواهد کرد که از آن جمله می توان به جمع آوری گازهای همراه میادین خارگ و بهرگان (به ویژه میدان مشترک فروزان) و جلوگیری از سوزانده شدن این ثروت ملی، درآمدزایی برای کشور، اشتغال زایی، جلوگیری از آلودگی زیست محیطی و ... اشاره کرد. همچنین با اجرای این قرارداد توسط یک شرکت ایرانی، به نوعی فرایند انتقال و ارتقاء تکنولوژی نیز اتفاق خواهد افتاد. قالب قرارداد این روش سرمایه گذاری برای اولین بار در صنعت نفت به صورت مشترک توسط شرکت نفت فلات قاره ایران و مدیریت سرمایه گذاری شرکت ملی نفت ایران تدوین و اجرایی شده است.



جوان ۳۱ ساله مسئول تشکیل دولت در اتریش

«سیاستین کورتز» رهبر ۳۱ ساله حزب محافظه کار «مردم» اتریش روز جمعه پس از دیدار با «الکساندر فان در بلن» رئیس جمهوری این کشور بطور رسمی مسئول تشکیل دولت شد و وعده تشکیل دولتی برای ایجاد تغییرات واقعی داد. پنج روز پس از انتخابات پارلمانی اتریش، الکساندر فان در بلن رئیس جمهوری اتریش بطور رسمی از سیاستین کورتز به عنوان رهبر بزرگترین حزب حاضر در پارلمان خواست که برای تشکیل دولت اقدام کند. روزنامه اشتاندارد اتریش گزارش داد: کورتز وزیر امور خارجه کنونی اتریش پیشنهاد رئیس جمهوری را پذیرفت و گفت که از مسئولیت سنگینی که این کار برای او به همراه دارد، آگاه است. وی پس از این دیدار به خبرنگاران گفت: مايلم دولتی تشکیل دهم که شهامت و عزم لازم برای ایجاد تغییرات واقعی در اتریش را داشته باشد. کورتز پس از دیدار با رئیس جمهوری اتریش در یک پیام توثیقه نوشت: من این پیشنهاد را با عزم و قدردانی از رأی دهندگان می پذیرم.



سیاست های آمریکا به صنعت نفت ایران آسیب نمی زند

معاون وزیر نفت اعلام کرد تغییر رویکرد آمریکا در قبال ایران آسیبی به صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران نمی رساند.

امیر حسین زمانی نیا، معاون وزیر نفت در امور بین الملل و بازاریابی معتقد است: سیاست جدید دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در قبال ایران بر عزم جمهوری اسلامی برای توسعه صنعت نفت و جذب سرمایه خارجی، تأثیری ناچیز خواهد داشت. وی اعلام کرد ایران امیدوار است تا ماه مارس سال ۲۰۱۸ میلادی ۱۰ قرارداد جدید با شرکت های خارجی برای توسعه میدان های نفت و گاز انعقاد کند. معاون وزیر نفت گفت: گمان نمی کنم هیچ یک از ما و یا شریکان ما از این اظهار نظر (ترامپ) متعجب شده باشند؛ انتظاراتی ما از سازوکار سیاست گذاری در دولت آمریکا بسیار حساب شده بوده است. زمانی نیا افزود: بیانیته ها و سیاست های آمریکا تأثیر و پیامد مهمی برای برنامه آینده ما در صنعت نفت ندارد. به گفته وی، ایران در الگوی جدید قراردادهای نفتی، با شرکت های خارجی، از جمله چند شرکت اروپایی، در حال مذاکره درباره ۲۸ قرارداد جدید است. معاون وزیر نفت همچنین اعلام کرد ایران که بزرگترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد، قصد دارد تا سال ۲۰۲۱ میلادی ظرفیت تولید گاز خود را از سطح کنونی ۸۰۰ میلیون متر مکعب در روز، به یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون متر مکعب در روز برساند.



نام: نام خانوادگی: شرکت/سازمان:

مدت اشتراک: ۱۲ شماره ۶ شماره

نشانی:

تلفن: تلفن همراه: کدپستی:

فرم اشتراک

ماهنامه

دنیای انرژی

The world of energy

لطفاً فرم اشتراک را کامل کرده و به
شماره نمابر ۰۲۱-۸۸۵۰۸۲۵۰ ارسال کنید

۱۲ شماره

۶ شماره

۲۰۰/۰۰۰ تومان

۱۰۰/۰۰۰ تومان